

ساشار ظریف، رقصنده و طراح رقص:
**عمل امروز ما «گذشته» ای است
که در حال ظهور می کند**

هفته

سال چهاردهم - پنجشنبه / ۸ اردیبهشت ۱۴۰۱ / ۲۸ آوریل ۲۰۲۲

بها: ۲,۵ دلار

۶۷۸

www.hafteh.ca

به بهانه اجرای پرفورمنس «قسمت» در تورنتو و مونترال
از کوچه‌های کودکی در تهران تا صحنه‌های هنر کانادا



آرش و شیرین شکور

کارشناسان رسمی املاک مکونن و تجاری شما
در مونترال و حومه



پیش فروش یکی از زیباترین مجتمع های مسکونی جزیره

— Nuns' Island —



۳-۲-۱ خوابه

سیستم کنترل ورود و خروج



۳-۲-۱ سرویس بهداشتی

لابی نورگیر و چشم نواز



پارکینگ سروشیده

استراحتگاه اختصاصی



استخر روباز

باشگاه مجهز و مدرن

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره های زیر تماس بگیرید

۵۱۴- ۷۳۰۳۹۰۹

۵۱۴- ۴۴۱۴۱۸۹





دکتر شریف
دکتر البزال
دکتر دالیوال
دکتر لیندا عطار

Dr. Sharif
 Dr. Albazzal
 Dr. Dhaliwal
 Dr. Linda Attar

تخفیف ویژه برای

دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪
 بیماران جدید ۱۰٪

Montreal

(514) 731 1443

5450, Ch. de la Côte-des-Neiges,
 Suite 308, Montréal, QC, H3T 1Y6

f Clinique.Dentaire.Soleil

www.cliniquedentairesoleil.com

info@cliniquedentairesoleil.com

Brossard

(450) 926 2622

7801-2 Taschereau Blvd
 Brossard QC, J4Y1A3

**info@cliniquedentaire
 soleil-brossard.com**



RE/MAX
3000

Tranquill-T بیمه منحصر به فرد

هایک هارتونیان MBA

مشاور و متخصص املاک مسکونی در استان کبک

(514) 574 6162



- مشاوره رایگان حضوری و تلفنی
- ارزیابی رایگان ملک شما
- تهیه وام با بهترین بهره و شرایط بانکی
- خرید، فروش، اجاره

• **پروسه رایگان برای خریداران**

Hayk Hartounian MBA Residential Real Estate Broker

Haykhartounian@yahoo.com

9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5



طلا و جواهر یادگاری

اولین طلافروشی ایرانی در مونترال

خرید، فروش، تعمیر و تعویض انواع طلا و جواهر
انواع گردنبند، دستبند و گوشواره
خرید و فروش بر اساس وزن و عیار

Unit C 301, 1 Westmount Sq, Westmount
H3Z 2P9
(514) 245-9159



YADEGARI_JEWELRY



YADEGARJEWELRY



YADEGARJEWELRY.COM

Sutton



آرزو گتمیری مشاور املاک

AREZOU GATMIRI
Courtier Immobilier Résidentiel

agatmiri@sutton.com

- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون درآمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

Cell: (514) 561-3-561

Groupe Sutton-Sur L'île
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8
Bureau: (514) 769-7010

Sutton



ارزیابی رایگان

(514) 827-6364

fhemaatiyan@sutton.com

جنب اخوان و نیش دیجیتال و صرافی رویال 6160 Rue Sherbrooke west Montreal H4B 1L8

مشاور املاک مسکونی و تجاری

فیروز همتیان

با تجربه ۲۰ سال در املاک و ۳۸ سال در سابقه کسب و کار در مونتreal

گشایش یافت، دفتر امور املاک همتیان

- مشاور ارشد املاک در مونتreal و حومه
- خرید و فروش املاک مسکونی، تجاری - صنعتی و کشاورزی
- تهیه انواع وامهای مسکونی و تجاری
- تهیه وام برای تازه واردین به کانادا
- مشاوره در امور سرمایه گذاری در املاک درآمدزا
- خرید و فروش انواع بیزینس



Firouz Hemmatiyan

Courtier Immobilier Agréé
Certified Real Estate Broker



داستان: امیرضا بیگدلی
دست و بال مان خالی ست

هنر: سعید میرزایی

پروین پیوندی، هنرمند ایرانی در کانادا با آثار ترکیبی از شرق و غرب

نکته‌ها...! کریم زبانی

انسانیت را برایم تعریف کن!

سینما: عارف محمدی

نه قدم تا خوشبختی به سبک آمریکایی!

شعر: هیلدا دولیتل

سروده‌هایی از هیلدا دولیتل با ترجمه علی ثباتی



معصومه علی محمدی
آیا می‌دانید کانادا سه برنامه کفالت همسر و شریک زندگی دارد؟

سعید میرزایی

روند طولانی خدمات گذرنامه و دروسهای یک مهاجر ایرانی

اشکان امیری

چرا روند تمدید پاسپورت در کانادا طولانی شده است؟

گروه ترجمه هفته

چالش دانشجویان ایرانی با نرخ پذیرش پایین تر برای تحصیل در کانادا



خسرو شمیرانی

گفت‌وگویی «هفته» با ساشار ظریف، رقصنده و طراح رقص:

هر عمل امروز ما «گذشته» ای است که در حال ظهور می‌کند

به بهانه اجرای پرفورمنس «قسمت» در تورنتو و مونترال

از کوچ‌های کودکی در تهران تا صحنه‌های هنر کانادا

ناشر: مجله‌ی هفته

هفته - سال چهاردهم - شماره ۶۷۸

پنجشنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۱ / ۲۸ آوریل ۲۰۲۲

پها: ۲/۵ دلار

حق اشتراک سالانه: ۱۲۰ دلار / دانشجویی: ۶۰ دلار

تطبیقات هفته در سال ۲۰۲۲ میلادی:

پنجشنبه ۶ ژانویه، پنجشنبه ۲۴ مارچ

پنجشنبه ۷ جولای، پنجشنبه ۱۳ اکتبر

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4

www.hafteh.ca

info@hafteh.ca

news@hafteh.ca

ad@hafteh.ca

ISSN 1918-4379 HafteH

Head Office:

1980 Sherbrooke St. W.

Suite: 900

Montreal, Quebec, H3H 1E8

■ هفته از همه علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.

■ لطفا مطالب خود را زیر هزار واژه (برمبنای واژه شمار ورد) نگاه دارید.

■ هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطلب‌های رسیده آزاد است.

■ استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.

■ درباره مضمون آگهی‌های منتشر شده، هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

صورت آواز مرغ است آن گلام
غافل است از حال مرغان مردخام



آریانا، گفت و گو؛ نرگس هاشمی
سید مدثر احمد هاشمی، جوان پر تلاش از
مونترال:
«هر یک از افغان‌ها سفیران کشور خود اند»

آریانا، داستان؛ جمیله هاشمی
وعده‌ای دیدار به قیامت!

۵۶ جامعه

جامعه؛ گروه ترجمه هفته
خشونت، معضلی روبه‌رشد در مونترال

حقوق؛ نیوشا ریاحی
سپرده داوطلبانه یا Voluntary deposit (۲)



سیاست؛ احمد زیدآبادی
مذاکرات بغداد و ضرورت بهبود رابطه‌ی
تهران و ریاض

جامعه؛ گروه خبر هفته
یادی از محمد صالحه و دیگر نخبه‌هاش
کشته‌شده در هواپیمای اوکراینی

سیاست؛ سعید میرزایی
سربازان خدمت کرده در سپاه پاسداران؛
رسانه‌های کانادا چه می‌گویند؟

اقتصاد؛ آرمین آریان‌پور
آیا دریافتی‌های مربوط به کووید مشمول
مالیات هستند؟



گفت و گو؛ فرنگیس شکبیا
نگین آشوری، مخترع و کارآفرین برگزیده توسط
سازمان ملی اختراعات کانادا:
برای بهبود کیفیت زندگی زنان تلاش
می‌کنم

گزارش ویژه؛ گروه ترجمه هفته
بحران جراحی‌های معوقه در کانادا

۴۸ خانواده و سرگرمی

آشپزی؛ مهسا عباس‌پور
فاج بیسکویت و گردو
سرگرمی؛ خاطره تحویل‌داری یکتا
طنز و حکایت و سرگرمی

سردبیر: خسرو شمیرانی

سرمدیر آنلاین: آرشد مجیدی

مدیر بازرگانی: محمد پرونده

طراح و صفحه‌آرا: آتلیه هفته
کاریکاتوربست: سیروس یحیی‌آبادی
عکاس: مهناز زنجیرزنی

اخبار کانادا: گروه خبر هفته

اخبار باهمستان: زهرا صالحی

آریانا: نرگس هاشمی

مهاجرت: معصومه علی‌محمدی

ادبیات: فرنگیس شکبیا و یاسمن حسنی

سلامت: دکتر فائقه ابراهیمی و الهام گرامی

حقوق: نیوشا ریاحی

اقتصاد: آرمین آریان‌پور

گروه ترجمه: فیروزه مسیحا، نگین پرونده

مدیر فنی وب‌سایت: بهمن عسگری‌پور



بودن و شدن، جدالی جاودانه در «قسمت» ساشار ظریف

برایش محل زندگی است و او خود داستان زندگی. او با کمک رقصنده‌های هنرمندش در روی صحنه تیلوری می‌شود از بودن و شدن. او در این مسیر باز هم به ژرف‌تر می‌رود و به دوران کودکی مادر بزرگاش سفر می‌کند تا با ریشه‌هایش در اعماق گذشته پیوند برقرار کند و بتواند «شدن» را زندگی کند و «حال» را. ساشار ظریف در گفت‌وگویی که با او داشتیم و در این شماره می‌خوانید، می‌گوید: «درواقع داستان‌هایی که ما می‌گوییم از آن حافظه محدود می‌آید. ولی وقتی شما خود، داستان می‌شوید مجبور هستید درون خودتان کندوکاو کنید، خودتان را پیدا کنید، سؤال پرسید و پیگیری کنید که چه بوده است و رابطه‌اش با من چیست.» ظریف در نمایش «قسمت» از کودکی آغاز می‌کند اما خود، داستان می‌شود. پرفورمنس «قسمت» با رقص و آواز ساشار ظریف و تیم هنرمندان او، یکی از عمیق‌ترین کارهایی است که روی صحنه نمایش در کانادا دیده‌ام.

از ساشار ظریف، این انسان هنرمند، سپاسگزارم که با این کار جدید امکان شناخت عمیق‌تری از خودش و هنرش را برایم مهیا کرد.

گفت‌وگویی دارد میان زمین و انسان که در آن از جمله از «تقدیر» سخن می‌رود. شاملو از زبان زمین خطاب به انسان می‌گوید: «تو بی‌احساس عمیق سرشکستگی چگونه از «تقدیر» سخن می‌گویی که جز بهانه‌ی تسلیم بی‌همتان نیست؟»

ساشار ظریف در بیان هنری خود در این نمایش تعریف متفاوتی از قسمت و تقدیر ارائه می‌دهد. او قسمت را به عنوان «آنچه به من داده شده» و از پیش مقرر و معین شده، تعریف می‌کند و همزمان در کنار آن «سرنوشت» را قرار می‌دهد که «من» و فقط «من» می‌توانم با همت خود بر شالوده «آنچه مقرر شده» بسازم. ظریف در این برداشت «من» و «تو» را نه تنها در زندان تقدیر و قسمت حبس نمی‌کند بلکه با تعریف متفاوت خود از تقدیر، آن را شالوده‌ای می‌کند که بر مبنای آن باز تعریف مداوم «من» و روند مستمر ساختن و شناختن و بازساختن «من» همان مفهوم زندگی است و دیگر هیچ. ظریف در روی صحنه‌های تورنتو و مونترال به کودکی خود و داستان‌های مادر بزرگ نقب می‌زند و برای مخاطبش به زبان ترکی داستان‌های آن پیرزن باکویی‌ای را تعریف می‌کند، نه از این جهت که خود را داستان‌سرا می‌بیند بلکه از این رو که صحنه



چند هفته پیش، شب قبل از تحویل سال، برای اولین بار توانستم کاری از ساشار ظریف را از نزدیک تماشا کنم. ساشار ظریف را سال‌ها بود که می‌شناختم، البته فقط از ورای مصاحبه‌ها و نقد کارهایش. طبیعتاً کمتر کسی می‌تواند با صحنه‌ی فرهنگ و هنر در تورنتو در تماس باشد و این هنرمند متفاوت را نشناسد. دیدن یک اثر زنده از این هنرمند به شناختم از او عمق جدیدی بخشید.

کار اخیرش «قسمت» نام دارد. واژه‌ای که بی‌تردید یکی از بحث‌برانگیزترین مفاهیم مذهب و عرفان در میان اندیشمندان منطقه ما است. شاملو در مجموعه‌ی «مداخچه بی‌صله»

اخبار گزارش ها



۷۱ درصد کبکی‌ها مخالف حاکمیت سلطنتی انگلیس هستند



جهت قرار داشته است: کاهش علاقه به نظام سلطنتی. «سلطنت انگلیس در میان دغدغه‌ها و اولویت‌های ساکنان کبک جایگاهی ندارد چرا که همین نظرسنجی نشان داد که اگر ملکه انگلیس فوت کند، تنها ۳۳ درصد کبکی‌ها از این خبر متأثر خواهند شد. الیزابت دوم که به تازگی ۹۶ سالگی خود را جشن گرفته، ۷۰ سال است که بر تخت سلطنت نشسته است. موسسه انگوس رید این نظرسنجی اینترنتی را از پنجم تا هفتم آوریل امسال انجام داد و ۱۶۰۷ شهروند بالغ کانادایی در آن شرکت کردند

به نظر می‌رسد در میان استان‌های کانادا، مانیتوبا بیشترین وفاداری را به خاندان سلطنتی انگلیس دارد چرا که تنها ۴۰ درصد ساکنان این استان خواستار پایان یافتن حاکمیت سلطنتی انگلیس هستند. همین بررسی نشان داد که ۴۹ درصد از مردم کانادا معتقدند که خاندان سلطنتی انگلیس نماینده ارزش‌های منسوخ شده است و ۵۰ درصد هم بر این باورند که نظام سلطنتی انگلیس دیگر با جامعه کانادا همخوانی ندارد. شاپی کرل، رئیس موسسه انگوس رید، در گفتگو با گلوبال نیوز گفت: «نتایج این نظرسنجی از این حیث قابل توجه هستند که موضع‌گیری مردم کانادا در سال‌های اخیر همواره در یک

نتایج یک نظرسنجی جدید موسسه آنگوس رید Angus Reid که هفته گذشته منتشر شد، حاکی از آن است که میزان حمایت کانادایی‌ها از نظام سلطنتی انگلیس روز به روز در حال کاهش است اما در این میان کبکی‌ها بیشتر از ساکنان دیگر استان‌ها و سرزمین کانادا مخالف حاکمیت ملکه انگلیس هستند. طبق این نظرسنجی ۷۱ درصد ساکنان استان کبک معتقدند که کانادا نیازی به سلطنت انگلیس ندارد و باید از زیر سیطره نظام سلطنتی انگلیس خارج شود اما این میزان در سطح ملی ۵۱ درصد است.

کمبود شدید نیروی کار در کبک و انتظار چندین ماهه ۴ هزار کارگر خارجی؛ یک تناقض آشکار



کارفرمایان و کارگران فعال در استان را نیز به خطر می‌اندازد چرا که آن‌ها را مجبور می‌کند برای جبران کمبود نیروی کار، ساعات بیشتری کار کنند. در چنین شرایطی بسیار ضروری است که مقامات برای کارفرمایان شرایطی ایجاد کنند که بتوانند به آسانی به کارگران خارجی مورد نیاز خود دسترسی داشته باشند. در میان استان‌های کانادا، کبک بیشترین آسیب را از کمبود نیروی کار متحمل شده است. وزارت مهاجرت کبک اذعان کرده که فهرست تقاضاهای کارگران خارجی که در انتظار پاسخ وزارت مهاجرت هستند، در ماه‌های اخیر به طرز قابل توجهی افزایش یافته است.

فرانسوا ونسان، معاون امور مربوط به کبک در فدراسیون کسب و کارهای مستقل کانادایی، اعلام کرد با توجه به وضعیتی که در بازار کار با آن روبرو هستیم، سرعت بخشید به پردازش پرونده کارگران مهاجر خارجی از اهمیت بالایی برخوردار است. آقای ونسان افزود: «قطعاً این وضعیت برای کارفرمایان و صاحبان مشاغل استان کبک ناامید کننده است اما امیدوار هستیم که برای برآورده شدن نیاز شدید آن‌ها به نیروی کار، روند امور سرعت بیشتری پیدا کند.» این مسئول فدراسیون کسب و کارهای مستقل کانادا افزود کمبود نیروی کار علاوه بر این که جلو انعقاد قراردادهای جدید را می‌گیرد، سلامت

در شرایطی که بخش‌های مختلف اقتصاد استان کبک از ماه‌ها پیش با کمبود شدید نیروی کار روبرو است و همین مسئله احیای اقتصاد استان را در دوره پساکرونا به شدت تحت تاثیر قرار داده است، آمار و ارقام رسمی نشان می‌دهد که نزدیک به چهار هزار کارگر خارجی موقت برای ورود به استان کبک از مدت‌ها پیش در انتظار پاسخ وزارت مهاجرت هستند. برخی از این کارگران از سال ۲۰۲۱ در انتظار چراغ سبز وزارت مهاجرت کبک هستند. وزارت مهاجرت، فرانسوی‌سازی و شمول کبک اعلام کرده که برای تسریع روند رسیدگی به تقاضاها و کاهش شمار پرونده‌های در فهرست انتظار، ۴۵ کارمند تمام وقت جدید به خدمت گرفته است.

کشف و ضبط یک میلیون اسکناس تقلبی صد دلاری در کبک

بردند که اسکناس‌های تقلبی از خارج کشور و با واسطه و هماهنگی یک وبسایت وارد کانادا شده است. در همین ارتباط یک مرد و زن اهل گتینو نیز بازداشت و مورد بازجویی قرار گرفتند. در بازرسی از منزل مسکونی این زوج نیز برخی وسایل الکترونیکی کشف و ضبط شد. این زن و شوهر احتمالا در تحقیقات پلیس با اتهامات جنایی مختلف روبرو خواهند شد. «اداره ملی مبارزه با جعل» نیز اعلام کرد این بزرگ‌ترین کشف اسکناس‌های تقلبی در کشور از سال ۲۰۰۱ به این طرف بوده است.

طبق اعلام پلیس، در ارتباط با این عملیات مهم یک زن و شوهر ساکن منطقه گاتینو دستگیر شده‌اند.

تحقیقات ژاندارمری سلطنتی کانادا در این زمینه پس از آن آغاز شد که ماموران گمرک کانادا از رهگیری یک بسته اسکناس‌های تقلبی یکصد دلاری خبر دادند.

پلیس پس از توقیف پول‌های تقلبی اعلام کرد در مجموع حدود ده هزار اسکناس تقلبی در این محموله وجود داشته است.

ژاندارمری سلطنتی کانادا در بیانیه خود تصریح کرد: «بازرسان پلیس در تحقیقات خود پی



ژاندارمری سلطنتی کانادا روز جمعه ۲۲ آوریل با انتشار بیانیه‌ای از بزرگ‌ترین کشف و ضبط اسکناس‌های تقلبی طی دو دهه اخیر در کانادا خبر داد. ماموران ژاندارمری سلطنتی به تازگی در عملیات مقابله با قاچاق و جرایم سازمان یافته موفق به کشف یک میلیون دلار اسکناس تقلبی یکصد دلاری شده‌اند.

تعدیل محدودیت‌های مرزی برای کودکان و افراد واکسینه شده

ورود به کانادا فهرست تماس‌های نزدیکی را که با دیگر افراد داشته‌اند یا اسامی مکان‌هایی را که به آن‌ها تردد داشته‌اند، ارائه نمایند.

با این حال مارکو مندیچینو، وزیر امنیت عمومی، تاکید کرد مسافرانی که وارد کانادا می‌شوند همچنان باید صبور باشند و تاخیرهایی را که به علت رعایت برخی تدابیر بهداشتی پیش می‌آید، تحمل کنند.

لازم به یادآوری است مسافرانی که هنگام ورود به کانادا عمدا یا سهوا از ارائه اطلاعات مربوط به خود از طریق اپلیکیشن ArriveCAN خودداری کنند، مشمول تدابیری نخواهند شد که برای مسافران واکسینه شده به اجرا گذاشته می‌شود.

ژان-ایو دوکلو، وزیر بهداشت کانادا اعلام کرد: «سلامت و امنیت شهروندان اولویت مطلق

ماست و به تدریج که پوشش واکسیناسیون افزایش می‌یابد و ظرفیت‌های سیستم بهداشت و درمان کشور بهبود پیدا می‌کند، ما تعدیل

محدودیت‌های پیشگیرانه ضدکروناپی را در مرزها به اجرا می‌گذاریم و البته برای اتخاذ تصمیمات خود توصیه‌های علمی را مبنا قرار می‌دهیم.»

همچنین طبق تصمیمی که آژانس سلامت عمومی کانادا گرفته است، افراد کاملا واکسینه شده دیگر مجبور نخواهند بود در اماکن عمومی از ماسک استفاده کنند، بروز علائم بیماری را در بدن خود گزارش دهند و طی ۱۴ روز پس از



آژانس سلامت عمومی کانادا جمعه ۲۲ آوریل اعلام کرد از ۲۵ آوریل برخی محدودیت‌های پیشگیرانه در مرزهای کانادا تعدیل خواهد شد. آژانس سلامت عمومی کانادا در همین راستا اعلام کرد کودکان ۵ تا ۱۱ ساله که با یک فرد بزرگسال کاملا واکسینه شده قصد ورود به کانادا را دارند، از ۲۵ آوریل به بعد ملزم به دادن تست غربالگری کووید ۱۹ نخواهند بود. علاوه بر این مسافرانی که خود را کاملا واکسینه کرده‌اند، از ۲۵ آوریل به بعد مجبور نخواهند بود در بدو ورود به کانادا طرح قرنطینه ارائه کنند.

مشتریان اوبر در همه جای کانادا به جز کبک می‌توانند ماسک‌های خود را

کنار بگذارند

اکنون اعلام کرده است که مطابق با تغییر و تحولات سیاست‌های سلامت عمومی استان‌ها عمل می‌کند. از فوریه گذشته استفاده از ماسک در مکان‌های عمومی آلبرتا یا ساسکاچوان دیگر اجباری نیست استان‌های بریتیش کلمبیا و انتاریو نیز از مارس امسال اجباری بودن این تدبیر پیشگیرانه را لغو کردند.

با این حال استفاده از ماسک در استان کبک دست کم تا پایان آوریل اجباری خواهد بود و شرکت اوبر نیز مطابق با همین سیاست سلامت عمومی کبک عمل خواهد کرد.

شخصا از مسافران خود بخواهد در داخل خودرواش ماسک بزنند. البته عکس این قضیه هم می‌تواند اتفاق بیفتد.

اوبر در عین حال از مشتریان خود خواسته است در صورتی که ترجیح می‌دهند راننده در داخل ماشین ماسک به صورت داشته باشد، به منظور جلوگیری از ایجاد سوء تفاهم یا لغو شدن سفرشان، پیشاپیش با ارسال پیامی به راننده این مسئله را به او اعلام کنند.

اوبر کانادا از ماه مه سال ۲۰۲۰ استفاده از ماسک را برای رانندگان و مشتریان خود الزامی کرد اما



مشتریان اوبر از ۲۲ آوریل در نقاط کانادا به جز کبک دیگر مجبور نیستند از ماسک استفاده کنند

شرکت اوبر اعلام کرد از فردا جمعه ۲۲ آوریل رانندگان و مسافران این شرکت در همه جای کانادا به جز کبک ملزم به استفاده از ماسک نخواهند بود. با این حال اوبر تاکید کرد که به رانندگان و مشتریان خود اکیدا توصیه می‌کند که این تدبیر پیشگیرانه را همچنان رعایت کنند. علاوه بر این، یک راننده شرکت اوبر می‌تواند



ریمون تیرژ Raymond Thérage، کمیسر زبان‌های رسمی کانادا

الزام ترو دو به دو زبانه کردن صفحه فیسبوک خود برای رویدادهای مستقیم

تحقیق صورت گرفته نشان داد که در زمان پخش زنده این کنفرانس مطبوعاتی در فیسبوک، هیچ گونه خدمات ترجمه همزمان یا زیرنویس به هیچ یک از دو زبان رسمی ارائه نشده بود.

کمیسر زبان‌های رسمی کانادا در گزارش خود از «دفتر شورای خصوصی» (PCO) که موظف است به شکلی کاملاً بیطرفانه به نخست‌وزیر و کابینه‌اش در زمینه‌های مختلف به ویژه ارتباطات توصیه‌های لازم را بدهد، انتقاد و این نهاد را به عمل نکردن به وظایف خود در ارتباط با زبان‌های رسمی کشور متهم کرد چرا که مسئولیت تهیه تدارکات و تامین تجهیزات ارتباطاتی مورد نیاز برای برگزاری کنفرانس مطبوعاتی ششم ژوئیه بر عهده PCO بود.

ویژه استان کبک است. با این که ماه‌ها از انتصاب مری سایمون به عنوان فرماندار کل کانادا می‌گذرد، پس لرزه‌های آن هنوز تمام نشده است.

در پی کنفرانس خبری مربوط به انتصاب مری سایمون به عنوان فرماندار کل کانادا، کمیسر زبان‌های رسمی تاکید کرد رویدادهایی که به طور مستقیم از صفحه فیسبوک جاستین ترو دو، نخست‌وزیر کانادا، پخش می‌شود باید به دو زبان فرانسوی و انگلیسی در دسترس کاربران قرار گیرد.

چندین نفر در اعتراض به نبود خدمات ترجمه همزمان در صفحه فیسبوک جاستین ترو دو در این کنفرانس مطبوعاتی که ششم ژوئیه برگزار شد، به کمیسر زبان‌های رسمی شکایت کردند.

تقریباً هفته‌ای نیست که مسئله تقویت زبان فرانسه به عنوان یکی از دو زبان رسمی کانادا خبرساز نشود. از ماجرای جنجال برانگیز کنفرانس خبری تک زبانه مدیر عامل ایرکانادا گرفته تا انتصاب یک فرد ناآشنا به زبان فرانسه به عنوان فرماندار کل کانادا، چانه زنی‌ها و موضع‌گیری‌های مربوط به اصلاح منشور زبان فرانسه و کشمکش درباره ضرورت تدریس زبان فرانسوی در سزپ‌های انگلیسی زبان استان کبک، همه و همه نشان دهنده حساسیت روزافزون مسئله زبان در کانادا و به

رشد قیمت ملک در منطقه مونترال بزرگ تا پایان سال ادامه دارد

برای فروش را تشدید کرده و دور باطلی ایجاد کرده است که برطرف شدن آن زمان می‌برد. علاوه بر این ساخت‌وساز خانه در منطقه کلان‌شهر مونترال در ماه‌های ژانویه و فوریه امسال نسبت به همین زمان در سال گذشته ۴۴ درصد کاهش یافته است. تعداد املاک مختلف فهرست شده در این منطقه نیز در مجموع در ماه‌های ژانویه و فوریه کاهش ۱۳ درصدی را نسبت به مدت مشابه سال گذشته نشان می‌دهد.

در بحث فروش نیز معامله خانه‌های تک خانوار در منطقه بزرگ مونترال در سه‌ماهه اول امسال نسبت به همین مدت در سال گذشته ۱۸.۹ درصد و فروش خانه‌های اشتراکی نیز در همین دوره ۱۴.۷ درصد کاهش یافته است. منبع: وبسایت شبکه خبری ژورنال دو مونترال

رویال لوپژ که مجبور شده است پیش‌بینی‌های خود را درباره رشد قیمت مسکن بالا ببرد اکنون اعلام کرده است انتظار می‌رود قیمت املاک در مونترال بزرگ در سه‌ماهه چهارم امسال به ۵۹۹ هزار و ۲۰۰ دلار برسد که در مقایسه با هفته‌های پایانی سال ۲۰۲۱ رشد ۱۲.۵ درصدی را ثبت خواهد کرد.

دومینیک سن-پیر، نایب‌رئیس و مدیرکل رویال لوپژ در منطقه کبک، تاکید کرد خریدارانی که طی دو سال گذشته به علل مختلف نتوانسته‌اند ملکی تهیه کنند، همچنان در آرزوی صاحب‌خانه شدن هستند. طی این دو سال رویکرد و رفتار مصرف‌کنندگان در فرایند خرید ملک نیز تغییر کرده است. فروشندگان سعی می‌کنند ابتدا خانه جدید مدنظر خود را بخرند و سپس ملک فعلی خود را برای فروش فهرست کنند. این مسئله کمبود عرضه ملک



نتایج بررسی جدیدی که مؤسسه کارگزاری «رویال لوپژ» Royal LePage انجام داده، حاکی از آن است که میانگین قیمت املاک در منطقه مونترال بزرگ در سه‌ماهه ابتدایی امسال به ۵۷۱ هزار و ۴۰۰ دلار رسید که رشد ۱۸.۵ درصدی را نسبت به مدت مشابه سال گذشته نشان می‌دهد.

در همین دوره میانگین قیمت یک خانه تک‌خانواری با ۱۹.۸ درصد افزایش نسبت به همین مدت در سال گذشته به ۶۳۶ هزار و ۲۰۰ و قیمت یک کاندو با رشد ۱۷.۷ درصدی به ۴۴۶ هزار و ۷۰۰ دلار رسید. این میزان رشد قیمت ملک در منطقه مونترال بزرگ به‌مراتب بیشتر از آن چیزی است که کارشناسان بازار مسکن پیش‌بینی کرده بودند.



فراز و نشیب‌های نوید زنگنه، ملی‌پوش کشتی ایران که به کانادا پناهنده شد

به پوشیدن دوبنده‌ی تیم ملی داشت. چند ماه بعد از این اتفاق‌ها، خبر آمد که نوید به کانادا آمده و پناهنده شده است. حالا این روزها نوید در باشگاه‌های ورزشی منطقه کوکیتلام ونکوور به تمرین و تدریس مشغول است و در رشته ورزشی MMA (هنرهای رزمی ترکیبی) فعالیت می‌کند.

او در این رشته ورزشی جدید، خود را وارد چالش تازه‌ای کرده است و می‌خواهد در این رشته ورزشی به کسب عناوین جهانی نایل شود. با توجه به سن و سال او و با توجه به روحیه و انگیزه‌ای که او در مسابقات مختلف هنرهای رزمی ترکیبی از خود نشان داده است، دور از انتظار نیست که بزودی در این رشته ورزشی نیز افتخارات جهانی را درو کند.

منابع: وبسایت شبکه‌های خبری بی‌بی‌سی فارسی، رادیو فردا، ویکی‌پدیای انگلیسی و شبکه‌های اجتماعی

نماینده ایران در المپیک باشد، اما او در جریان اعتراضات مردمی آبان ۹۸ که به کشته شدن شمار زیادی از معترضان انجامید، دوبنده‌ی ورزش کشتی را بوسید و وارد گود اعتراضات خیابانی شد.

او در جریان اعتراضات آن سال با گلوله ساچمه‌ای در حوالی تهرانپارس تهران زخمی شد که پس از مراجعه به بیمارستان برای مداوا، بلافاصله بازداشت شد. بازداشت او به‌گونه‌ای بود که حتی روند درمان هم تکمیل نشد. نوید حدود ۱۵ روز در زندان فشافویه بود و سپس آزاد شد.

بعد از آزادی از زندان، باشگاه اترک خراسان که آن روزها با نوید قرارداد داشت، قراردادش را لغو کرد و از حضور نوید در جام باشگاه‌های جهان، ممانعت شد. این اتفاق رسماً به معنی پایان زندگی حرفه‌ای این ورزشکار در داخل ایران بود، چون نه دیگر هیچ تیم باشگاهی اجازه داشت او را جذب کند و نه دیگر امیدی

در جریان اعتراضات آبان ۹۸ که به کشته شدن صدها ایرانی منجر شد، نوید زنگنه، ملی‌پوش سابق کشتی ایران به‌عنوان یکی از معترضان در خیابان‌ها حضور داشت که با گلوله ساچمه‌ای، زخمی و سپس زندانی شد. چند ماه بعد او به کانادا پناهنده شد. نوید در طول حدود دو سال گذشته، ورزش قهرمانی را رها نکرده و همچنان در سطح حرفه‌ای به ادامه ورزش قهرمانی می‌پردازد.

نوید حدود ۲۶ سال سن دارد و در اسلام‌شهر تهران به دنیا آمده است. او کشتی‌گیر وزن ۷۴ کیلوگرم بود و عناوین و افتخارات بین‌المللی متعددی دارد. ملی‌پوش سابق تیم ملی کشتی ایران در سال ۲۰۱۸ مدال برنز کشتی آزاد زیر ۲۳ سال جهان و در سال ۲۰۱۹ هم مدال نقره آسیایی همین وزن و همین رده سنی را تصاحب کرد.

از نوید زنگنه به‌عنوان یکی از بااستعدادترین کشتی‌گیران ایرانی یاد می‌شد که می‌توانست



بازداشت یک ایرانی نزدیک به باند «فرشتگان جهنم»

با این حال وکیل سلیمی می‌گوید موکلش با دیدن دو دوستش که نقش بر زمین شده بودند، از خود دفاع کرده است.

اما قاضی نادون نظر دیگری دارد: «خانمی که هدف حمله سلیمی قرار گرفته، طرف دعوا و درگیری نبوده است. این زن وقتی بار اول هدف ضربات میله قرار گرفت، هیچ سلاحی نداشته و بار دوم نیز غیرمسلح و بیهوش بوده است.» قاضی دادگاه سلیمی را در این پرونده به ۱۸ ماه حبس محکوم کرد که با توجه به طولانی شدن مراحل تجدیدنظر هنوز به اجرا گذاشته نشده است.

سیامک سلیمی سیفالدین در سال‌های اخیر بارها با اعضای گروه تبهکاری «فرشتگان جهنم» دیده شده و یک بار ونسان بولانژه را در یک مسابقه بوکس و رفتن به یک باشگاه رقص همراهی کرده است. ونسان بولانژه که ماه گذشته بازداشت شد، به دست داشتن در فعالیت‌های گانگستری و قاچاق مواد مخدر متهم شده است. سلیمی نیز با همین اتهامات روبروست. مقامات آن‌ها را از سرکرده‌های یک شبکه توزیع کوکائین می‌دانند که در سرتاسر استان فعالیت می‌کند.

منبع: وبسایت شبکه خبری ژورنال دو مونریال

همین کافی بود تا دو طرف با یکدیگر درگیر شوند.

بخشی از صحنه درگیری توسط دوربین‌های مداربسته موجود در محل ضبط شده است. یکی از سرنشینان خودرو در حالی که کمربندی در دست گرفته بود، از ماشین پیاده می‌شود در حالی که یکی از دو مرد طرف مقابل نیز خود را به یک میله آهنی که در گوشه‌ای افتاده بود، مسلح می‌کند و دیگری نیز یک آجر به دست می‌گیرد.

دو گروه با یکدیگر گلاویز می‌شوند و دو سرنشین خودرو به شدت مجروح می‌شوند. در یک صحنه مبهم سیامک سلیمی که یک جوان ۲۸ ساله درشت‌اندام است، موفق می‌شود میله‌ای را که در دست یکی از دو مرد بود از دستش خارج کند و به تعقیب او و دوستانش بپردازد. سیامک به سرعت به یکی از دو زن که به خاطر کفش‌های پاشنه بلندش قادر نبود تند بدود، می‌رسد.

در کیفرخواست تنظیم شده علیه سیامک آمده است: «زن جوان ۱۹ ساله با اولین ضربه‌ای که به صورتش می‌خورد، از هوش می‌رود و روی زمین ولو می‌شود. اما زن بینوا ضربه دیگری هم دریافت می‌کند که منجر به دو مورد خونریزی مغزی او می‌شود.»

سیامک سلیمی سیفالدین در سال ۲۰۱۷ با یک میله آهنی به یک زن حمله و او را راهی بیمارستان کرد.

سلیمی که روز جمعه در عملیات مقابله با قاچاق مواد مخدر بازداشت شد، در ارتباط با حمله به یک زن در سال ۲۰۱۷ آن هم در حالت مستی به حبس محکوم شده اما مدعی است که حرکت او در این ماجرا دفاع از خود بوده است.

سیامک سلیمی سیفالدین به زودی در دادگاه استیناف کبک حاضر خواهد شد به امید این که محکومیت قبلی خود را به جرم ارتکاب حمله و اقدام خشونت‌آمیز که قاضی تیئری نادون زمستان سال ۲۰۲۰ صادر کرد، لغو کند. وقایع این پرونده به تعطیلات پایان هفته «جایزه بزرگ فرمول ۱ کانادا» در سال ۲۰۱۷ بر می‌گردد.

آن شب دو زن جوان از میخانه Sir Winston Churchill در خیابان Crescent خارج می‌شدند که با الفاظ رکیک و توهین‌آمیز سرنشینان مرد یک خودرو مواجه شدند. سلیمی سیفالدین نیز یکی از افراد داخل خودرو بود.

همراهان این دو زن که پشت سر آن‌ها حرکت می‌کردند و از حرف‌های سرنشینان خودرو عصبانی شده بودند، واکنش نشان دادند و

سحر صمدایی

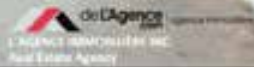
مشاور رسمی املاک مسکونی

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش ملک
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه گذاری املاک درآمدزا



Sahar Samadaei

Courtier immobilier résidentiel
sahar.samadaei@gmail.com
Tel: 514.625.2525



مینو اسلامی

مشاور املاک در مونترال بزرگ
مسکونی و تجاری

- تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه واردان
- مشاوره و ارزیابی رایگان
- همکاری با یک تیم متخصصان حقوقی و بازرسی فنی و تهیه وام



Minoo Eslami Real estate broker
meslami@sutton.com

514 967 5743

مانیا نیازی

مشاور املاک مسکونی در مونترال بزرگ

- فارغ التحصیل از دانشگاه هنر لندن - انگلستان
- خرید، فروش، اجاره و سرمایه‌گذاری در املاک
- ارزیابی و مشاوره رایگان برای خرید و فروش
- دارای تیم طراحی و استیجینگ مجازی



Manya Niazi

Courtier immobilier résidentiel
Residential Real Estate Broker



ALTITUDE

(514) 222 - 2293

manya@royalpage.ca

1215 Rue Notre-Dame Ouest
Montréal, Québec H3C 0B1



گفت‌وگویی اختصاصی «هفته» با ساشار ظریف، رقصنده و طراح رقص:
هر عملِ امروز ما «گذشته» ای است که در حال ظهور می‌کند

به بهانه اجرای پرفورمنس «قسمت» در تورنتو و مونترال
از کوچه‌های کودکی در تهران تا صحنه‌های هنر کانادا





نمایش‌های موزه آقاخان در تورنتو، میزبان هنرمند ایرانی-کانادایی، ساشار ظریف بود. این هنرمند طراح رقص و رقصنده نمایش «قسمت» را دو شب پی‌درپی روی صحنه برد. چند روز دیرتر، از ۳۰ مارس تا دوم آوریل، مرکز فرهنگی MAI در مونترال صحنه‌ی نمایش‌های خود را برای ۴ شب پیاپی به ساشار ظریف و دیگر رقصنده‌های او سپرد. اجراهای اخیر او بهانه‌ای شد تا با این هنرمند مهم ایرانی-کانادایی به گفت‌وگو بنشینیم.

او عمدتاً در زمینه هنر و تاریخچه رقص و موسیقی سنتی، آیینی و معاصر در مناطق خاور نزدیک و آسیای مرکزی است. ساشار ظریف در سراسر آمریکا، اروپا، شمال آفریقا، آسیای مرکزی و غربی، و خاورمیانه تور داشته است و گفت‌وگوهای بین‌فرهنگی را از طریق کارهای میدانی فشرده، و اجراهای ترویج می‌کند. او جوایز متعدد ملی و بین‌المللی را برای همکاری با هنرمندان برجسته کانادایی به همراه چهره‌های بین‌المللی مانند Alim Quasimov (همکار در پروژه جاده ابریشم - Yo MA) و دانشگاه‌ها و مؤسسات هنری در کشورهای گوناگون دریافت کرده است.

در آخرین شب‌های پیش از نوروز ۱۴۰۱ سالن

«او در آفرینش هنری، بر مفاهیمی مانند وحدت ذهن، بدن، عاطفه و وجود تمرکز می‌کند. تاکید او بر جستجوی هویت و طرز ارتباط انسان با محیط اطراف در آثارش نمود برجسته دارد و با نگاهی عمیق به فرهنگ‌های آسیای مرکزی و اندیشه‌های عرفانی سعی در نشان دادن این مفهوم دارد.» نگاه هنری ساشار ظریف، پیشتر در یکی از خبرهای مرتبط با کارش اینطور در «هفته» معرفی شده بود. سایت رسمی هنرمند نیز درباره او (نقل به مضمون) می‌گوید: ساشار ظریف یک هنرمند رقص، مربی و محقق چندرشته‌ای است که در تورنتو مستقر است. فعالیت هنری‌اش نمودی از علایق او مانند هویت، جهانی شدن و همکاری‌های بین فرهنگ‌هاست. تحقیقات



بعد از بیست و خورده‌ای سال از کانادا به ایران رفتم و آن خانه را پیدا کردم. در آنجا با یک اتاق کوچک مواجه شدم که هیچ بالکنی نداشت و از پنجره‌ها و درهای بزرگ و سقف بلند هم خبری نبود. برایم شگفت‌انگیز بود که چطور آن خانم ۹۰ ساله توانسته بود با رقص و آواز چنین حس و حالتی را در من ایجاد کند. خیلی اوقات قصه‌ها را با رقص و آهنگ برای من اجرا می‌کرد؛ قصه‌هایی از زمان کودکی‌اش، مهمانی‌ها و مراسم آن دوران، از مراسم عروسی‌های قدیمی تا آداب ماه رمضان. مثل اینکه قبل از افطار همه می‌زدند و می‌رقصیدند تا اذان بگویند و وقت افطار شود.

و موسیقی عموماً حالت نوستالژیک داشت و البته هنوز هم دارد. ترک‌هایی که داخل ایران هستند مثلاً ترک‌های تبریز و آذربایجان، خودشان را ایرانی احساس می‌کنند ولی ترک‌هایی که از آن طرف مرزها آمده‌اند، همیشه احساس جدا شدن را دارند و این جدایی تاریخی بر روی آنها اثر گذاشته است. خیلی شبیه حالتی که ما الان در کانادا داریم. ممکن است بچه‌های من تا به حال به ایران نرفته باشند ولی همیشه می‌دانند که ایرانی وجود دارد که چهارشنبه‌سوری دارد و شب سال نو آن به این صورت است و ماه رمضان و محرمش به آن صورت. همه این آگاهی‌ها، برای کسی که شخصیتش در حال شکل‌گیری است احساسات مهمی به همراه دارد. برای شخص من انسانیت مهم است و مفهوم انسانیت نیز برای هر کسی متفاوت است. می‌گویند راه رسیدن به بهشت برای هر کس با دیگری فرق می‌کند؛ از نظر من هم هر کس به طریق خودش یاد کوچه‌های کودکی می‌کند و حس متفاوتی از آن را تجربه می‌کند. مثلاً من همین حالا هم وقتی اذان مؤذن زاده‌اردبیلی را گوش می‌دهم حس متفاوتی را تجربه می‌کنم:

را با رقص و آهنگ برای من اجرا می‌کرد؛ قصه‌هایی از زمان کودکی‌اش، مهمانی‌ها و مراسم آن دوران، از مراسم عروسی‌های قدیمی تا آداب ماه رمضان. مثل اینکه قبل از افطار همه می‌زدند و می‌رقصیدند تا اذان بگویند و وقت افطار شود.

مادر بزرگم با همین مهارت قصه‌گویی و اجرا، آن اتاق کوچک در شهر تهران را تبدیل به خانه پدری‌اش کرده بود و به قدری در این کار مهارت داشت که من اتاق کوچک را دقیقاً همان طوری که او خانه‌شان را برای من ترسیم می‌کرد می‌دیدم؛ پنجره‌ها و بالکن بزرگ، سه تا درخت سرو و وسطش حوض...

من بعد از بیست و خورده‌ای سال از کانادا به ایران رفتم و آن خانه را پیدا کردم. در آنجا با یک اتاق کوچک مواجه شدم که هیچ بالکنی نداشت و از پنجره‌ها و درهای بزرگ و سقف بلند هم خبری نبود. برایم شگفت‌انگیز بود که چطور آن خانم ۹۰ ساله توانسته بود با رقص و آواز چنین حس و حالتی را در من ایجاد کند. خانواده ما به رقص و موسیقی آنقدر علاقه‌مند بود که وقتی دور هم جمع می‌شدیم مدام رقص و موسیقی داشتیم. این جمع‌ها و رقص

ساشار ظریف عزیز در اجرای تورنتو بیشتر مخاطبان شما انگلیسی زبان و بخشی هم فارسی‌زبان بودند، در مونترال بیشتر مخاطبان فرانسه‌زبان. اما شما زبان ترکی را برای این نمایش انتخاب کردید؛ چرا؟

این برنامه اولین بار در تورنتو در سال ۲۰۱۹ اجرا شد و بیشتر مخاطبان من زبان را متوجه نمی‌شدند؛ البته هیچ‌وقت هم از من نپرسیدند از چه صحبت می‌کردم. اصولاً در کارهای من، زبان جایگاه محوری ندارد. چراکه من روی حس تمرکز می‌کنم. وقتی شما تجربه‌ای پشت سر می‌گذارید خاطره‌ی آن در سه بُعد در حافظه ضبط می‌شود: بدنی، ذهنی و حسی. «خاطره حسی» به صورت موسیقی ظاهر می‌شود و خاطره‌های بدنی به صورت حرکت‌های فرهنگی (زبان، و زبان بدن فرهنگی)، که رقص نیز قسمتی از آن است. کلمات هم به صورت مموری ذهنی ظاهر می‌شوند.

خانواده من در ایران مهاجرانی از باکو بودند. مادر بزرگم که مرا بزرگ کرد ۹۰ سال داشت. به جز من که آن زمان کودکی ۵ ساله بودم، او هم صحبت دیگری نداشت. خیلی اوقات قصه‌ها



درواقع داستان‌هایی که ما می‌گوییم از آن حافظه محدود می‌آید. ولی وقتی شما خود داستان می‌شوید مجبور هستید درون خودتان کندوکاو کنید، خودتان را پیدا کنید، سؤال پرسید و پیگیری کنید که چه بوده است و رابطه‌اش با من چیست. مفهوم انسانیت نیز برای هر کسی متفاوت است. می‌گویند راه رسیدن به بهشت برای هر کس با دیگری فرق می‌کند؛ از نظر من هم هر کس به طریق خودش یاد کوچه‌های کودکی می‌کند و حس متفاوتی از آن را تجربه می‌کند.

به این صورت می‌آید که کریوگرافی خودش یک ساختار تعریف شده دارد ولی رقصنده‌ها دعوت شده‌اند تا خودشان باشند؛ یعنی چیزی از خودشان وارد آن ساختار کنند؛ آن را با خودشان بسازند. استراکچر کریوگرافی همان «قسمت» است و تاثیری که نمایشی که تحت تاثیر رقصنده‌ها شکل می‌گیرد همان سرنوشت. این درست است که من روی آن قالیچه کوچک، در آن اتاق کوچک با مادر بزرگ نشستم و این کارها را کردم، ولی زمانی رسید که متوجه شدم باید از آن قالیچه بیرون بیایم و حال حاضر خودم را ببینم، من نمی‌توانم دائماً در گذشته زندگی کنم. زمانی که مادر بزرگم فوت شد من ۱۰ ساله بودم، اما همچنان این آهنگ‌ها را خواندم و آن رقص‌ها را انجام دادم. طی سال‌ها وقتی از ایران به ترکیه و از ترکیه به کانادا آمدم همه آنها را با خودم آوردم و این برای من راهی بود که آن جدایی و حسرت خانه را برای خودم قابل تحمل کنم، دقیقاً همان‌طور که آن مادر بزرگ این کار را کرده بود. من باید این گذشته را در حال حاضر ببینم و آن را متحول (ترانسفرم) کنم. در واقع آن کریوگرافی گروهی چنین

مهمی دارد. ما اگر پسمان را بهتر بشناسیم آن تصمیمات آنی‌مان دارای اصالت بیشتری خواهد بود.

به نظر می‌رسد که داستان «قسمت» یا حداقل شروع آن برگرفته از خاطرات شما از گفته‌های مادر بزرگتان باشد، که به آن اشاره کردید، درست است؟

بله، نمایش دو قسمت است. یک قسمتش آن سولوی من است و همان‌طور که شما گفتید خاطرات کودکیم هستند که بیان می‌شوند. یعنی من در حال حاضر به دیدار گذشته می‌روم. ولی در قسمت دوم که شامل رقص گروهی است من تصمیم گرفتم خودِ الانم را به بدن‌های دیگر ترانسفر کنم. ما یک «قسمت» و یک سرنوشت داریم. «قسمت» چیزی است که به ما داده شده است و سرنوشت چیزی است که ما آن را می‌سازیم. در نگاه من وقتی که ما «قسمت» را می‌پذیریم می‌توانیم به خودمان اجازه بدهیم که از آن سرنوشتمان را بسازیم. این موضوع در این کریوگرافی choreography گروهی

کوچه‌ی کودکی با بوی غذای ظهر، و امنیتِ خانه... به خاطر اینکه همیشه در ایران آن موقع ظهر اذان می‌دهند و آن زمان ما آن را می‌شنیدیم و می‌رفتیم که غذا بخوریم. برای من مهم نیست که رابطه هر فردی با این اذان چگونه است... برای همین این مسائل برای من خیلی جالب است. واقعیت این است که وقتی سن آدم بالاتر می‌رود بیشتر به ریشه‌اش فکر می‌کند.

من برای خودم فلسفه‌ای دارم؛ سعی می‌کنم در صحنه‌ی امروز به جایگاه گذشته بپردازم. برای من به عنوان یک آرتیست، گذشته همیشه زنده است؛ یعنی هر کاری که ما در حال حاضر انجام می‌دهیم «گذشته زنده» ای است که در حال فرصت بروز پیدا کرده است. من کار هنری خودم را مثل یک درخت می‌بینم. درخت همیشه ریشه‌ای دارد که به ژرفا می‌رود تا غذا بگیرد تا تنه و شاخه‌هایش بیشتر رشد کنند و روزی شاید، به امید خدا، میوه‌ای هم بدهد. به خاطر همین از نگاه من گذشته، آینده و حال مثل یک کانتینیوم Continuum هستند؛ آنها حالت خطی linear ندارند. انتخاب‌هایی که ما هر لحظه می‌کنیم با گذشته ما رابطه

را نگاه می‌کند نمی‌تواند مطرح شود. در واقع آن نزدیکی و محرمت intimacy وجود ندارد. من فقط در آن پرفورمنس‌هایی موفق بودم که توانستم سنتیمت‌های sentiments خودم را به وسیله رقصنده‌هایی که انتخاب می‌کنم و بیشتر آنها هم از فرهنگ و هویت من دور هستند، کار کنم. وقتی با رقصنده‌ها کار می‌کنم و حس‌هایم را به آنها منتقل می‌کنم، اثر من جهان شمول‌تر می‌شود و مخاطب غیرشرقی رابطه بیشتری با آن برقرار می‌کند. اتفاقاً قسمت جالب‌تر قضیه برای من این است که عموماً مخاطبین و حامیان من، غیرشرقی هستند.

همان‌طور که خودتان دیدید در کار من موسیقی حضوری پررنگ دارد. اما موضوع اینجاست که من به عنوان یک خواننده، نمی‌خوانم، بلکه به عنوان یک بدن که صدا و یک محتوای حسی دارد نمایش داده می‌شوم و می‌خوانم. منتها کسی که رابطه مستقیمی با هنر موسیقی داشته باشد ممکن است با خودش بگوید در اینجا خارج خواند و... اماموضوع اصلاً این نیست. موضوع این است که هنر من باید انسانی باشد، ما نمی‌خواهیم مردم را مجبور کنیم اجرایی بی‌نقص را روی صحنه ببینند، چرا که انسان در دنیای واقعی بی‌نقص نیست. لرزش در صدا، نفس توی صدا، و... را مخلص باید بشنود و ببیند. مثلاً من خودم وقتی خواننده‌های قدیمی مثل مرضیه و دلکش را گوش می‌دهم، نفسشان را در صدایشان می‌شنوم و هرچه خواننده‌ها معاصرتر می‌شوند نفس در صدایشان کمتر می‌شود و شما فقط آن صدا را می‌شنوید و این صدا از حقیقت زندگی دورتر می‌شود.

به عبارتی می‌توان گفت تکنولوژی و دنیای مدرن نفس را از صدا گرفته است...

دقیقاً درست است نفسش را گرفته. البته ممکن است سرم را بابت این حرف بدهم. مثلاً فکر می‌کنم این «هنرهای زیبا» fine arts که ما آن را از غرب گرفته‌ایم کاملاً ما را از روح زندگی دور کرده است. به عنوان مثال دلیل رشد سینمای ایران و مقبول شدنش در سینمای جهان تماماً این بود که حقیقت‌های زندگی را نشان می‌داد.

پیگیری کنید که چه بوده است و رابطه‌اش با من چیست. این ارتباط خودش مسئله هویت را مطرح می‌کند و اینکه هنرمند باید بداند چه می‌خواهد. در کودکی و نوجوانی به ما ایرانی‌ها گفته می‌شود: تو باید بدانی چه می‌خواهی بکنی، باید بدانی به درد چه می‌خوری. از دید من این صحبت اشتباه است. به خاطر اینکه این «پیدا کردنی» نیست؛ زندگی یک پروسه است، یک محصول نیست. هویت هم به این صورت است، شما نمی‌توانید بگویید من این هستم برای اینکه مدام در حال تغییر هستید. هر کسی هزار لایه دارد و کیفیت و چگونگی این لایه‌ها بستگی به این دارد که شما در مسیر زندگی از کجا گذشته‌اید و کجا هستید. مثلاً اگر شما در ایران به دنیا آمدید و در اینجا بزرگ شدید، هم ایران و هم کانادا بخشی از هویت شما را تشکیل می‌دهد.

ما شرقی‌ها با عبارت «قسمت» به خوبی آشنا هستیم؛ چراکه این واژه برای مردم شرق، تنها یک کلمه نیست. شاید در فرهنگ لغت، مفهوم آن به عنوان «سهم» ذکر شود، اما مفهوم واقعی آن بسیار گسترده‌تر از این یک کلمه است. در صورتی که مخاطب غربی یا غیرخاورمیانه‌ای عمدتاً به این راحتی با آن ارتباط برقرار نمی‌کند. چرا این نام؟

ما در جای جدیدی هستیم که کانادا نام دارد و برای خودش هویت دارد، ولی از طرفی راه را باز گذاشته تا شما بتوانید هویت خودتان را در آن پیدا کنید، برای یک آرتیست خیلی مهم است که در جامعه جدید ذوب (آسیمیله) نشود. یعنی نخواهد که فقط در قالب چیزی که وجود دارد خودش را مطرح کند و باید قالب‌های خودش را هم درست کند تا بتواند خودش را دقیق‌تر مطرح کند. این درست نیست که به خاطر اینکه مخاطب نمی‌تواند با «قسمت» ارتباط برقرار کند من نیز ارتباط خودم را با موضوع قطع کنم.

مثلاً من این حس‌هایی که به همراه خودم حمل کردم و من را تا به اینجای زندگی رسانده و به عنوان مثال آنها را از طریق عمه‌ها یا مادربزرگ‌هایم دریافت کرده‌ام، چیزهایی هستند که روی یک صحنه غربی که یک مخاطب غربی می‌نشیند و یک برشی از شما

داستانی دارد. وقتی ما یک پرفورمنس هنری را می‌بینیم به داستان فکر می‌کنیم و این مسئله خیلی برای من مهم است. تماشاگر هم به دنبال داستان می‌گردد. از نظر او ما به عنوان آرتیست گوینده داستان هستیم. ولی من از دید خودم داستان‌گو نیستم، من زمانی هنرمند هستم که خود، داستان باشم؛ خود داستان باشم.

ما می‌دانیم که مشکل همیشه با همین داستان‌ها ایجاد شده است. تاریخ از زبان انسان‌ها نوشته شده و هر کس هم که آن تاریخ را نوشته بایاست [جانبداری] خودش را داشته است. خیلی‌ها از آن تاریخ اطلاع دارند، خیلی‌ها از آن اطلاع ندارند، از آن گذشته از دید هر طرفی تاریخ به یک شکل دید و روایت دارد. به هر صورت این تاریخ می‌تواند تاریخ شفاهی یا حتی فولکلور باشد، می‌تواند شخصی، تاریخی یا فامیلی باشد. در نهایت همیشه کسی که این تاریخ را تعریف کرده، جانبداری خودش را به آن اضافه کرده است. به همین دلیل من نمی‌خواهم داستان‌گو باشم. حس میکنم دوست دارم داستان باشم تا داستان‌گو.

اگر درست متوجه شده باشم منظور این است که ما زمانی که داستان را روایت می‌کنیم دیگر خودمان نیستیم و در واقع جانبداری شخص ثالثی را منتقل می‌کنیم. درست است؟

بله. موضوع مهم دیگر در نمایش «قسمت» این است که من آن را از رسوم تصوف یا سماع که از گذشته آمده الهام گرفته‌ام. در واقع اولین افرادی که آن را به نمایش درآوردند و این داستان را تعریف کردند، افرادی مثل حسن صباح و نسیمی و... بودند.

مسئله این است که ما یک حافظه محدود داریم و این ماجرا را حساس می‌کند. وقتی شما داستان را می‌گویید متأسفانه دسترسی به همه جزئیات ندارید و فقط آن چیزهایی که به آنها حساس هستی یادت می‌ماند. در واقع داستان‌هایی که ما می‌گوییم از آن حافظه محدود می‌آید. ولی وقتی شما خود داستان می‌شوید مجبور هستید درون خودتان کندوکاو کنید، خودتان را پیدا کنید، سؤال بپرسید و



همین حالا هم وقتی اذان مؤذن زاده‌اردبیلی را گوش می‌دهم حس متفاوتی را تجربه می‌کنم: کوچه کودکی با بوی غذای ظهر، آن حالت ساکت بودن و امنیتِ خانه... به خاطر اینکه همیشه در ایران آن موقع ظهر اذان می‌دهند و ما آن را می‌شنیدیم و می‌رفتیم که غذا بخوریم. برای من به عنوان یک آرتیست، گذشته همیشه زنده است؛ یعنی هر کاری که ما در حال حاضر انجام می‌دهیم «گذشته زنده» ای است که حالا فرصت بروز پیدا کرده است.

و شرقی تقسیم کنید؟

کار من بیشتر توسط مخاطبان غربی ساپورت شده است، یعنی من اگر الان اینجا هستم یا بعد از کوئید، بلافاصله در مونترال از من می‌خواهند که برنامه‌ام را به اجرا بگذارم همه اینها بیشتر توسط مخاطبان غیرایرانی اتفاق افتاده. البته این را هم متذکر شوم که مخاطبین ایرانی هم هستند و من از آنها بسیار سپاسگزارم، منتها بیشتر مخاطبان غیرایرانی بودند که به من این توجه را دادند یا تشویق کردند که رو به جلو حرکت کنم. به این معنا که از پروژه اول من حمایت کردند، پس امروز می‌توانم پروژه بعدی را شروع کنم.

نوآوری کار من در این است که من سعی نمی‌کنم در فرهنگ و سرزمین جدید ذوب (آسیمیله) شوم. وقتی از من می‌پرسند: What kind of dance you do نمی‌توانم به آنها جواب دهم. ولی این هم درست است که مردم فرهنگ خودمان، با این رقص رابطه برقرار می‌کنند، همان‌طور که شما ارتباط برقرار کردید. احتمالاً سایه‌های آشنایی در آن پیدا می‌کنیم ولی دقیقاً نمی‌توانیم بگوییم آن سایه‌ها چه و چگونه هستند و البته این قضیه به همان حس

به آنجا برگشتم؛ یعنی سال‌ها سفر رفته‌ام، اینها را دیده‌ام، با آنها ارتباط برقرار کرده‌ام، ماه‌ها در کنار آنها مانده‌ام. یعنی گرچه کارم آکادمیک بوده اما برخوردم با آنها با فاصله نبوده. با آنها و در آنها زندگی کرده‌ام. حسی که از این افراد و این سال‌های تحقیق گرفتم تبدیل به قسمتی از من شده است. با این همه عمده‌ترین عنصری که در آن وجود دارد همان ریشه فرهنگ آذربایجانی درون وجود من است. منتها من این رقص را به عنوان یک موضوع فرهنگی معرفی نمی‌کنم، مهمترین موضوع برای من مساله‌ی انسان است، زبان من بیشتر از آن محیط است، اما فارغ از مقوله زبان، «آه» انسان، همیشه و همه جا به یک شکل و معنا است.

اتفاقاً دقیقاً به سراغ سؤال بعدی من رفتید. به هر حال مخاطبین شما در اینجا بیشتر غربی هستند، سؤال من این است که نمایش «قسمت» می‌خواهد به مخاطب غربی چه بگوید؟ یا اینکه اصلاً شما قائل به این هستید که مخاطبتان را به غربی

به نظر آمد که شما در این رقص گروهی، عناصری از رقص ترکی آذری، و حتی از رقص‌های بومیان کانادا استفاده کردید. به عبارتی ما در این نمایش با نوعی تلفیق از عناصر رقص‌های مختلف بومی طرف هستیم. آیا این برداشت درست است؟

بله؛ خیلی از حرکت‌ها از رقص‌های آذری و رقص‌های آسیای مرکزی گرفته شده است. خیلی از تحقیقات من در محدوده آسیای مرکزی، آذربایجان و ایران و بیشتر هم روی حرکت‌های فولکلور بوده است. حرکت‌هایی که در آسیای مرکزی وجود دارد شباهت زیادی به بومیان آمریکا دارد.

به نظرم در این اجرا حرکاتی از رقص خنجر ترکمنی وام گرفته شده. موافق هستید؟

بله یکی از حرکاتش خیلی شبیه ذکر خنجر است. می‌دانید طی سال‌هایی که من تحقیقاتم را انجام می‌دادم از نزدیک با بیشتر آنها زندگی کرده‌ام و هر جایی که ماندم دوباره



درخت همیشه ریشه‌ای دارد که به ژرفا می‌رود تا غذا بگیرد تا تنه و شاخه‌هایش بیشتر رشد کنند و روزی شاید، به امید خدا، میوه‌ای هم بدهد. ما یک «قسمت» و یک سرنوشت داریم. «قسمت» چیزی است که به ما داده شده است و سرنوشت چیزی است که ما آن را می‌سازیم. در نگاه من وقتی که ما «قسمت» را می‌پذیریم می‌توانیم به خودمان اجازه بدهیم که از آن سرنوشتمان را بسازیم.

ترانسفرم کنیم.

اگر بگویم نمایش «قسمت» روایت کوتاهی از خودکاوی است درست گفته‌ام؟

بله؛ البته من فکر می‌کنم این بیشتر یک روایت در حال وقوع است. «قسمت» یک داستان در حال ساختن است، برای اینکه هر بار که رقصنده‌ها آن را اجرا می‌کنند یا من آن را می‌خوانم در آن تفاوت ایجاد می‌شود.

نتیجه خودکاوی این است که ما به طور مداوم به درک‌های تازه‌تری می‌رسیم! بله، موافقم.

ساشار ظریف گرامی از شما سپاسگزاریم.

اینکه چیزی برای پیدا کردن وجود ندارد. زندگی همین است که دارد پیش می‌رود و ما انجامش می‌دهیم. این نکته‌ی مهمی است برای همه جوانانی که مثل ما به دنبال هویت هستند. ما از شرق به غرب نگاه کردیم و همیشه می‌خواستیم مثل آنها شویم. در صورتی که زندگی ما با زندگی غربی فرق دارد و هر کدام باید برای یافتن هویت خودمان تلاش کنیم.

فکر می‌کنم تقلید از غربی‌ها و «مثل خارجی‌ها بودن» ما را از این خودشناسی بازداشته است. اگر قرار است ما چیزی را روی صحنه بیاوریم باید داستان زنده‌ی خودکاوی‌مان باشد. همه انسان‌ها و ملت‌های دنیا فراز و فرودهای مختلفی دارند و فکر می‌کنم خیلی جالب شود اگر بتوانیم واقعیت‌های بیرونی زندگی را ببینیم و آن را به «پذیرش خود» و خودباوری

ما برمی‌گردد. فکر می‌کنم چیزی که به کار اصالت و کمال می‌بخشد همین است. اعتراف می‌کنم باعث خوشحالی من می‌شود وقتی که از من نمی‌پرسند فلان جا چه گفتی اما می‌گویند آن حسی که در آنجا در ما ایجاد کردی لذت‌بخش بود. از اینجا به این نتیجه می‌رسم که دیگر موقعش شده که مخاطبمان را نه با واژه‌ها بلکه با حس‌ها به هیجان بیاوریم. لطفاً سوءتفاهم نشود، نه اینکه ملودراماتیک باشیم. روشن است که «انتقال حس» با احساساتی و دراماتیک بودن تفاوت دارد.

سخن پایانی؟

فکر می‌کنم که جستجوی هویت یک مسیر و پروسه است. پایانی ندارد. وقتی فکر می‌کنید که به جایی رسیدید و چیزی پیدا کردید احتمالاً راه‌تان زیاد درست نبوده، به خاطر

Sutton

Kazem Partow Tehrani
Real Estate Broker



کازم تهرانی

مشاور رسمی املاک در کبک

خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری

هزینه محضر، ۱۵۰۰ دلار هدیه ما، برای خریدارن ملک

■ پیش فروش املاک در نقاط مختلف مونترال

■ مشاوره برای املاک در آمدزا

■ ارزیابی رایگان منزل شما

با ۴۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک
به همراه یک تیم حرفه ای

514 - 971-7407

عبدالله صفوی
مشاور مالی
بیمه و سرمایه گذاری

مشاوره رایگان

امروز تماس بگیرید:

(514) 467-8491



بیمه عمر، از کار افتادگی

بیماری های خاص و...

پس انداز تحصیلی

برنامه ریزی بازنشستگی و...

بیمه مسافرتی و سوپرویزا

ABDOLLAH SAFAVI

Financial Security Advisor

Office:

(514) 931-4242 ext. 2567

abdollah.safavi@canadalife.com

www.safavifinancial.com

scan me for
free ebook!



Residential Real Estate Broker

شهره شهبان

مشاور املاک در کلان شهر مونترال

◆ خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی

◆ مشاوره تخصصی جهت سرمایه گذاری

◆ ارزیابی رایگان ملک و آنالیز مناطق

◆ مختلف مونترال جهت خرید

◆ هزینه محضر هدیه من به خریداران



514 - 290 - 2210

shahrianrealtor@gmail.com

مصاحبه

مقاله

مهاجرت

SPOUSE
IMMIGRATION



Montreal:

Office: 514-289-9011 / 514-289-9044

WhatsApp: 514-778-9011

Address: 1117 Ste. Catherine West,
511 #, Montreal, Qc. H3B 1H9

Tehran:

Office: 021-2288-1684

Mobile: 0937-489-6676

WWW.ICPIMMIGRATION.COM

info@icpimmigration.com

icpimmigrationtocanada

icpimmigrationtocanada

@ICPimmigrationTOCANADA



عضو رسمی
شورای مشاوران
مهاجرت به کانادا

معصومه علیمحمدی - مشاور رسمی مهاجرت

به همراه گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات مربوط
به اخذ مجوزهای اقامت دائم و یا موقت کانادا برای کلیه
برنامه های مهاجرتی فدرالی و استانی از طریق: سرمایه
گذاری، استارت آپ، تخصصی، کارآفرینی، خویشاوندی،
دانشجویی... و همچنین مشاوره و تایید رسمی مدارک،
تهیه سوگند نامه و دعوتنامه رسمی می باشد.

جهت مشاوره و تعیین وقت قبلی با دفتر
ما در مونترال تماس حاصل فرمایید.

آیا می‌دانید کانادا سه برنامه کفالت همسر و شریک زندگی دارد؟

در فرم‌های درخواست معرفی خواهد شد. این در حالی است که در درخواست‌هایی که همسر و فرزندان در فایل کفالت قرار دارند همسر به‌عنوان متقاضی اصلی و فرزندان به‌عنوان همراه اعلام می‌گردند.

متقاضیانی که درخواست کفالت همسر به همراه فرزندان را هم‌زمان در یک فایل درخواست ارسال می‌کنند می‌بایست همسر را به‌عنوان متقاضی اصلی دریافت اقامت دائم و فرزندان را به‌عنوان همراه وابسته در تقاضانامه معرفی کنند.

شهروندان و مقیمان کانادا که دارای نوه تحت تکفل هستند نیز قادر خواهند بود تا برای وی نیز تحت برنامه کفالت فرزند درخواست اقامت دائم کنند. بدیهی است که فرزند درخواست کفالت نوه از فرزند و نحوه درخواست کفالت فرزند و یا فرزند همسر متفاوت است.

فرایند مهاجرت کودکان وابسته، همسر و شریک زندگی

هنگام ارسال درخواست کفالت دو درخواست هم‌زمان باید ارسال شوند: درخواست متقاضی کفالت که مورد بررسی جهت واجد شرایط بودن وی به‌عنوان کفیل مورد بررسی قرار می‌گیرد و درخواست اقامت دائم افراد تحت تکفل متقاضی که تنها در صورت واجد شرایط بودن کفیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. متقاضیان ساکن کبک دارای فرایند بررسی توانایی مالی متفاوتی از دیگر استان‌های کانادا هستند.

در صورتی که تمایل به تکمیل فایل درخواست بدون وکیل و یا مشاور رسمی مهاجرت هستید توصیه می‌شود که قبل از ارسال فایل تکمیل شده حتماً از بررسی فایل برای برطرف نمودن هرگونه اشکال از نظر تخصصی یک وکیل و یا مشاورین رسمی مهاجرت استفاده کنید تا از طولانی شدن دوره بررسی و یا رد درخواست جلوگیری شود.

در بسیاری از موارد موجب رد تقاضا خواهد شد به استثناء موارد خاصی که قوانین مهاجرت معین نموده است.

افسران مهاجرتی که مسئولیت بررسی درخواست را دارند می‌بایست اطمینان حاصل کنند که رابطه بین دو نفر واقعی است تا از این روش برای دریافت اقامت دائم فقط برای اخذ اقامت دائم کانادا استفاده نشود.

تکفل فرزندان

کفالت فرزندان نیز دارای ضوابط و شرایط خاصی است. بر اساس قوانین اداره مهاجرت تمامی فرزندان زیر سن ۲۲ سال که وابسته محسوب می‌گردند می‌توانند مورد کفالت قرار گیرند. تعریف وابستگی بر اساس قوانین مهاجرتی کانادا حتی در مواردی که سن فرزند بالغ بر ۲۲ سال است در صورتی که فرزند به علت داشتن وضعیت خاص روحی و یا جسمی قادر به حمایت مالی از خود نباشد و قبل از سن ۲۲ سالگی نیز وابسته به حمایت والدین خود بوده باشد را نیز مورد قبول مشخص کرده است.

فرزندان وابسته‌ای که به سن ۲۲ سال و یا بیشتر در طی بررسی درخواست می‌رسند نیز در صورتی که هنگام ارسال درخواست زیر سن ۲۲ سال بودند هنوز واجد شرایط باقی خواهند ماند. این فرزندان تا پایان بررسی درخواست همچنان می‌بایست بر اساس تعاریف قانونی فرزندان وابسته همچنان وابسته والدین باقی بمانند. این شامل فرزندان متقاضی کفالت و همچنین فرزندان شریک زندگی وی نیز خواهد شد.

فرزندان شهروندان کانادا، حتی در صورتی که در کانادا متولد نشده باشند شهروند کانادا محسوب می‌گردند و کفیل قادر خواهد بود برای دریافت گواهی شهروندی و پاسپورت کانادایی فرزند خود که در خارج از کانادا زندگی می‌کند اقدام کند در این صورت برای فرزندی که واجد شرایط دریافت شهروندی هستند نیازی به ارسال فایل درخواست کفالت نیست و باید برای درخواست گواهی شهروندی و پاسپورت کانادایی آنان اقدام کرد.

در صورتی که فرزند دارای شرایط اخذ شهروندی کانادا از خارج از کشور نیست متقاضیانی که از همسران خود جدا شده‌اند نیز هنوز می‌توانند فرزند خود را کفیل شوند در صورتی که والد دیگر با مهاجرت فرزند موافقت داشته و موافقت رسمی خود را اعلام کند. در این صورت فرزند به‌عنوان متقاضی اقامت دائم کانادا

شهروندان کانادایی و مقیمان دائم می‌توانند درخواست کفالت همسر و فرزندان وابسته به خود را که در خارج و یا داخل کانادا زندگی می‌کنند را جهت اخذ اقامت دائم آنان به اداره مهاجرت و شهروندی کانادا بر اساس قوانین اعلام شده، ارسال نمایند.

شهروندان کانادا که در خارج از کانادا اقامت دارند و تمایل به ارسال درخواست کفالت همسر و فرزندان خود دارند می‌توانند درخواست را از خارج از کانادا ارسال کنند ولی می‌بایست نشان دهند که پس از قبولی درخواست از طرف اداره مهاجرت (IRCC) قصد و تصمیم به زندگی و اقامت در کانادا را به همراه خانواده تحت تکفلشان دارند. این در حالی است که این امکان برای دارندگان اقامت دائم مطرح نیست و در طول بررسی درخواست حضور کفیل در کانادا الزامی است. موارد دیگری از قبیل داشتن جرایم کیفری و یا اخراج از کانادا و یا ورشکستگی... نیز می‌توانند موجب رد تقاضای کفالت گردند.

کانادا دارای سه برنامه کفالت همسر و یا شریک زندگی به شرح زیر است:

همسرانی که دارای سند ازدواج رسمی هستند. لازم به ذکر است که در سال‌های اخیر اداره مهاجرت کانادا اعلام کرد که ازدواج‌های غیرحضور، مورد تأیید برای بررسی درخواست کفالت همسر نیستند و این نوع ازدواج‌ها تنها برای گروه خاصی از شهروندان کانادا همانند ارتشیان... که در ماموریت‌های کاری هستند مورد تأیید است.

افرادی که دارای شرکای قانونی و زندگی مشترک بدون ازدواج رسمی هستند و حداقل ۱۲ ماه زندگی مشترک را با هم داشته باشند نیز واجد شرایط درخواست کفالت محسوب می‌گردند.

گروه دیگری که می‌توانند فایل درخواست کفالت همسر و یا شریک زندگی ارسال کنند افرادی هستند که قبل از مهاجرت به کانادا دارای رابطه عاطفی بوده ولی به علت محدودیت‌های قانونی و یا شرایط اجتماعی کشور محل اقامت و یا مشکلات سیاسی از یکدیگر جدا زندگی می‌کنند. در واقع موانع قانونی و اجتماعی مانع ازدواج آنان و یا زندگی مشترکشان شده است.

در تمام موارد، داشتن حداقل ۱۸ سال برای هر دو نفر، انجام معاینات پزشکی و بررسی‌های امنیتی برای تأیید درخواست ضروری خواهند بود. بدیهی است داشتن محکومیت‌های کیفری برای هر یک از دو نفر

تماس با نویسنده: معصومه علی محمدی، مشاور رسمی مهاجرت. با او می‌توانید از طریق ایمیل info@icpimmigration.com و وبسایت www.icpimmigration.com در تماس باشید.

این صفحه توسط مؤسسه مهاجرتی آی.سی.پی. ICP Immigration حمایت شده است.



روند طولانی خدمات گذرنامه و دردهای یک مهاجر ایرانی

میلا روی، سخنگوی اداره «اشتغال و توسعه اجتماعی کانادا» می‌گوید ما مشکلات و نگرانی‌های شهروندان را درک می‌کنیم اما واقعیت این است که در پی تعدیل محدودیت‌های مرتبط با پاندمی، میزان تقاضای خدمات گذرنامه از سرتاسر کشور به یک‌باره افزایش یافته است.

طبق آمار رسمی که اتاوا منتشر کرده است، شمار گذرنامه‌هایی که در ماه‌های اخیر صادر شده، رشدی انفجاری داشته است. از اول آوریل ۲۰۲۱ تا ۳۱ مارس گذشته ۱ هزار و ۲۷۳ تقاضای گذرنامه بررسی شده است در حالی که این رقم در مدت مشابه سال قبل ۳۶۳ هزار بود (افزایش ۲۵۰ درصدی).

میلا روی تصریح کرد پیش از پاندمی ما روزانه ۵ هزار تقاضا دریافت می‌کردیم اما اکنون شمار تقاضاهای روزانه به ۲۰۰ هزار رسیده است.

به گفته خانم روی متوسط انتظار برای دریافت خدمات گذرنامه در حال حاضر ۲۵ روز کاری است.

با این حال این توضیحات و توجیهات نمی‌تواند شهروندان را قانع کند. ایزابل لوییان می‌گوید درست است که اداره گذرنامه با سیل درخواست‌ها مواجه شده است اما سوال من این است که مقامات اداره گذرنامه برای تطبیق خدمات خود با شرایط چه تدبیری اتخاذ کرده‌اند؟ آنها می‌خواهند همه تقصیرها را گردن ویروس کرونا بیندازند اما واقعیت این است که در این زمینه شفافیت و کارایی لازم وجود ندارد.

اتاوا برای کاهش صف‌های طولانی در برابر دفاتر اداره گذرنامه از شهروندان خواسته است از سفرهای غیرضروری خودداری کنند. در عین حال ممکن است برای گرفتن وقت ملاقات از اداره گذرنامه، ارائه مدرک سفر نیز ضروری باشد.

منبع: وبسایت شبکه خبری رادیو کانادا

است که نتوانسته‌اند به موقع گذرنامه تهیه کنند. عصبانیت و نگرانی شهروندان از این وضعیت روز به روز بیشتر می‌شود.

سلین کابرولیه اواسط فوریه گذشته درخواست تمدید گذرنامه دو فرزندش را ارائه کرد تا بتواند با خانواده‌اش به نیویورک سفر کند.

در شرایط عادی رسیدگی به این درخواست‌ها بین ۱۰ تا ۲۰ روز کاری زمان می‌برد اما از چند ماه پیش همه چیز کاملاً عوض شده است.

کابرولیه می‌گوید اواخر مارس با اداره گذرنامه تماس گرفتم. پس از چهار ساعت انتظار توانستم با مسئولان این اداره صحبت کنم. ۵۲۰ نفر جلوتر از من در انتظار بودند.

این مادر کانادایی افزود با توجه به صحبتی که با ماموران اداره گذرنامه داشتم اطمینان پیدا کردم که اوایل آوریل اسناد ارزشمندی را که در انتظارش بودم دریافت خواهم کرد. اما انتظار ما بیهوده بود. چند ساعت دیگر با ماموران اداره گذرنامه صحبت کردم و متوجه شدم که انتظارمان بیهوده است. در نهایت هم مجبور شدیم سفرمان را لغو کنیم.

کم نیستند شهروندان کانادایی که مثل خانم کابرولیه در هفته‌های اخیر چنین وضعیتی را تجربه کرده‌اند. بسیاری از آن‌ها در گفتگو با رادیو کانادا از انتظار طولانی برای اخذ یا تمدید گذرنامه ابراز نارضایتی کردند اما اعتراض شدید خیلی‌ها هم این است که به راحتی نمی‌توان با اداره گذرنامه تماس گرفت و ارسال ایمیل نیز بی‌فایده است چرا که معمولاً پاسخی به دنبال ندارد.

البته اتاوا نیز این مشکلات را کتمان نکرده و اعلام کرده است که مشغله‌های وزارت مسئول صدور گذرنامه این روزها به اوج رسیده است.

در شرایطی که محدودیت‌های ناشی از بحران کووید ۱۹ تا اندازه زیادی تعدیل یا لغو شده‌اند، صف‌های انتظار در برابر اداره گذرنامه و نکوور در ماه‌های اخیر به طرز قابل توجهی طولانی شده‌اند و این وضعیت مایه نارضایتی و بلا تکلیفی بسیاری از مسافران شده است. علت اصلی این مسئله کمبود پرسنل در اداره گذرنامه و انبوه تقاضای است که درخواست صدور یا تمدید گذرنامه دارند.

روز پنج‌شنبه در دفتر خدمات گذرنامه در خیابان وست هاستینگز در مرکز شهر ونکوور، ده‌ها نفر صف کشیده بودند به امید این که بتوانند برای سفری که همان روز یا روز جمعه در پیش دارند، به سرعت گذرنامه بگیرند. انتظار به قدری طولانی است که برخی از خستگی روی زمین نشسته‌اند.

یکی از افرادی که در صف ایستاده حمید رحیمی است که بعد از درگذشت پدرش قصد رفتن به ایران را دارد.

رحیمی می‌گوید: «از این وضعیت ناراحت هستم چرا که نمی‌توانم در مراسم ختم پدرم در ایران حضور داشته باشم. من شب گذشته نتوانستم بخوابم. افراد زیادی هستند که همین جا روی زمین می‌خوابند. مثلاً ما کانادایی هستیم.»

اداره گذرنامه اعلام کرده کانادایی‌هایی که قصد گرفتن یا تمدید گذرنامه خود را دارند باید صبور باشند چرا که کارهای اداری به کندی پیش می‌رود. آژانس خدمات کانادا اعلام کرده است که در حال حاضر ۴۰ برابر بیشتر از دوره ماقبل پاندمی تقاضا دریافت می‌کند.

این وضعیت در شبکه‌های اجتماعی به خوبی مشهود است. صفحه فیسبوک اداره گذرنامه کانادا پر از پیام‌های اعتراض آمیز و گاهی شدیدالحن شهروندانی



چرا روند تمدید پاسپورت در کانادا طولانی شده است؟

آمریکایی به پاسپورتش نیاز فوری دارد، اما موفق نشده است گذرنامه‌اش را تمدید کند. او می‌گوید که حتی شاهد صف تمدید گذرنامه بوده که از ساعت سه صبح تشکیل شده است!

او با گلایه از نحوه کار مراکز تمدید گذرنامه می‌گوید: «در حالی که در یکی از مراکز، ۲۲ غرفه وجود دارد، اما فقط پنج کارمند دارند. اگر هم بخواهید که از طریق وبسایت، وقت ملاقاتی برای تمدید گذرنامه رزرو کنید که تا ۱۷ ماه مه نیز نمی‌توانید وقتی رزرو کنید.»

نکته جالب اینکه این صف‌های طولانی در بیرون از مراکز ارائه خدمات تشکیل می‌شود و نشستن در اتاق انتظار هم منتفی است. البته مرکز خدمات کانادا اعلام کرده است که این کار به دلیل رعایت پروتکل‌های ایمنی کرونا انجام می‌شود.

سارا گودمن، وکیل مهاجرت در ویکتوریا هم با انتقاد از رویه فعلی تمدید پاسپورت می‌گوید که Service Canada استانداردهای خدمات مشتری خود را در بسیاری از موارد، نادیده گرفته است. او می‌گوید: «این تأخیر در صدور گذرنامه، بسیار نگران‌کننده است و مشکلاتی را برای شهروندانی ایجاد کرده است که به دلایل مختلف، نیاز به صدور گذرنامه دارند.»

منبع: وبسایت شبکه خبری گلوبال نیوز

«ماری‌ترین»، سخنگوی مرکز اشتغال و توسعه کانادا هم گفته است: «در جریان هستیم که افزایش تقاضا برای تمدید پاسپورت به صف و زمان انتظار طولانی‌تری منجر شده است و ما این نگرانی‌ها را درک می‌کنیم. با توجه به افزایش درخواست گذرنامه، کارکنان مراکز خدمات کانادا به‌سختی در حال کارکردن هستند تا به این اطمینان برسیم که هر کانادایی که برنامه‌ریزی برای سفرش داشته است، بتواند قبل از تاریخ سفرش، پاسپورتش را بگیرد.»

صف‌های طولانی که از نیمه‌شب آغاز می‌شود!

صف طولانی در خارج از مراکز تمدید گذرنامه در ونکوور، به گونه‌ای است که حتی شش صبح هم می‌شود افرادی را دید که در این صف حضور دارند.

«سارا فرنچ»، شهروند ساکن ونکوور می‌گوید که چندین بار در چند مرکز تمدید گذرنامه تلاش کرده است که وقت ملاقاتی برای تمدید گذرنامه بگیرد، اما موفق به این کار نشده است. همچنین برخی شهروندان گلایه دارند که اطلاعاتی که به شکل رسمی برای تمدید گذرنامه اعلام می‌شود، با واقعیت‌هایی که در مراکز ارائه این خدمات وجود دارد، فاصله دارد.

«اسامه خان» هم شهروند کانادایی دیگری است که می‌گوید برای ملاقات با یک سرمایه‌گذار

با کاهش بسیاری از محدودیت‌های کرونایی، میزان تقاضا برای تمدید پاسپورت یا همان گذرنامه در کانادا افزایش یافته است، اما در عین حال، برخی شهروندان از طولانی شدن فرایند تمدید گذرنامه گلایه دارند. دولت فدرال هم افزایش زمان انتظار برای تمدید گذرنامه در کانادا را تأیید کرده است. دولت فدرال اعلام کرد که بین تاریخ اول آوریل ۲۰۲۰ تا ۳۱ مارس ۲۰۲۱ که تقریباً اولین سال شیوع همه‌گیری کرونا بود، حدود ۳۶۳ هزار گذرنامه صادر کرده است، اما از اول آوریل ۲۰۲۱ تا ۳۱ مارس ۲۰۲۲، آمار صدور گذرنامه حدود سه برابر شده است؛ یعنی در این بازه زمانی، برای بیش از ۱.۲۷ میلیون نفر در کانادا، گذرنامه جدید صادر شده است.

طبق استانداردهای خدمات پاسپورت دولت فدرال، درخواست حضوری پاسپورت در دفاتر خدمات پاسپورت کانادا حدود ۱۰ روز کاری به طول می‌انجامد، اما اگر این درخواست در مرکز خدمات کانادا (Service Canada Centre) یا از طریق ایمیل باشد، آن وقت این فرایند اداری حدود ۲۰ روز کاری طول خواهد کشید.

اخیراً مرکز خدمات کانادا اعلام کرده است که از ۱۱ آوریل، میانگین زمان تحویل پاسپورت در دفاتر خدمات پاسپورت کانادا به‌صورت حضوری پنج روز خواهد بود و در صورت ثبت درخواست در مرکز خدمات کانادا یا از طریق ایمیل، این زمان به ۲۲ روز خواهد رسید.



چالش دانشجویان ایرانی با نرخ پذیرش پایین‌تر برای تحصیل در کانادا

بر اساس گزارش انجمن مشاوران حرفه‌ای مهاجر کانادا (CAPIC)، از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰، از میان ۱۰ کشوری که بیشترین دانشجوی را به کانادا می‌فرستند (بنگلادش، چین، کلمبیا، هند، ایران، ژاپن، کره، نیجریه، فیلیپین و ویتنام) تنها ۳۰ درصد از درخواست‌های تحصیلی ایرانیان پذیرفته می‌شود.

این در حالی است که بیش از ۹۰ درصد از درخواست‌های تحصیلی از کشورهایمانند ژاپن و کره پذیرفته می‌شوند. در میان این ۱۰ کشور، تنها وضع شهروندان نیجریه با ۱۲ درصد پذیرش و بنگلادش با ۲۷ درصد پذیرش بدتر از ایرانیان است. به گفته سخنگوی اداره مهاجرت، پناهندگی و شهروندی کانادا (IRCC)، این اداره در حال انجام پژوهشی برای بررسی پیش‌داوری‌های فرهنگی بالقوه کارمندان خود به هنگام رسیدگی به درخواست‌های روادید در مبادی ورودی این کشور است.

این پژوهش در پی گزارش‌های متعدد سال پیش مبنی بر پرخاشگری‌های خرد نژادپرستانه میان کارمندان و سرپرستان آی‌آرسی‌سی انجام می‌شود. شرکت‌کنندگانی که با آنها مصاحبه شده است گفته‌اند که برخی نژادپرستی‌های آشکار و ظریف کارمندان و تصمیم‌گیرندگان این اداره را شاهد بوده‌اند که «بر پردازش پرونده می‌تواند و احتمالاً باید تأثیر گذاشته باشد».

این بخش همچنین برای کارمندان و مدیران اجرایی دوره‌ی کارآموزی پیش‌داوری ناخودآگاه را اجباری کرده است و برای کارکنان ارشد الزامی برای گذراندن دوره‌ی خاص درباره‌ی شیوه‌های استخدام فراگیر به عنوان پیش‌نیاز برای کسب اختیارات تفویض شده برای امضای تصمیمات مالی و کاری تعیین کرده است.

گام‌های اداره‌ی مهاجرت، پناهندگی و شهروندی کانادا برای مبارزه با نژادپرستی و پیش‌داوری‌های فرهنگی پس از آن برداشته می‌شود که منتقدان می‌گویند که این اداره درگیر حجم فزاینده‌ی درخواست‌های روادید و در عین حال مسائل تبعیض نژادی و آزار و اذیت در محل کار است.

پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی منتشرشده در سال گذشته همچنین به تفاوت در نرخ‌های رد درخواست روادید بر اساس کشور به عنوان شاخصی اشاره کردند که نشان‌دهنده‌ی نوعی پیش‌داوری در روند بررسی روادید است.

این مطالعه همچنین نشان داد که نگرانی فزاینده‌ی وجود دارد که افزایش روند اتوماسیون‌سازی روادید، شیوه‌های تبعیض‌آمیز نژادی را به گونه‌ای تعبیه کند که به مرور زمان دیدن آن دشوارتر شود.

منبع: وب‌سایت‌های شبکه خبری سی‌بی‌سی و تورنتو استار

«آنتیگونه» این بار نه داستانی از یونان باستان که از پناهندگی در کبک امروز می‌گوید

«آنتیگونه» یک فیلم درام کانادایی، ساخته‌ی سال ۲۰۱۹، به کارگردانی سوفی دراسپ است. این فیلم اقتباسی از نمایشنامه‌ی شهیر آنتیگونه اثر سوفوکل، نمایشنامه‌نویس یونان باستان، است و روایتگر داستانی از یک خانواده‌ی پناهنده‌ی امروزی در مونترال.

دراسپ در سال ۲۰۱۶ اعلام کرد که مشغول کار بر «آنتیگونه» است. او تصمیم خود را برای اقتباس از نمایشنامه سوفوکل توضیح داد و گفت که این فیلم داستان زنی است که از قانون برای چیزی بزرگتر سرپیچی می‌کند.

از بازیگران این فیلم می‌توان به نهادا ریچی در نقش آنتیگونه، رواد الزین، حکیم براهیمی، راجیدا اوسادا و نور بلخیریا اشاره کرد. این فیلم در سال ۲۰۱۸ در مونترال فیلمبرداری شده است.

آنتیگونه برای اولین بار در جشنواره‌ی جهانی فیلم تورنتو ۲۰۱۹ به نمایش درآمد که با استقبال مواجه شد.

این فیلم برنده‌ی جایزه بهترین فیلم کانادایی جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم تورنتو و همچنین برنده‌ی پنج جایزه‌ی سینمای کانادا از جمله بهترین فیلم سینمایی در هشتمین جوایز فیلم کانادایی در سال ۲۰۲۰ شده است.

این فیلم همچنین در فهرست ده فیلم برتر سالانه TIFF در کانادا معرفی شده است.

آنتیگونه‌ی سده بیست‌ویکم از چه می‌گوید؟

در ویکی‌پدیای انگلیسی در این باره آمده است: داستان فیلم درباره‌ی خانواده‌ای از پناهندگان از سرزمین قبایلی در شمال الجزایر است که در کبک زندگی می‌کنند. سرپرستی این خانواده را مادر بزرگ، منی، بر عهده دارد. نوه‌های منی اتئوکل، پولینیس، ایسمنه و آنتیگونه نام دارند. پدر و مادر این بچه‌ها، قبل از اینکه خانواده روستایشان را ترک کنند، کشته شدند.

در حالی که آنتیگونه در دبیرستان به موفقیت‌هایی روزافزون می‌رسد، پولینیس به گروهی تبهکار می‌پیوندد. یک روز، پولینیس و اتئوکل با دوستانشان بازی می‌کنند که پلیس سر می‌رسد. به اتئوکل گلوله می‌خورد و کشته می‌شود و پولینیس هم به دلیل درگیری با پلیس دستگیر می‌شود.

آنتیگونه که می‌بیند پولینیس در آستانه‌ی اخراج از کشور و بازگشت به کشور مبداء قرار دارد تصمیم می‌گیرد که نقشی فرار از زندان او را طراحی کند و با ترفندی جای خود را پولینیس در زندان عوض می‌کند، ولی لو می‌رود و به علت کمک به فرار از زندان دستگیر و به زندان زنان منتقل می‌شود. مادر بزرگ هم به دلیل کمک به فرار دستگیر می‌شود، که این موضوع باعث وحشت آنتیگونه می‌گردد و بقیه‌ی فیلم هم در کش‌وقوس‌های راهروی دادگاه و جلب توجه اجتماعی به این پرونده و ... می‌گذرد.

منبع: وب‌سایت‌های شبکه خبری رادیو کانادا، ناو تورنتو،



فریبا علیزاده

مشاور ارشد امنیت مالی و بیمه
Financial Security Advisor

سالها تجربه موفق در زمینه مالی و بیمه
فارغ التحصیل ارشد مدیریت از
John Molson Concordia

Sun Life Financial

ارائه خدمات مالی و بیمه برای:

- اشخاص، شرکت ها، مشاغل آزاد و حرفه ها
- بیمه عمر، از کار افتادگی و بیماریهای خاص
- بیمه دانشجویان، بیمه سفر و بیمه سلامت
- بیمه وام مسکن
- انواع سرمایه گذاری

KRSP, RESP, TFSA, RRIF, LIF, GIA

همکاری با بیش از ۲۵ موسسه مالی و بانکی با منظور ارائه بهترین خدمات

438-345-5066

<http://www.sunlife.ca/beribaalizadeh> beribaalizadeh@sunlife.com



استودیو عکاسی روز

STUDIO PHOTO ROSE

انواع خدمات عکاسی حرفه ای

PASSPORT
PORTRAIT
NEWBORN
BUSINESS





(514) 488 7121

5301 Queen Mary
(Corner of Décarie),
H3X1T9, Montréal, Q.C.

ما را در اینستاگرام و فیسبوک دنبال کنید!

studiophotorose

EXPERTFX

Bureau de Change Currency Exchange



ارائه خدمات ارزی:

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز
- با استفاده از کارتهای شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6
info@expertfx.ca www.expertfx.ca

(514) 844 - 4492

A Plus Quality Nuts

وارد کننده خشکبار

توزیع کننده مواد غذایی ایرانی به صورت عمده و خرده فروشی

تلفن : 514-691-0002
اینستاگرام : @aplusqualitynuts

شنبه تا سه شنبه: ۹:۰۰ تا ۱۸:۰۰
چهارشنبه تا جمعه: ۹:۰۰ تا ۲۱:۰۰

1605 Louvain O, Montreal, H4N 1G6

VISA MasterCard

سينما

هنر

فرهنگ

ادبيات



دست و بال مان خالی ست

به اتاق که برگشت زن روی تخت نشسته بود و داشت سیگار می کشید.

گفت: «تو هتل نباید سیگار کشید»

زن خیره به مرد گفت: «این جا هتل نیست؛ سگدونی»

مرد چیزی نگفت.

زن گفت: «چی شد؟»

مرد در را بست: «اتاق دیگه‌ای ندارن.»

«تو این خراب شده به اتاق نیست؟»

«می گه این جا اتاق ماست.» به زن نگاه کرد. گفت: «اتاق‌های دیگه مسافر دارن»

زن با نیشخند گفت: «خوبه این جا مسافر هم می آد.» و بعد گفت: «برو بگو ما این اتاق رو نمی خوایم»

مرد گفت: «نمی شه که!»

زن گفت: «چرا نمی شه، تو برو بگو. بگو بیان این جا رو ببینن!» و به اتاق اشاره کرد.

مرد گفت: «نمی شه. این جا اتاق ماست. پولش رو هم دادیم»

زن داد زد: «نمی شه نمی شه نمی شه، همه اش نمی شه. ببین کجا اومدیم»

سیگارش را خاموش کرد و از روی تخت پایین آمد. گفت: «خودم درستش می کنم!» در اتاق را باز کرد و بیرون رفت.

مرد مانده بود چه بکند. به او گفته بودند که هتل‌های ترکیه خیلی خوب نیست، حتی هتل‌های پنج ستاره؛ چه برسد به هتل آن‌ها که سه ستاره بود. یک اتاق دو تخته‌ی ساده با دستشویی و حمامی کوچک و پنجره‌ای در گوشه‌ی اتاق که رو به دیوار سیمانی هتل دیگری باز می شود. به پنجره اتاق نگاه کرد و بعد به جای زن که روی ملافه‌ی تخت مانده بود.

صدای داد و بی داد که از راهرو به گوشش رسید، در را باز کرد و به بیرون نگاه انداخت. زنش داشت با کارمندان پذیرش بگومگو می کرد. وقتی زن به اتاق برمی گشت مرد را دید.

گفت: «نمی شه باهاشون حرف زدا» و به کف راهرو خیره شد تا به در اتاق رسید.

مرد گفت: «حالا چی شده؟»

زن گفت: «حالی شون نمی شه.» و وارد اتاق شد. مرد در اتاق را بست.

گفت: «به اون‌ها ربطی نداره.»

زن به تندی گفت: «پس به کی ربط داره؟ ها؟» مکث کرد: «تو که می گی نمی شه، به اون‌ها هم که ربط نداره!»

مرد گفت: «مگه چی شده؟»

زن رفت روی تخت. گفت: «ملافه‌هاشون رو نگاه کن! اتاق شون رو نگاه کن!» دست‌هایش را لای موهایش فرو کرد و سرش را روی زانوهایش گذاشت. گفت: «کنافتن کنافت!» و برای لحظه‌ای سر بلند کرد و نگاه مرد را با نگاه خودش کشاند تا به گوشه‌ی اتاق که پنجره بود.

گفت: «این جا لونه‌ی سگ هم نیست!»

باز به مرد نگاه کرد و بعد سر به زیر انداخت.

مرد به پنجره نگاه کرد و بعد نگاهش را دور تا دور اتاق گرداند و باز به زن خیره شد. رفت کنارش نشست. دستش را دور پاهای زن انداخت.

گفت: «قرار نیست تو هتل بمونیم.»

زن چیزی نگفت. مرد پاهای زن را نوازش کرد.

گفت: «قرار نیست تو هتل بمونیم و فحش بدیم.»

از او خواست آماده شود تا با هم بروند بیرون. باز گفت: «فروشنده‌ی تور گفته بود»

زن گفت: «برگشتیم باید بری یه تف بندازی تو صورتش!»

مرد از حرف زن خوشش نیامد.

گفت: «همین که این جاییم خوبه.»

زن چیزی نگفت.

مرد ادامه داد: «با این قیمت دلار باید خوش بگذرونیم.»

زن گفت: «کنافتن. کنافت!»

مرد دوباره از او خواست آبی به سر و رویش بزند تا بروند بیرون.

زن گفت: «دست آدم رو می دارن تو پوست گردو.»

مرد سرش را تکان داد.

زن حالا نگاهش کرد. گفت: «گور باباشون. گور بابای همه شون.»

مرد لبخند زد.

زن گفت: «یه مشت آدم دروغگوی حقه‌باز!»

مرد گفت: «استانبول شهر قشنگیه.»

زن گفت: «یه مشت خرا!»

از تخت پایین آمد. گفت: «من می خوام خوش باشم.

می خوام خوش باشم.»

مرد به او نزدیک شد.

زن گفت: «آگه پارسال اومده بودیم خیلی کمتر می شد.»

مرد خندید.

یه ماه پیش هم آگه می اومدیم باز کمتر می شد.» این را زن به خنده گفت.

مرد او را سمت خود کشید. زن این بار به شیطنت گفت: «آگه هفته‌ی پیش می اومدیم هم خیلی کمتر از این هفته می شد.»

و خودش را در آغوش مرد جا داد و گفت: «آگه می موندیم برا هفته‌ی بعد شاید پول مون نمی رسید.» و خندید.

کمی بعد از هتل بیرون رفتند.

اول سال قرار گذاشتند که یک هفته‌ای بروند هواخوری.

زن گفت: «استانبول شهر قشنگیه.»

مرد گفت: «تابستون که تموم بشه هتل‌ها ارزون می شه.»

زن پذیرفت. قرار شد نیمه‌ی اول مهر ماه برای یک هفته به استانبول بروند. یکی از همکارهای زن که سال گذشته به آن جا رفته بود برایش تعریف کرده بود که استانبول یکی از قشنگ‌ترین شهرهای دنیاست و فروشگاه‌ها و دیدنی‌های زیادی دارد.

شهریور ماه که شروع شد، زن به مرد گفت: «کم کم باید دنبال تور باشی.» و فردای همان روز از محل کارش به مرد زنگ زد: «همشهری پر آگه‌یه.»

به یکی دو تا از آن‌ها زنگ زده بود و چیزهایی هم پرسیده بود. مرد جلسه داشت. از او خواست روزنامه را شب به خانه بیاورد.

شب مرد گفت: «مهر ماه ارزون تر هم می شه.» شام را خورده بودند و داشتند به آگه‌ی‌ها نگاه می کردند.

زن گفت: «هزارتا از این آگه‌ی‌ها هست.»

مرد از آن روز به بعد آگه‌ی‌ها را دنبال کرد.

چند شب بعد زن گفت: «داره گند می خوره!» چون دلار رفته بود بالا.



درباره امیررضا بیگدلی

امیررضا بیگدلی متولد ۱۳۴۹ در تهران است. او فارغ‌التحصیل رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی است و تاکنون چهار مجموعه داستان منتشر کرده‌است.

مجموعه‌های داستان

چند عکس کناراسکله: ۱۳۷۸ نشر ماریه
آن مرد در باران آمد: ۱۳۸۲ نشر قصه
آدم‌ها و دودکش‌ها: ۱۳۸۸ نشر ثالث
اگر جنگی هم نباشد: ۱۳۹۴ نشر الکترونیکی
نوگا
گزیده داستان بازمهم پیش من بیاید: ۱۳۹۳
نشر افکار

جوایز:

تندیس صادق هدایت برای داستان «حالا مگر چه می‌شود» از مجموعه‌ی «آن مرد در باران آمد اولین دوره‌ی جایزه‌ی ادبی صادق هدایت ۱۳۸۱»
لوح تقدیر دومین دوره‌ی جایزه‌ی ادبی اصفهان برای کتاب «آن مرد در باران آمد» ۱۳۸۳
کسب رتبه‌ی دوم داستان کوتاه، بخش ادبی جشنواره‌ی تیرگان ۱۳۸۱ تورنتو ۲۰۱۵ برای: داستان سفته‌باز

مرد گفت که مهم نیست. اما فردای آن روز باز این اتفاق افتاد. شب مرد گفت: «یه هفته می‌ریم نمک‌آبرود.»

زن کشدار گفت: «نه!» کنار ورودی آشپزخانه ایستاده بود و داشت موهایش را حلقه می‌کرد.
مرد نگاهش کرد.

زن گفت: «بریم یه جایی سرمون هوا بخوره.»
مرد چیزی نگفت.

فردا سر ساعت دوازده زن به مرد زنگ زد: «می‌دونی دلار چنده؟»

مرد نمی‌دانست. زن گفت: «دو و دویست!» و گفت: «باید زودتر بریم وگرنه باز گرون تر می‌شه.»

آن شب مرد از چهار راه استانبول هزار دلار به قیمت هر دلار دوهزار و سیصد تومان خرید و به خانه آورد.

زن گفت: «اگه زودتر خریده بودیم جلو بودیم.»

مرد شانه بالا انداخت. نیمه‌ی شهریور بود و هر دو آگهی‌های روزنامه‌ها را روزانه می‌خواندند. شماره‌ی

بعضی از آن‌ها را در برگه‌ای یادداشت می‌کردند و فردای آن روز به آن شماره‌ها زنگ می‌زدند و قیمت

می‌گرفتند. این کار چند روزشان بود. حواس‌شان جمع بود تا وقتی قیمت‌ها پایین آمد این کار را

بکنند. اما به هر جا که زنگ می‌زدند هنوز قیمت‌های مهرماه درنیمه بود، تا این‌که روزهای آخر شهریور

رسید. شب نشسته بودند دور میز و صفحه‌ی آگهی همشهری روبه‌روی‌شان باز بود.

زن گفت: «چرا ارزان نشده؟»

مرد به بیشتر آژانس‌های مسافرتی زنگ زده بود و قیمت‌های زیادی گرفته بود و فقط مانده بود که

یکی از آن‌ها را انتخاب کنند و پولش را بدهند. به زن نشان‌شان داد. همه گفته بودند که قیمت هتل‌ها

شکسته اما از آن جایی که دلار بالا رفته است تور ارزان در نمی‌آید.

زن گفت: «گندش بزنه»

مرد شانه بالا انداخت.

زن گفت: «حالا ببین می‌خوایم یه مسافرت بریم.»

فردای آن روز زن یک آگهی مناسب پیدا کرد که قسطی بود. زنگ زد و شماره آژانس را به شوهرش

داد. از او خواست هر چه زودتر برود و کار را تمام کند. مرد به آژانس مسافرتی زنگ زد و با فروشنده

تور صحبت کرد.

سی درصد نقد. بقیه شش ماهه با سه درصد سود ماهانه. سند ماشین هم بابت تضمین چک‌ها»

همان شب اخبار شبکه یک گفت که دولت دیگر به شرکت‌های هواپیمایی ارز دولتی نمی‌دهد.

زن گفت: «په»

سه روز بیشتر به شروع مرخصی‌شان نمانده بود که

مرد به آژانس مسافرتی رفت. دختری که فروشنده تور بود تاریخ رفت و برگشت و نوع هتل را از مرد

پرسید. مرد می‌خواست که برای‌شان زیاد گران در نیاید؛ پرواز ماهان با یک هتل سه‌ستاره در جای

مناسب.

دختر حساب کتاب کرد. پرسید: «نقد یا قسطی؟»

مرد گفت: «قسطی»

دختر گفت: «یک سوم نقد و بقیه شش‌ماهه با سود سه و نیم درصد.»

مرد پشت تلفن سه درصد شنیده بود.

دختر گفت: «سه و نیم درصد.» و اضافه کرد که بابت تضمین چک‌ها می‌بایست مبیعه‌نامه‌ای برای خودرو

امضاء می‌کرد. قیمت خودرو ده برابر مانده‌ی حساب بود.

مرد گفت که نقد پرداخت می‌کند و خواست بداند کل مبلغ چقدر می‌شود. دختر رسیدی به دستش

داد تا آن را پرداخت کند. وقتی رسید پرداخت را به فروشنده تور داد او برگه‌ی قرارداد را برای امضاء

به مرد داد. نام خودش بود و زنش با تاریخ رفت و برگشت و پرواز ماهان و اسم هتل. روی برگه نوشته

شده بود اگر قیمت‌ها بالا برود مشتری باید اضافه بها را پرداخت کند. همچنین اگر هتل مورد نظر خالی

نباشد یا اتاق نداشته باشد یک هتل مشابه آن به مشتری داده می‌شود.

مرد گفت: «این‌ها چیست؟»

دختر گفت: «دلار بالا و پایین می‌ره.»

مرد پول را به صندوق واریز کرد. دختر از او خواست که نگران نباشد. گفت که به او زنگ خواهد زد.

مرد پرسید: «کی؟»

دختر گفت: «معلوم نیست؟»

آن‌ها سه روز دیگر باید پرواز می‌کردند. دختر گفت: «نگران نباشید»

شب در خانه، زن خواست که هم بلیت‌های هواپیما را ببیند و هم برگه‌های هتل را.

مرد گفت: «قرار شد زنگ بزنه برم بگیرم»

زن گفت: «آها»

فردا زن پرسید: «گرفتی؟»

مرد گفت: «نه»

با این‌که قرار شده بود فروشنده‌ی تور به آن‌ها زنگ بزند اما فردا صبح مرد به آژانس مسافرتی زنگ زد.

فروشنده‌ی تور گفت که هنوز هتل‌شان مشخص نشده.

مرد گفت: «بلیت‌ها چطور؟»

دختر گفت که بلیت‌ها را گرفته است. مرد مردد بود. پرسید: «حتما؟»

دختر گفت: «چرا باید به شما دروغ بگم؟»

مرد گفت: «با این بازی دلار نگران هستیم»

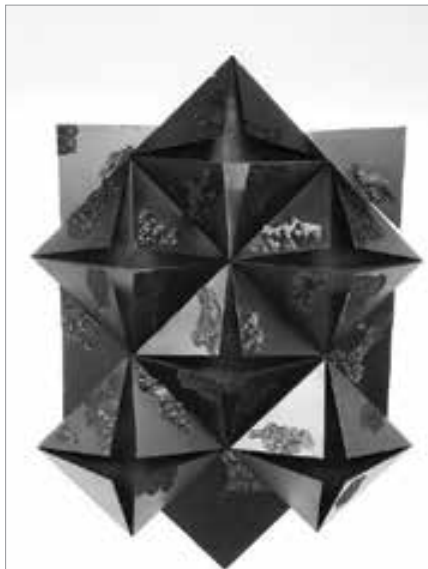
دختر خواست نگران نباشد.

مرد گفت: «این شهر و این خیابون!»
 جمعیت داخل خیابان موج می‌زد. صدای ساز و آواز از همه جای خیابان به گوش می‌رسید. همه‌ی فروشگاه‌ها فروش فوق‌العاده داشتند. یکی دوتا از فروشگاه‌ها را دیدند.
 زن گفت: «همچین ارزون هم نیست!»
 مرد چیزی نگفت.
 زن ادامه داد: «اگه پارسال می‌اومدیم ارزون بود.»
 کمی مکث کرد. «یعنی اگه دلار این دلار...»
 دست زن را گرفت و کمی فشار داد. زن خندید گفت: «ولش کن، گور باباشون!»
 از خیابان باریکی سرزیر شدند سمت آب. خیابان کنار آب را پیش رفتند تا جای مناسبی را برای نشستن پیدا کردند. یک کافی‌شاپ روباز لب تنگه‌ی بسفر. دور میزی نشستند.
 زن گفت: «نفس عمیق بکش» و خودش این کار را کرد. مرد هم نفس عمیق کشید.
 زن گفت: «خوش به حال شون»
 پیشخدمت آمد و سفارش دادند. هر دو خیره به تنگه بودند که در آن سویس چراغ‌های بخش آسیایی شهر روشن بود. داخل تنگه، روی آب کشتی‌ها می‌رفتند و می‌آمدند.
 زن گفت: «کشتی شب ایرانی»
 مرد لبخند زد.
 آن روز راهنمای تور گشت شهری جدولی از برنامه‌های شرکت مسافرتی به همه داده بود و کمی هم درباره‌ی تورها گفته بود. کشتی شب ایرانی، جزایر پرنسس، موزه‌ی آکواریم و ... در مقابل هر کدامشان هم قیمت آن‌ها را نوشته بود. وقتی با دلار روز حساب می‌کردند خیلی گران درمی‌آمد. مرد گفته بود: «خودمون می‌چرخیم» و زن هم پذیرفته بود.
 پیشخدمت سفارش آن‌ها را آورد و روی میز گذاشت. زن فنجانش را برداشت و مززه کرد. تیق زد.
 مرد پرسید: «چی؟»
 زن با خنده گفت: «می‌گم خدا می‌دونه باز هم بتونیم قهوه بخوریم یا نه. فردا معلوم نیست که چقدر بکشه بالا»
 مرد لب چروکاند و به تنگه نگاه کرد. زن هم خیره شد به آب.
 کمی بعد مرد گفت: «کجایی؟»
 زن گفت: «این‌جا»
 مرد گفت: «این‌جا نیستی. این‌جا باش!»
 زن لبخند زد و دوباره به روشنای آب و آسمان خیره شد و نم‌نم قهوه‌اش را نوشید.

مهرماه ۱۳۹۱

مرد فقط گفت: «خیلی خوبه به خدا!» از آن سوی خط صدایی نیامد. مرد گفت: «لوا!»
 دختر گفت: «بفرمایید»
 مرد گفت: «ما پس فردا صبح باید پرواز کنیم»
 دختر گفت: «نگران نباشید»
 شب زن گفت: «وای!!!!!!!!!!!! ای عجب آدم‌هایی هستن.» و از مرد پرسید: «تو چی گفتی؟»
 مرد تمام آن‌چه را گفته بود، دوباره به زن گفت.
 زن گفت: «باید از اون‌ها می‌گرفتی. عوضین!»
 مرد شانه بالا انداخت.
 زن گفت: «همون روز اول که دیدی سه درصد رو کرد سه و نیم و مباحثه‌نامه گذاشت جلوت باید می‌فهمیدی کلاه‌برداری.» گفت: «هنوز هم دیر نشده، برو داد و بی‌داد کن پولت رو بگیر.» گفت: «من با یکی دوتا آژانس صحبت کردم. به نظرم درست و حسابی هستن»
 مرد گفت: «نمی‌دونم»
 زن گفت: «باید می‌رفتی سراغ یکی دیگه.» و باز گفت: «من که بهت گفتم»
 یک روز قبل از روز پرواز، ساعت ده صبح فروشنده‌ی تور از آژانس به مرد زنگ زد. این بار همان یک درصد، کار خودش را کرده بود. هتل آن‌ها جا نداشت و یک هتل سه ستاره دیگر برایشان گرفته بود. برای مرد فرقی نداشت و می‌توانست این را به زنش نگوید.
 دختر گفت: «این هتل گرون‌تر هم هست. اما ما به همون قیمت حساب می‌کنیم»
 مرد گفت: «بله»
 دختر باز ادامه داد: «فقط کمی بابت افزایش دلار باید پرداخت کنین؛ به کمی فقط»
 مرد ناچار بود پرداخت کند.
 دختر گفت: «ساعت دوازده برای گرفتن مدارک تون بیاین»
 مرد رفت و مدارک را گرفت.
 از هتل که بیرون رفتند هوا داشت تاریک می‌شد. شب پیش رسیده بودند. خسته و خمیر خوابیده بودند تا صبح زود به تور گشت شهری برسند. عصر از تور گشت شهری که برگشته بودند، زن تازه اتاق را دیده بود و حالا آمده بودند بیرون تا گشتی دور و اطراف هتل بزنند. از هتل‌شان تا میدان تکسیم با پای پیاده بیست دقیقه راه بود. رفتند به میدان تکسیم.
 زن گفت: «قشنگه!»
 مرد گفت: «حیف نیست آدم بمونه تو هتل!»
 زن گفت: «منم می‌خوام خوش باشم. این چند روز رو می‌خوام خوش باشم»
 میدان تکسیم را گذشتند و رفتند توی خیابان استقلال.

مرد گفت: «دست و بال‌مون خالیه می‌ترسم دلار بالاتر بره»
 دختر گفت: «نگران نباشید.» و توضیح داد که او کل تور را با آن‌ها زیر قیمت حساب کرده است.
 مرد گفت: «افزایش چی؟»
 دختر گفت: «سخت نگیرید آقا!»
 مرد دیگر چیزی نگفت.
 دختر گفت: «به شما زنگ می‌زنیم.»
 زن گفت: «غلط کرده کی؟» همین‌طور به مرد خیره شده بود.
 زن سر در نمی‌آورد. مرد هم مانده بود. او هم سردر نمی‌آورد اما کاری نمی‌توانست بکند. از فروشنده‌ی تور خواسته بود که هم هتل و هم بلیت هواپیما را همان وقت بگیرد و به او بدهد. اما او گفته بود که نمی‌تواند این کار را بکند.
 زن وارفت: «مگه پول ندادی؟»
 مرد گفت: «گفت فقط یک درصد امکان داره نشه»
 زن گفت: «نشه؟»
 فروشنده‌ی تور گفته بود فقط یک درصد امکان دارد هتلی که آن‌ها انتخاب کرده‌اند برای آن روزها جا نداشته باشد و همین را هم در قرارداد نوشته بود که چنان‌چه هتل مورد نظر پر باشد، برای آن‌ها یک هتل دیگر مثل همان خواهند گرفت.
 زن گفت: «خب پس این.» و باز گفت: «باید بلیت‌ها رو می‌گرفتی. بلیت هواپیما داره گرون می‌شه»
 به مرد نگاه کرد: «فردا اول وقت برو بلیت‌ها رو بگیر.»
 و باز گفت: «فردا اول وقت اگه بلیت رو نداد، پول رو بگیر بره یه آژانس دیگه»
 و بعد صفحه‌ی آگهی روزنامه را آورد که پر بود از این آژانس‌های مسافرتی.
 فردا صبح از آژانس مسافرتی به مرد زنگ زدند؛ فروشنده‌ی تور بود. به مرد گفت: «بلیت‌تون آماده است اما هنوز تأیید هتل‌تون نیومده»
 مرد گفت: «چرا؟»
 دختر گفت: «همین‌طوری. نگران نباشید. فقط یه درصد ممکنه که نشه. تازه هتل دیگه براتون می‌گیریم»
 مرد گفت: «پشیمون شده‌ام، می‌خوام پولم رو پس بگیرم!»
 دختر دوباره گفت که فقط یک درصد امکان دارد چنین اتفاقی بیفتد که در آن صورت هم هتل مشابه یا شاید بهتر جایگزین آن می‌کنند. گفت: «خیلی پیش اومده که به مسافرمون هتل بهتر دادیم و پولش رو هم نگرفتیم»
 مرد گفت: «اگه بشه پولم رو پس بگیرم.»
 دختر گفت: «سی درصد ازش کم می‌شه.»



پروین پیوندی، هنرمند ایرانی در کانادا با آثار ترکیبی از شرق و غرب

هنر ایرانی را به گونه‌ای با هنر غرب درآمیزد که بار معنایی هنر شرق را در آثار متنوعش انتقال بدهد. برخی از آثار او در عین سادگی، فضای سنتی و تاریخی در شرق را به مخاطبان غربی ارائه می‌دهد. پروین پیوندی به‌عنوان هنرمندی بین رشته‌ای شناخته می‌شود که هم‌زمان در هنرهای مجسمه‌سازی، چیدمان، سرامیک، نساجی و پرفورمنس آرت (نمایش اجرماحور) فعالیت حرفه‌ای دارد.

در نقد آثار پروین پیوندی گفته‌اند که آثار او گویی از تطبیق ادبیات و فلسفه غرب با ترکیب اشعار صوفیانه عطار و مولانا الهام گرفته شده است. او به‌عنوان یک هنرمند مؤلف در کانادا شناخته می‌شود که آثارش ترکیبی خلاقانه از انواع هنرهای مختلف است. او این روزها علاوه بر خلق آثار هنری به‌عنوان معلم و محقق هم در حوزه‌های هنری فعالیت دارد.

کارشناسی ارشد در مؤسسه هنر شیکاگو گذارند. او از آگوست ۲۰۲۱ نیز در دانشگاه Emily Carr ونکوور در رشته هنرهای زیبا مشغول تدریس است و به آموزش دانشجویان مشتاق هنر می‌پردازد.

آثار پروین پیوندی، بوی هنر شرقی در گالری‌های غربی

بسیاری از آثار پروین پیوندی با استقبال گسترده جامعه هنری کانادا مواجه شده و جوایز هنری متعددی دریافت کرده است. مثلاً جوایز هنری انجمن چند فرهنگی NCECA برای آثار هنری که با سرامیک ساخته شده‌اند و همچنین جایزه آکادمی المپیک تهران برای نقاشی با موضوع ورزش، گوشه‌ای از افتخارات هنری پروین پیوندی است.

آثار هنری این هنرمند ایرانی مقیم کانادا، پیوندی عمیق با شرق دارد و برخی آثار او تجلی گویای هنر قالیبافان چیره‌دست ایران است. او به‌خوبی توانسته

پروین پیوندی از جمله هنرمندان همه‌فن‌حریف ایرانی مقیم کانادا است که در طیف وسیعی از هنرهای متعدد شامل نقاشی، طراحی، طراحی پارچه و هنر نمایشی، مجسمه‌سازی، طراحی پارچه و هنر سرامیک فعالیت حرفه‌ای دارد. آثار هنری او در گالری‌های متعددی در نقاط مختلف جهان، به نمایش درآمده و جوایز هنری معتبری هم دریافت کرده است.

پروین پیوندی در ایران به دنیا آمده و بزرگ شده است. او سپس از سال ۲۰۰۹ تا سال ۲۰۱۴ در رشته هنرهای زیبا در مقطع کارشناسی دانشگاه Emily Carr ونکوور به تحصیل پرداخت. او از سال ۲۰۱۴ تا سال ۲۰۱۵ نیز در دانشگاه بریتیش کلمبیا، رشته معلمی هنر را آموخت.

در ادامه، پروین پیوندی برای ادامه تحصیلات تکمیلی به آمریکا مهاجرت کرد و از سال ۲۰۱۷ تا سال ۲۰۱۹ هم رشته هنرهای زیبا را در مقطع

نکته‌ها...

از زبان نکته‌ها آینه‌وار
زشت و زیبا را بگویم، هوش دار

کرده بشه، و صد در صد حق با شماست. ولی چنین هم نیست که انسانیت بکلی مرده باشه...»

«چی میخای بگی؟»

«میخام بگم، خبر خوب اینه که انسانیت نمرده آقا، و شعله‌ش در گوشه‌وکنار کره‌ی سرگردان ما هنوز گرمابخش دل‌های شکسته‌ست... میگی نه، این خبرها رو بخونید...»

و برای اینکه فرصت از دست نرود بریده‌ی روزنامه‌ها را از جیبم در آوردم و دادم دست آقای نکته‌بین:

«حالا شما بگید آقا، آیا این انسانیت نیست که چند نفر مدام زحمت بکشن، وقت و همت بذارن، چقدر هزینه بشه تا این دو تا خرس پاندای یتیم مامانی حفاظت و نگهداری بشن و توی باغ وحش شهر تورنتو در شرایط اقلیمی خاص خودشون زنده بمونن و دق نکنن؟ این انسانیت نیست که چهار نفر در ممفیس، ۱۵۰۰

کیلومتری شهر ما، صبح تا غروب توی یک مزرعه‌ی چهار هکتاری زحمت بکشن، نی (بامبو) بکارن، رشد بدن، با چه مشقتی درو کنن، چهارصد کیلو بسته‌بندی کنن و هفته‌ای دو بار با پروازهای چهار و نیم‌ساعته به اضافه‌ی دو تریلر یخچال‌دار برسونن به باغ وحش تورنتو که پاندهای نازنین از گشنگی نمیرن؟ ... اون هم با یه هزینه‌ی کلان چندصد هزار دلار در سال؟ آیا این بی‌انصافی نیست که بگیم انسانیت مرده؟ مگه پاندا بنده‌ی خدا نیس؟ ... شما میخاین باور کنین میخاین باور نکنین، بین هموطنای خودمون تو تهرون انسان‌های مهربونی پیدا میشن که ۸۰۰ میلیون تومان میدن و یک جفت کوالای آواره و بیخانمان (!) جنگل‌های استرالیا را در خانه‌های خود می‌پذیرن و نگهداری می‌کنن. خورد و خوراکشون رو هم که فقط برگ اوکالیپتوسه به هر قیمتی براشون فراهم میارن... این انسانیت نیست، آقا؟» باید بودید و قیافه‌ی آقای نکته‌بین را با آن نگاه سرزنش‌بارش که به من بی‌تقصیر خیره شده بود می‌دیدید:

«واقعن که جل المخلوق!»

انسانیت را برایم تعریف کن!

از گنجی خودم خنده‌ام گرفته بود ولی جرئت بروزش را نداشتم. هر طوری بود خودم را جمع‌وجور کردم و گفتم: «ای آقا، دیگه کله سوت کشیدن نداره. اگه منظور تون ادامه‌ی کشت و کشتار در سرزمین‌های دموکراسی‌زده‌ی افغانستان و عراق و لیبی، و هنوز دموکراسی‌زده‌ی سوریه است، که اینا دیگه کهنه شده و به دل رسانه‌ها هم چنگی نمی‌زنه که آب و تابش بدن. ما هم هر روز می‌خونیم و می‌شنویم، ای، حالمون هم به هم می‌خوره. ولی خُب، به قول اون یادش به‌خیر، 'دلَم آتیش می‌گیره کاری ازم بر نمیدان!... از همه اینا گذشته، من بینوا چه تقصیری دارم که همه‌ی بغضا رو سر من خالی می‌کنین؟ ... می‌تونین یه تَک پا برین پیش سران ۵+۲ یا ۳+۸ یا ۹+۲۰، یا چه می‌دونم، یه زهر مار+ ۱۱ دیگه، و داد و بیدادتون رو سر اونا بکشید ... یکی نیست بگه ما این وسط چه کاره‌ایم؟!» «بابا تو هم وقت پیدا کردی لودگی می‌کنی! این یه درد جدیه ... مال همه‌ست ... درد انسانیتیه ... یه نفر پیدا می‌شه به من بگه انسانیت کجا رفته؟»

باور می‌کنید که گمان بردم منظور آقا، دوست دیرینه‌مان، آقای انسانیت است که سال‌هاست ناپدید شده؟ گفتم: «سال‌هاست که از ش خبری ندارم، نمی‌دونم کجا رفته!» آقای نکته‌بین به راستی نزدیک بود منفجر شود. چنان با مشت کوبید روی میز که گلدانی که آرام روی میز نشسته بود و با یک دسته گل در بغل داشت به گفتمان جنجالی ما گوش می‌داد، به هوا پرید و با گل‌ها پخش زمین شد!

«خنگ خدا منظورم مفهوم انسانیتیه نه آقای انسانیت که لابد حالا یه گوشه‌ای داره با زن پنجمش کیف می‌کنه ... ببینم، حالت این قدر اُفت کرده که باید انسانیت رو برات معنی کنم؟ ... یعنی شما معنی انسانیت رو نمی‌دونن؟ ... نکنه داری خودتو برای زمامداری آماده می‌کنی که بشی جزء سران؟ ... این که هر روز ده ده و صد صد کشته بشن، انسانیتیه؟ ... اینایی که می‌کشن کارشون انسانیه؟» بهت‌زده مانده بودم که چه بگویم که یک دفعه خدا به دادم رسید و یک ندای غیبی تو گوشم داد زد، پاندا! صحبت آقای نکته‌بین را با جسارتی نگفتنی بریدم و گفتم:

«آقا یه کم آهسته‌تر، شما رو به خدا تخت‌گاز نرین، برای قلبتون خوب نیست! من می‌دونم که کاملن حق با شماست. می‌دونم که میخاین بگین کباب‌شدن پناهندگان سودانی آواره زیر آفتاب صحرای سینا، گرسنگی کشیدن بی‌خانمان‌های یزیدی سوری در مرز ترکیه، انتقام‌کشی‌های شیعه و سنی در عراق و هند و پاکستان به سبک مسابقات رفت و برگشت- آتش‌باری‌های فنانیک‌ها در پاکستان و هندوستان و افغانستان، همه و همه درد انسانیتیه و باید فکری براشون

این آقای نکته‌بین، دوست سال‌های سال ما، آدم بسیار فهمیده و جالبی‌ست که انشالله اگر عمری باقی باشد بیشتر با او آشنا خواهید شد و به دلتان خواهد نشست. از زمانی که او را شناختمام روز به روز ارادتم به او افزون شده است. از همین روی، هر وقت دلم می‌گیرد یا از رویدادهای عجیب -که این روزها کم هم نیست- شاخ در می‌آورم یک راست می‌روم سراغ ایشان تا دق دلم را خالی کنم.

اما از شما چه پنهان که همیشه نتیجه دگرسان می‌شود. یعنی ایشان دق دلم را سر من یتیم خالی می‌کند. ما هم مثل بچه‌های سنتی قدیم که از پدرشان حسایی حساب می‌بردند، بیدرنگ ماست‌ها را کیسه می‌کنیم، می‌گذاریم توی جیبمان و سنگ صبور جنابشان می‌شویم، که گریزی هم نیست!

جمعه شب گذشته هم همین طور شد. ما رفتیم نزدشان که بُغچه‌ی بغضمان را بازکنیم و گزارش‌های اسفبار خانمان‌های تازه برپاد رفته، بیداد گرسنگی، انتقام‌کشی‌های مذهبی، سوغات‌های دموکراسی‌های تحمیلی، گرمایش زمین و کم اعتناعی دولتیان و ... از سراسر جهان خدمتشان عرض کنیم -اگرچه معمولن بیخبر نیستند- که چشمتان روز بد نبیند، هنوز سلام از لب ما تراوش نکرده روزنامه‌ای را که توی دستش مجاله شده بود انداخت جلو پای من و انگار که من مادر مرده مسئول پیش‌آمدی هستم، پرخاش گونه گفت:

«هی‌بینی چه خبره؟ ... آخه تا کی...؟»

من که از این برخورد خشم‌آلود، و ظاهر بی‌دلیل، خشکم زده بود مانند شاگرد مدرسه‌ای که متهم به کتک زدن آقای ناظم شده، باشد، با دست‌پاچگی گفتم:

«سَس سلام!»

گویا آقای نکته‌بین متوجه رفتارش با من بیگناه شد که چند لحظه به من خیره شد و بعد با دست اشاره کرد که بنشینم. گفتم:

«آقا براتون یه لیوان آب خنک بیارم؟»

مطمئنم که آقای نکته‌بین پرسش مهرآمیز مرا شنید، ولی انگاری که نشنیده باشد، با چشمان گشاد سرش را آورد نزدیک صورت ترسیده‌ی من و گفت:

«صدای سوتو می‌شنوی، ای غفلت‌زده؟»

یک لحظه پنداشتم منظورش سوت کتری آب جوش است و نگاهم خود به خود چرخید به طرف آشپزخانه. اما کلام سرزنش‌آمیز آقای نکته‌بین مرا حالی کرد که پندارم خطا بوده است:

«ای غفلت‌زده! کجای کاری؟ صدای سوت از این‌جاست...»

و اشاره کرد به سر مبارکش!

عارف محمدی،
نویسنده سینمایی



نه قدم تا خوشبختی به سبک آمریکایی!

نام فیلم: دوشیزه کوچولوی
سان‌شاین
Little Miss Sunshine
کارگردانان: جاناتان دیتون و والری فریس
فیلمنامه: مایکل آرنت
مدیر فیلم‌برداری: تیم سورستد
موسیقی: مایکل دانا
تدوین: پاملا مارتین
بازیگران: گرگ کینیر (ریچارد)، استیو کارل (فرانک)، تونی کولته (شری)، آلن آرکین (پدر بزرگ)، ایگیل برسلین (الیو)، پل دینو (دوآین)
محصول: ۲۰۰۶، آمریکا

خانواده هوور با آشفتگی و نابسامانی‌های مختلفی مواجه شده است. پدر ورشکست شده خانواده (ریچارد) مصرانه در پی تثبیت فلسفه‌اش مبنی بر «عدم‌پذیرش شکست» و برنامه‌ی ابداعی‌اش به نام ۹ گام برای موفقیت است. مادر خانواده (شری) بایستی علاوه بر انجام کارهای روزانه با فلسفه‌بافی‌ها و غرور و یک‌دندگی ریچارد کلنجار رفته و اضافه بر آن از برادر افسرده و دست به خودکشی زده و پدرشوهر حراف و معتاد به اعتیاد و سکس و دختر و پسر نوجوانش که به دنبال تحقق رؤیاهایشان هستند نیز مراقبت کند...

فیلم نگاهی به فرهنگ آمریکایی دارد. جامعه‌ای که در چنبره فرمول (۹ گام پیشنهادی ریچارد برای موفقیت)، الگوهای زیبایی (مسابقه دوشیزه کوچولوی سان‌شاین) و کاغذبازی اداری (رفتار خشک و رسمی مسئول بیمارستان، هنگام مرگ پدر بزرگ مبنی بر خواندن و پرکردن هر چه سریع‌تر فرم‌های ویژه ترخیص جسد) در حال له شدن است.

پدر قول می‌دهد که آرزوی الیو را مبنی بر برنده‌شدن در مسابقه دلخواهش تحقق بخشد. پس تمام اعضای خانواده را در فولکس‌واگن قدیمی نشانده و یک سفر ۷۰۰ مایلی پرماجر را آغاز می‌کنند.

فولکس‌واگن کهنه خانواده هوور می‌تواند نمادی از سیستم حاکم بر جامعه آمریکا باشد که همانند

اصلی را دور میز غذاخوری نشانده و به معرفی آن‌ها می‌پردازد. پسر نوجوان خانواده (دوآین) که از مریدان نیچه فیلسوف مشهور است ۹ ماه است که روزه سکوت گرفته و قصد دارد تا رسیدن به هدفش که موفقیت در امتحانات خلبانی است با هیچ‌کس حرف نزند. دایی او (فرانک) از مارسل پروست‌شناسان درجه یک است که عاشق پسر دانشجویی شده و وقتی متوجه می‌شود که پسر با رقیب او دوست شده دست به خودکشی می‌زند. پدر بزرگ حراف به‌خاطر اعتیاد به سکس و مواد مخدر از خانه سالمندان اخراج شده و مرتب از فلسفه خوشگذرانی‌اش حرف می‌زند. الیو تپل و کوچولو نیز آرزویش برنده‌شدن در مسابقات دوشیزه کوچولوی سان‌شاین است که هر سال در سواحل ردوندوی کالیفرنیا برگزار می‌شود.

سینمای مستقل (Independent) از دل سینمای رایج و معمول (main stream) تراوش می‌کند. دوشیزه کوچولوی سان‌شاین یک کمدی سیاه از نوع سینمای مستقل است که برخلاف کلیشه‌های رایج سینمای هالیوود عمل می‌کند و بار دیگر با پشت کردن به آنچه که کمپانی‌های پول‌ساز و تهیه‌کنندگان سودجو بر فیلم‌سازان مشتاق وابسته به سرمایه آنان دیکته می‌کنند نشان می‌دهد که بدون پیروی از قواعد پول‌ساز آنان نیز می‌توان فیلم پول‌ساز ساخت و در ضمن رؤیا هم نفروخت! فیلم در همان ابتدا و با نشان دادن الیو کوچولو که با حسرت به نمایش دختر شایسته از تلویزیون خیره شده است به شکل نمادین به رؤیای پداری جامعه آمریکایی اشاره می‌کند. فیلم‌ساز در همان سکانس‌های آغازین فیلم، تمام شخصیت‌های



این اتومبیل پر عیب‌و ایراد است و هر لحظه می‌توان انتظار خراب‌شدن و از کار افتادنش را داشت. سرنشینان اتومبیل می‌توانند نمادی از جامعه‌ای باشند که نسل جوانش با رؤیاهای و آرزوهای نسل میانه‌اش با شکست‌ها و امیدواری به جبران شکست‌ها و نسل پیرش تنها مانده در آستانه مرگ جاده زندگی را طی می‌کنند. دوشیزه کوچولوی ... با بازی‌های جملگی درخور ستایش و داستانی جذاب، فیلمی دلنشین خلق کرده که ذهنیت بیننده عادت کرده به حوادث از قبل پیش‌بینی‌شده را به هم می‌ریزد. در این فیلم هیچ‌کس حتی ریچارد که ابداع‌کننده روش ۹ قدم تا خوشبختی است نیز به هدفشان نمی‌رسند چرا که خوشبختی آن هم به سبک آمریکایی گام‌های بیشتری می‌طلبد!

در باره کارگردانان

جاناتان دیتون متولد ۱۹۵۷ در آلامدا کانتی در کالیفرنیا و خانم والری فریس متولد اکتبر ۱۹۵۸ یک زوج سینمایی و تیم تولیدکننده فیلم و کلیپ‌های موسیقی هستند که برای کارگردانی مشترک اولین فیلم بلند سینمایی‌شان دوشیزه کوچولوی سان‌شاین مورد توجه منتقدان قرار گرفتند. آن‌ها پس از این موفقیت فیلم کمدی و درام Ruby Sparks را کارگردانی کردند. (۲۰۱۷) the sexes و (۲۰۱۹) Living with Yourself از آخرین آثار این زوج است.

سروده‌هایی از هیلدا دولیتل با ترجمه علی ثباتی

هیلدا دولیتل
ترجمه علی ثباتی

درباره هیلدا دولیتل

هیلدا دولیتل در شعرهایی چون اوریدیس و هلن، اسطوره‌های یونان و روم باستان را چون خاستگاه کهن‌الگو و زبان پدر-خداگونه، به چالش می‌گیرد و می‌کوشد با وصف و زبانی متفاوت، این اسطوره‌ها را وارونه‌نمایی و فضایی خلق کند که صدای انکارشده و سرکوب‌گشته زنان در آن به سخن درآید. در این شعر اوریدیس، همسرش اورفه را متهم می‌کند که به هنگام نجات او از دوزخ واقع در زیرزمین هادس، نتوانسته کنجاویش را مهار کند و تعمداً با تخطی از فرمان پلوتو (خدای سرزمین مردگان) بازگشته و به او نگرسته‌است، تا بهانه‌ای باشد که اوریدیس دیگر باره به دوزخ درافکنده شود. اوریدیس از زاویه‌ای بی‌طرف، به این داستان اسطوره‌ای می‌نگرد، با تفسیری متفاوت آن را وارونه می‌کند و نشان می‌دهد که اورفه، ناخودآگاه نمی‌توانسته از موقعیت فرودست اوریدیس (و به‌طور کلی موقعیت انکار شده زن در متن زبان و تاریخ) دست فروشویید و ناگزیر و از نو

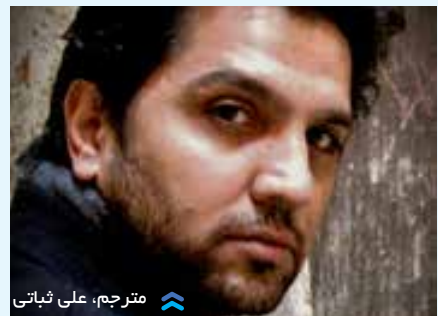


شاعر، هیلدا دولیتل

او را به ژرفاهای دوزخ فرستاده‌است؛ در ادامه اوریدیس نشان می‌دهد که حس فقدان و از دست دادنی که سرشت هستی دوزخین اوست چیزی نیست، جز شورمندی دوچندانی که به او تشخیص و قدرت می‌بخشد و همین نقصان، همین هبوط نفرینی، مایه تعالی و پیشی گرفتن‌اش از اورفه می‌شود.

درباره علی ثباتی

علی ثباتی، دانش‌آموخته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی است. او کار ادبی خود را به طور رسمی با فعالیت در سایت وازنا شروع کرد. او از اعضای مدرسه شعر فارسی و مدرس فلسفه شعر در موسسه رخداد بود. از وی مقالات، شعر، نقد و ترجمه‌های متعددی در نشریات مختلف منتشر شده است.



مترجم، علی ثباتی

۱

پس مرا واپس نشاندی
منی را که میان روح‌های زنده گام می‌زدم
بر روی زمین،
منی را که می‌آرامیدم در میان گل‌های زنده
سرانجام؛
پس از برای نخوت تو
و شقاوتات
واپس رانده شده‌ام
آنجا که گل‌سنگ‌های مرده فرومی‌چکند
مذآبه‌هایی مرده بر خزه‌ای غبار گرفته؛
پس از برای نخوت تو
سرانجام درهم‌شکسته‌ام،
من، آنی که ناآگاه زیست
آنی که از یاد رفته بود کم‌وبیش؛
اگر گذاشته بودی درنگ کنم
از بی‌قراری به آرامش می‌رسیدم
اگر گذاشته بودی با مردگان بیارامم،
فراموش کرده بودم
تو را و گذشته را.

۲

گل زعفرانی از ریشه‌های زمین
گل زعفرانی وحشی که خمیده است
بالای سر حاشیه‌های زمخت زمین،
تمام گل‌هایی که زمین را سر به سر شکافته‌اند
تمام، تمام آن گل‌هایی که از دست شده‌اند؛
همه چیز از دست شده‌است
همه چیز را ظلمت خنجر زده است،
ظلمت بر ظلمت
و بدتر از ظلمت
این نور رنگ‌باخته.

۳

در برابر ظلمت
مرا شوری دوچندان است
تا تو که قرار یافته‌ای در همه فر و شکوه آنجا
در برابر ظلمت
و این خاکستر فرام بی‌روح
مرا نوری افزون‌تر است؛
و گل‌ها،
اگر بنا می‌بود که بگویمت

۴

از راه‌های امن خویش رویگردان می‌شدی
و سر در راه دوزخ می‌نهادی،
باز می‌گشتی دیگر بار و فرایشت خویش را می‌نگریستی
و من به جایی حتا دهشت‌بارتر از اینجا سقوط می‌کردم.

دست‌کم من گل‌هایی از آن خویش دارم
و اندیشه‌هایی از برای خویش،
هیچ خدایی
نمی‌تواند این را از من بگیرد
شوری از آن خویش دارم از برای حضوری
و روحی از نور دارم از برای خویش؛
روح من با از دست شدن
این را دریافته است؛
هرچند کوچک است در برابر این ظلمت
کوچک است در برابر صخره‌های بی‌شکل
باید که دوزخ درهم بشکند
پیش از آنکه از دست بشوم
پیش از آنکه از دست بشوم
می‌باید او همچون گل سرخی بشکند
از برای مردگان
تا از آن درگذرند.



فروشگاه دانیکا افتتاح شد

انواع آجیل و محصولات ایرانی، برنج، کنسرو، سبزیجات خشک
انواع چای و دمنوش ایرانی



با قهوه و شیرینی
مهمان ما باشید

5571 Boul. de la Verendrye Montreal, QC H4E 3R6



Sahar Samadaei
Courtier immobilier résidentiel

Cell: 514.625.2525
sahar.samadaei@gmail.com

سحر صمدایی
مشاور رسمی املاک مسکونی

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اختتام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه گذاری املاک در آمریکا

L'AGENCE IMMOBILIERE INC. Real Estate Agency
550 - 1 Pl. du Commerce, Ile-des-Soeurs, Québec H3E 1A1



Mojgan Rajabi
Senior financial security adviser

مزگان رجبی
مشاور و مدرس بیمه طرف قرارداد با بزرگترین کمپانی های کانادا

- بیمه عمر Life insurance
- بیمه وام مسکن Mortgage insurance
- انواع بیمه های مسافرتی Travel insurance (دانشجویی-ویزیتوری-سوپرویزا)
- حساب پس انداز بازنشستگی - RRSP
- حساب تحصیلی فرزندان RESP
- حساب معاف از مالیات TFSA
- بیمه از کار افتادگی Disability insurance
- بیمه بیماریهای خاص Critical illnesses
- تدریس و آماده سازی برای لایسنس بیمه

بیمه همیشه ضامن آرامش است.

[bimeh.ca](https://www.bimeh.ca)
[bimeh.ca](https://www.bimeh.ca)
 514-296-7306
bimeh.ca@gmail.com

وکیل رسمی دادگستری کبک
Niousha Riahi LL.B., J.D., LL.M



نیوشا ریاحی
WWW.RIAHILEGAL.COM



مشاوره آن لاین و یا حضوری در دفتر ما
در مرکز شهر مونترال

514-953-3570

RIAHI@RIAHILEGAL.COM

2001 Blvd. Robert Bourassa #1700 Montréal, Quebec H3A 2A6

+989912535922 تماس از تهران

- ✓ حقوق تجاری
- ✓ حقوق خانواده در کبک
- ✓ طرح دعاوی و دفاع در دادگاه های کبک
- ✓ مهاجرت به کانادا

امیر ندیمی

Amir Nadimi

مشاور بیمه

Damage Insurance Broker

امیر ندیمی به عنوان مشاور مستقل در امور

- بیمه تجاری
- بیمه منزل
- بیمه اتومبیل

می تواند بهترین شرکت را از میان شرکت های
متعدد برای مشتریان خود برگزیند



Commercial Insurance
Dwelling Insurance (Buildings, home, condo, apt)
Vehicle Insurance: Auto, Motorcycle etc.



514 - 600 - 2338

www.AmirNadimi.com

@AssurancesNadimi

1955 Ch. de la Cote-de-Liesse,
suite 201

Saint-Laurent, QC, H4N 3A8



نماشوم

هر دوشنبه شب از ۷ تا ۹
از اکتبر ۲۰۰۱ تا کنون

ما ادعای کنیم که حرفی برای گفتن داریم!

Ottawa Persian Radio
Namaashoum

Every Monday 7-9 PM Since Oct. 2001
www.PersianRadio.net

رادپونماشوم

اولین رادیو پارسی زبان مردم اتاوا

نماشوم همیشه جویای همکاری همکاران تازه است

www.PersianRadio.net

https://t.me/ottawaradio

@namaashoum_radio



حمید شورکاهی

مترجم رسمی

عضو رسمی کانون مترجمان کبک

- مترجم رسمی دادگستری مونترال
- ترجمه رسمی تمامی اسناد و مدارک در اسرع وقت
- تایید ترجمه های انجام گرفته در ایران

Cell: (438)8764822

bikasshourkaei@gmail.com

7400, Rue Sherbrooke Ouest, # 1102, Montréal, QC H4B1R8

گزارش

ویژه

گفتوگویی





نگین آشوری، مخترع و کارآفرین برگزیده توسط سازمان ملی اختراعات کانادا: برای بهبود کیفیت زندگی زنان تلاش می‌کنم

آشوری که عمده فعالیت‌هایش در زمینه‌ی کاربرد هوش مصنوعی در حوزه‌ی سلامت و پزشکی است، در حال حاضر در شرکت استارت‌آپی خود به نام FemTherapeutics و همراهی انکوباتور Centech فعالیت‌هایش را ادامه می‌دهد و تلاش می‌کند کیفیت زندگی زنان را با وسایل پزشکی بهبود دهد. به این بهانه با او گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه از نظرتان می‌گذرد.

با کمک به پژوهشگران برتر دانشگاهی کشور، زمینه‌ی ورود آن‌ها را به بازار کار فراهم آورد. نگین آشوری، ۲۸ ساله در شرکت دانش‌بنیان خود، موفق به ساخت پروتزی قابل تجزیه در طبیعت شده که تغییری اساسی در درمان زنانی که دچار افتادگی لگن هستند ایجاد می‌کند و به همین دلیل موفق به دریافت جایزه مایتکس شده است. این اختراع در ابتدا به‌عنوان یک پروژه‌ی دانشگاهی مراحل تحقیق، توسعه و ساخت اولیه را طی کرد. خانم

در ششمین دوره‌ی کارآفرینان پژوهشگر، نگین آشوری در کنار حسین کمالی از جمله پنج کارآفرین آینده‌دار کانادا از سوی سازمان ملی اختراعات کانادا یا مایتکس (Mitacs) معرفی شدند. مایتکس یک بنیاد غیرانتفاعی است که از سوی دولت کانادا و دولت‌های استانی حمایت می‌شود. جایزه‌ی مایتکس هر سال در چند بخش متفاوت به پنج کارآفرین تعلق می‌گیرد که آینده‌ی روشنی برایشان متصور باشد. مایتکس تلاش می‌کند

سلام خانم آشوری عزیز و سپاس از این که وقت خود را در اختیار مجله هفته قرار دادید. لطفاً قدری از سال‌های کودکی خود برای خوانندگان بگویید. نگین آشوری ۲۸ ساله هستم. در دوران دبیرستان ریاضیات خواندم و در کنار آن به فعالیت‌های رباتیک هم مشغول بودم. در همان زمان به مسابقات ملی و بین‌المللی اعزام و موفق به کسب جوایز ملی، از جمله جایزه‌ی خوارزمی و برخی جوایز بین‌المللی شدم. در دانشگاه قصد داشتم کامپیوتر یا مهندسی پزشکی بخوانم اما در نهایت رشته‌ی مهندسی برق خواندم. برای تحصیل در مقطع فوق‌لیسانس در رشته‌ی علوم کامپیوتر در مارس ۲۰۱۸ وارد کانادا شدم. شروع آن با یک برنامه‌ی «نوآوری در جراحی» (Surgical Innovation) بین دانشگاه‌های کنکوردیا، مک‌گیل و ای.تی.اس در مونترال بود.

ایده‌ی راه‌اندازی استارت‌آپ چگونه به ذهن شما رسید و چه کسانی در این راه به شما کمک کردند؟

برگزارکننده‌ی اصلی برنامه‌ی «نوآوری در جراحی»، دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه مک‌گیل بود. در این دوره که ۹ ماه به طول می‌انجامد، تیم‌های مختلفی با گرایش‌های فنی، تجاری و پزشکی شرکت می‌کنند. ما در بخش گاینوکولوژی (تخصص‌های مربوط به زنان) بودیم که با استفاده از آن این اجازه را داشتیم که به بیمارستان‌ها مراجعه کنیم و در اورژانس و اتاق‌های جراحی مشاهداتی انجام دهیم. بعد از مدتی که جراحی‌های مختلف را دیدیم، به بخش جراحی‌های گاینوکولوژی رفتیم. طی دو ماه، هر روز دو تا سه جراحی را می‌دیدیم و بر اساس این مشاهدات متوجه شدیم که بخش زیادی از افرادی که برای عمل جراحی مراجعه می‌کنند دارای بیماری افتادگی رحم هستند ولی به شکل‌های مختلف و ابزارهای متفاوت در حال درمان هستند. نکته‌ی قابل‌توجه این بود که متوجه شدیم ابزارها در زمینه‌ی بیماری‌های زنان به نسبت سایر بیماری‌ها، برای دهه‌های متمادی اصلاً پیشرفت نکرده بود.

با توجه به شیوع افتادگی رحم، با جراح سوپروابیزمان صحبت کردیم و متوجه شدیم به دلیل افزایش سن و باروری طبیعی، عضلات واژن شل می‌شود و افتادگی رحم با تمام عوارض آن اتفاق می‌افتد. در بررسی‌ها متوجه شدیم که به جز جراحی، راه دیگری وجود دارد؛ پروتزی که وارد واژن می‌شود و اعضای لگنی را نگه می‌دارد

اما خانم‌ها خیلی از عملکرد این پروتزها راضی نیستند و در حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد موارد ناکارآمد است. ضمن این که استفاده از این پروتزها اغلب باعث خارش، ترشح و حتی آسیب‌دیدن بافت‌های داخل واژن می‌شود. به همین دلیل خانم‌ها به استفاده از آن ادامه نمی‌دهند. متوجه شدیم که تولید انبوه این پروتزها این مشکل را ایجاد می‌کند و این مسئله، ایده‌ی ما را شکل داد. ایده هم این بود که هر کدام از این پروتزها را براساس بدن هر بیمار شخصی‌سازی کنیم.

این محصول ظاهراً در یک فرایند تکنولوژیک و با استفاده از پرینتر سه‌بعدی تهیه می‌شود. امکانات ساخت چنین ابزاری چگونه برای شما مهیا شد؟

برای ابزاری مثل محصول ما که برای هر فرد شخصی‌سازی می‌شود، تولید بسیار سخت‌تر از محصول در شرایط تولید انبوه است؛ بنابراین برای تولید آن ما به یک پرینتر سه‌بعدی روی آوردیم. خوشبختانه در حال حاضر تکنولوژی پرینتر سه‌بعدی بسیار پیشرفت کرده است و ما هم با استفاده از مواد زیست‌سازگار (Biocompatible) این محصول را تولید می‌کنیم.

این محصول در چه بیمارستان‌هایی در دسترس عموم قرار دارد؟

بیمارانی که با مشکل مواجه هستند به پزشکان گاینوکولوژیست در کلینیک یا بیمارستان مراجعه می‌کنند. پزشک برای ما اندازه‌ها را وارد سیستم می‌کند و ما بر اساس آن اندازه‌ها، این ابزار را تولید می‌کنیم و برای پزشک می‌فرستیم. این ابزار الان در پروسه‌ی ارزیابی توسط وزارت بهداشت کانادا است و قرار است بعد از تأیید، در ماه نوامبر روی انسان آزمایش بشود. در حال حاضر در حال انجام‌دادن مراحل پژوهشی آن هستیم تا به محض گرفتن تأیید، در بیمارستان Notre-Dame مونترال، تست بالینی آن را عملیاتی کنیم. در حال حاضر پنج پزشک برای به‌کارگیری از آن اعلام آمادگی کرده‌اند اما چون تست آن روی انسان هنوز کامل نشده است، باید تا زمان تأیید وزارت بهداشت کانادا صبر کنیم تا بتوانیم آن را به تولید انبوه برسانیم و پزشکان بیشتری بتوانند از آن استفاده کنند.

نکته‌ی دیگری که در این رابطه وجود

دارد کاهش هزینه‌ها توسط این روش جدید علمی تا میزان یک‌دهم است. آیا این کاهش هزینه اتفاق افتاده است؟

در مورد کاهش هزینه‌ها، بیشتر درباره‌ی جراحی می‌تواند درست باشد. قیمت پروتزهای کنونی ۱۵۰ دلار است که برای مدتی می‌تواند استفاده شود و ۳۰ درصد نرخ عدم موفقیت در سال اول استفاده گزارش شده است. مدل ما چون از نظر هزینه، شخصی‌سازی شده است تغییر در قیمت رخ نمی‌دهد اما این پروتزها باید حداقل ماهی یک‌بار درآورده و شسته شوند و دوباره داخل واژن گذاشته شود. چون اغلب بیماران سن بالایی دارند، پیدا کردن و شستن مکرر برایشان سخت است؛ بنابراین مدلی که ما طراحی کردیم بدین شکل است که هر ماه یک‌بار می‌توانیم پروتز جدیدی برای بیمار بفرستیم تا پروتز قبلی را دیسپوز کند. اگر بیمار از این مدل استفاده کند، هزینه‌ی بیشتری باید بپردازد اما در شرایط استفاده‌ی چندباره، هزینه‌ها با مدل کنونی یکسان خواهد بود.

نکته‌ی مهم دیگر سازگار بودن محصول با محیط‌زیست است. جنس این محصول چیست و چرا سازگاری با محیط‌زیست برای شما حایز اهمیت بود؟

چون بحث دور انداختن مطرح بود ما فکر کردیم محصولی که بخواهد هر دفعه دور انداخته شود، از نظر محیط‌زیستی مسئله ایجاد خواهد کرد و ممکن است برای بیمار هم راحت نباشد که این کار را انجام دهد. این محصول از جنس سیلیکون محصولات پزشکی (Medical Grade Silicone) تولید می‌شود؛ به این دلیل که در بدن تجزیه نشود. چون محصولات زیست‌تخریب‌پذیر ممکن است در داخل بدن هم ایجاد مشکل کنند. به همین جهت، یک پوشش در زمان دورانداختن دور پروتز قرار می‌گیرد که پلاستیک‌ها را می‌خورد و آن را به زیست‌تخریب‌پذیر تبدیل می‌کند.

در رابطه با برنده‌شدن جایزه‌ی مایتکس توضیح می‌فرمایید؟

ما سال گذشته اپلیکیشنی در مایتکس که برای کارآفرین‌ها بود، اپلای کردیم و قبول شدیم که کمک بسیار بزرگی به پیشرفت پروژه‌ی ما کرد. وقتی پروژه‌ی مایتکس تمام شد داورها روی

همچنین استارت‌آپ تور (Startup Tour) بود که در مونترال، تورنتو، سان‌فرانسیسکو و بوستون، سفرها را انجام دادند که هم از نظر مالی ما را ساپورت کردند و هم از این نظر که آنجا شبکه داشته باشیم. در نهایت هم که هنوز در سان‌تک هستیم که هم از نظر مالی، بیزینس و... ما را حمایت می‌کند.

شما به‌عنوان یک خانم جوان تازه مهاجرت کرده چه برنامه‌هایی برای ادامه‌ی مسیر زندگی خود دارید؟

من در آینده هم ترجیح می‌دهم یک کارآفرین باشم چون احساس می‌کنم وقت گذاشتن روی ایده‌های جدید، کارکردن و هزینه گذاشتن روی ابداعاتی که یک مشکل واقعی از مردم را حل می‌کند، برایم از هر موقعیت شغلی دیگری ارزشمندتر است. برنامه‌های هم که برای شرکت‌مان دارم این است که به مواردی توجه کنیم که در بیماری‌های زنان مورد غفلت قرار گرفته‌اند. ابزارهای مورد استفاده در جراحی‌های زنان ابداعات چندانی اتفاق نیفتاده است و اغلب مربوط به دهه‌ی ۱۹۵۰ است. ما قصد داریم بعد از تجاری کردن محصولمان، روی موارد دیگری کار کنیم و راه‌حلهایی را برای مشکلات پزشکی زنان ارائه دهیم.

تاکید شما برای ارتقای ابزارهایی جهت بهبود وضعیت زنان و بیماری‌های آنان دلیل خاصی دارد؟

خود من تصور نمی‌کردم در جامعه‌ی توسعه‌یافته هنوز، تکنولوژی در تمامی حوزه‌ها به یک اندازه پیشرفت نکرده باشد. به‌عنوان مثال در جراحی عمومی به‌خصوص جراحی زانو، ابزاری که استفاده می‌شد خیلی پیشرفته بود اما وقتی وارد جراحی‌های زنان شدیم، بسیار برابرم آزاردهنده بود. به همین دلیل در این مورد حساس شدم و متوجه شدم آزمایش‌های کلینیکی تا سال‌ها روی بدن زنان انجام نمی‌شده و بنابراین راه‌حل‌های موجود فقط برای بدن مردها بوده است. در مورد بیماری‌های زنان مثل همین افتادگی رحم، تابوی خاصی وجود دارد و حتی اطرافیان نزدیک ما هم که با این مشکلات مواجه هستند در رابطه با آن‌ها صحبت نمی‌کنند. به همین جهت تلاش کردیم آگاهی در این زمینه را بالا ببریم و زنان را تشویق کنیم تا راجع به مسائلشان صحبت کنند.

خانم نگین آشوری عزیز از شما سپاسگزاریم.



نگین آشوری، مخترع و کارآفرین برگزیده توسط سازمان ملی اختراعات کانادا

کردیم به اسم Dobson Cup که دانشگاه مک‌گیل برگزار کرد و توانستیم کمک مالی بگیریم. حمایت مالی بانک را برای تأسیس و یک حساب رایگان را برای دو سال گرفتیم تا بتوانیم برای مسائل مالی شرکت از آن استفاده کنیم. بعد از آن یک مسابقه به نام Dobson Practicum بود که در کنکوردیا برگزار شد که اگر چه کمک مالی کوچکی به ما کرد اما ما را با افراد فعال و حرفه‌ای آشنا کرد. از نظر کمک‌های دولتی، مایتکس بسیار به ما کمک کرد و توانستیم چهار پروژه را بگیریم و در زمان همه‌گیری کووید، دانشجویان پزشکی را جذب کنیم و به آن‌ها پرداخت داشته باشیم. حمایت مالی دیگری از سمت McGill Clinical In-novation Competition برنده شدیم که اگر چه یک کمک پنج هزار دلاری بود اما ۲۰ هزار دلار به ما تعلق گرفت و آفیس و دسترسی به خدمات بیمارستانی، سالن کنفرانس و پرینتر سه‌بعدی از این جمله بود. در نهایت سان‌تک بود که ساعت‌های بسیار زیادی از نظر آموزشی به ما کمک کرد و بعد یک کمک مالی ۱۵ هزار دلاری همراه با دو سال خدمات رایگان گرفتیم.

آینده‌دارهای کانادا در حوزه‌ی کارآفرینی ورود پیدا کردند ما برای این جایزه هم اپلای کردیم و از بین افراد زیادی افتخار داشتیم این جایزه به نام Change Agent را دریافت کنیم. اهمیت این جایزه این بود که به افرادی تعلق می‌گرفت که یک صنعت را تغییر می‌دهند. نکته‌ای که درباره‌ی محصول ما وجود داشت این بود که محصولاتی که در حوزه‌ی پزشکی برای زنان ارائه می‌شود بیشتر در بخش باروری است و گویی بعد از به دنیا آمدن بچه، بدن بانوان به دست فراموشی سپرده می‌شود؛ بنابراین ما شعار خود را Age with dignity قرار دادیم تا توجه‌ها را به این موضوع هم جلب کنیم تا به تمام مشکلات زنان دقت شود.

در این راه چه کمک‌های مالی و غیرمالی به شما کمک کرد؟

هم کمک‌های مالی و هم کمک‌های غیرمالی وجود داشت که ما از آن‌ها بسیار استفاده کردیم. برنامه‌ی مشترک سه دانشگاه مک‌گیل، کنکوردیا و ای. تی. اس به نام «نوآوری در جراحی» کمک زیادی به ما کرد. بعد از این برنامه ما در یک مسابقه شرکت

بحران جراحی‌های معوقه در کانادا

کشور ناامید شده‌اند

«پاتریشیا راش» از جمله کانادایی‌هایی است که آن قدر در صف انتظار جراحی ماند که بالاخره از این وضعیت خسته شد و به فکر درمان در خارج از کانادا افتاد. او ۶۰ سال دارد و ساکن آلبرتا است، اما آن قدر انتظار برای جراحی او طولانی شد که تصمیم گرفت برای عمل تعویض مفصل لگن به کشور لیتوانی سفر کند.

پاتریشا می‌گوید درد طاقت‌فرسا و شدیدی در پاهایش داشت که با راه رفتن، تشدید می‌شد. او مجبور شده بود که از واکر استفاده کند. او می‌خواست از یک کلینیک مفصل ران و زانو در آلبرتا وقت جراحی بگیرد، اما در آنجا به او گفتند که باید ۱۵ ماه در انتظار عمل جراحی باشد.

بالاخره پاتریشا در ۱۱ اکتبر ۲۰۲۱، در کشور لیتوانی موفق شد عمل تعویض کامل مفصل را انجام دهد. با در نظر گرفتن هزینه بلیت هواپیما، پاتریشا حدود ۱۶ هزار دلار برای این عمل هزینه کرد که به گفته خودش ارزان‌تر از هزینه‌های همین عمل در کانادا و آمریکا تمام شد. او حالا می‌تواند به یوگا بپردازد و دوباره دوچرخه‌سواری کند.

همچنین «مورین جانستون» ۶۳ ساله در ادمونتون هم برای عمل جراحی به لیتوانی سفر کرده است، زیرا به گفته او، زمان انتظار برای جراحی که به او اعلام کردند، حدود ۱۸ تا ۲۴ ماه بود. او در ۲۱ اکتبر ۲۰۲۱، عمل تعویض کامل لگن را بدون احتساب بلیت هواپیما، با صرف مبلغی حدود ۱۴ هزار دلار انجام داد.

اگرچه او بخشی از پس‌اندازهای دوران بازنشستگی‌اش را از دست داد، اما حالا می‌تواند بدون درد به پیاده‌روی برود.

آیا سیستم درمانی کانادا دیگر کارآمد نیست؟

طبق گزارشی که مؤسسه فریزر منتشر کرده است، سال گذشته، کانادایی‌ها برای ارجاع از یک پزشک عمومی تا دریافت خدمات درمانی به طور میانگین حدود ۲۵.۶ هفته باید در صف انتظار قرار

آمار جراحی‌های عقب‌افتاده در کانادا در دوران کرونا به قدری زیاد شده است که گروهی از کانادایی‌ها به اجبار راهی کشورهای دیگر می‌شوند تا از صف انتظار برای دریافت خدمات جراحی در کانادا خلاص شوند. در این بین، برخی بیمارستان‌های انتاریو نیز به دلیل کمبود کارکنان تخصصی، مجبور به لغو برخی عمل‌های جراحی شده‌اند.

به گزارش هفته، اخیراً نرخ ابتلا به کرونا در بین کارکنان درمانی استان انتاریو افزایش پیدا کرده است. همین موضوع عاملی شده است که برخی عمل‌های جراحی در استان انتاریو به تعویق بیفتند و تأخیر در انجام عمل‌ها افزایش پیدا کند.

تورنتو استار هم گزارش داده است که دو هزار و ۹۰۰ نیرو در ۱۴ بیمارستان بزرگ استان انتاریو، بیمار هستند و نمی‌توانند به بیماران، ارائه خدمت داشته باشند. همین عامل به کاهش نیروی درمانی در بیمارستان‌های انتاریو و تعویق عمل‌های جراحی در این استان، دامن زده است.

کمبود کادر درمان در بیمارستان‌های انتاریو موجب شده است که فشار کاری کادر درمان فعال در این استان، بیشتر شود. در واقع این روزها کادر درمان در انتاریو، کار بیشتری انجام می‌دهند تا بتوانند به‌نوعی، جور کمبود نیرو را بکشند و جای خالی همکاران بیمار خود در مراکز درمانی را پر کنند.

طبق این گزارش، بسیاری از بیمارستان‌ها در انتاریو هنوز نتوانسته‌اند به آمار تعداد جراحی‌ها در دوران قبل از کرونا برسند و برخی از این بیمارستان‌ها نیز دوباره اقدامات غیراورژانسی و جراحی‌های غیرضروری را به تعویق انداخته‌اند و یا به طور کلی لغو کرده‌اند.

اگرچه دولت انتاریو تلاش کرده است تا با اختصاص بودجه ۷۶۳ میلیون دلاری برای ارائه پاداش پنج هزار دلاری به هر پرستار، آنها را در محیط کار نگه دارد و آنها را در محیط کارشان دلگرم کند، اما این پاداش ماندگاری در کار هم نتوانسته است کمبود پرستار را به طور کامل برطرف کند.

کانادایی‌هایی که از درمان در داخل

می‌گرفتند، در حالی که این زمان انتظار در سال ۱۹۹۳ حدود ۹.۳ هفته بوده است.

با وجود آنکه انجمن گردشگری پزشکی کانادا می‌گوید این کشور به‌عنوان یکی از برترین مقاصد گردشگری پزشکی در جهان به حساب می‌آید، اما برخی منتقدان می‌گویند که سیستم بهداشتی کانادا دیگر نمی‌تواند حتی پاسخگوی نیازهای مردم خودش باشد.

دکتر «کاترین اسمارت»، رئیس انجمن پزشکی کانادا هم می‌گوید: «سیستم مراقبت‌های بهداشتی همگانی کانادا دیگر نمی‌تواند به اندازه کافی برای رفع نیازهای درمانی کانادایی‌ها مؤثر باشد. همین که کانادایی‌ها برای درمان به آمریکا، مکزیک یا آسیای جنوب شرقی می‌روند، این واقعیت را به ما یادآوری می‌کند که ما با یک سیستم درمانی شکست‌خورده در داخل کشور، مواجه هستیم.»

«لیزا سالامون»، پزشک اورژانس در یکی از بیمارستان‌های تورنتو هم شاهد دیدن بیمارانی بوده است که زمان زیادی در انتظار ارجاع به یک متخصص یا آزمایشگاه بودند، اما در نهایت با بیماری‌های پیشرفته به بیمارستان مراجعه کردند. او می‌گوید: «این روزها بیشتر از هر زمان دیگری با بیمارانی که سرطان‌های بسیار پیشرفته داشته‌اند برخورد کرده‌ام که خودم بیماری آنها را در اورژانس تشخیص دادم.»

در پایان ماه مارس، «ژان ایو دوکولوس» وزیر بهداشت کانادا، هم هشدار داد که سیستم مراقبت‌های بهداشتی همگانی این کشور در معرض خطر قرار دارد.

او اذعان کرد که می‌داند تحمل این تأخیرها برای بیماران آسیب‌دیده، کارکنان مراقبت‌های بهداشتی و خانواده‌هایشان، بسیار سخت است.

با این حال، او از تخصیص بودجه دو میلیارد دلاری دولت برای کمک به حل مشکل جراحی‌های معوقه سخت گفت که البته فعلاً این مرهم‌ها نتوانسته است درد چندانی را دوا کند.

منابع: وبسایت شبکه‌های خبری گلوبال نیوز و سیتی‌نیوز

BMO  **Bank of Montreal**

مهرداد مرادخانی
مشاور وام مسکن

با مناسب ترین نرخ بهره
و
در سریع ترین زمان ممکن
در سرتاسر کانادا

**Top Performer
of years
2020 & 2021**

514-834-8053
mehrdad.moradkhani@bmo.com



ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

**انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری
با توجه به انتخاب شما**

(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزنس و اشخاص
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفنرداری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتهای)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزنس

Mojdeh Miri
(514-562-3493)
CPA Candidate

Iraj Mohammadi
(514-625-6292)
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd.
Montreal, QC H4B 2L9

<http://elanaccounting.ca>
info@elanaccounting.ca

دفتر ترجمه فیروزه مسیحا

عضو رسمی انجمن مترجمان کبک (OTTIAQ)
عضو رسمی انجمن مترجمان اونتاریو (ATIO)

ترجمه و تایید اسناد بدون نیاز به مراجعه حضوری



10% promotion for new Year

+1 438-920-9305
Firoozehmasiha@yahoo.com





دارالترجمه رسمی فرهنگ

BUREAU DE TRADUCTION FARHANG
FARHANG TRANSLATION OFFICE



+1 514 691 4383 N.DAVOUDI@FARHANG.CA	2000, MCGILL COLLEGE 6TH FLOOR, MONTRÉAL QUÉBEC, CANADA, H3A 3H3	شعبه کانادا
+98 21 6642 1511 6694 8154 N.DAVOUDI@FARHANG.CA	تصویر: تکلیف شمالی، فعالیت بلوار کشاورز بخش کوچه گلشن پلاک ۵۷، طبقه ۲ واحد ۷	شعبه ایران

جامعه

اقتصاد

سیاست





مذاکرات بغداد و ضرورت بهبود رابطه‌ی تهران و ریاض

یک‌جانبه‌ی ایجاد نظم و ثبات لازم در حوزه‌های تحت نفوذ یا حضور خود در منطقه را ندارد. ایجاد ثبات موردنظر، پول هنگفت، نیروی رزمدهی بلامنازع و بخصوص همکاری یا دستکم بی‌تفاوتی سایر بازیگران منطقه‌ای و جهانی را طلب می‌کند. چنین موقعیتی برای هیچ قدرتی در جهان از جمله آمریکا نیز فراهم نیست چه رسد به ایران که مردمش از شدت فشار اقتصادی جان‌به‌لب شده‌اند و حاضر به خرج ریالی در خارج از مرزها به هر علت و با هر عنوانی نیستند.

شاید تا اندازه‌ای به همین دلیل آمریکا از تعهدات خود در منطقه کاسته است تا مجبور به تحمل هزینه‌های ناشی از آن نباشد. ایران اما عملاً درگیر نابسامانی‌های منطقه است. نه علاقه‌ای به پا پس کشیدن از آن مناطق دارد و نه می‌تواند نظم دلخواه و سوددهنده را در آنجا مستقر کند. نگه‌داشتن منطقه در بی‌ثباتی و بی‌نظمی پایان‌ناپذیر هم افزون بر آنکه سودی در بر ندارد، به دلایل مختلف کل منطقه را با بحران‌های فاجعه‌آمیز انسانی و زیست‌محیطی روبرو می‌کند.

از این رو، مذاکره با سایر طرف‌ها برای دستیابی به توافق تنها راه عاقلانه است. در واقع، جنگ خانمان‌سوز یمن نشان داد که نهایتاً راهی جز مذاکره و گفت‌وگو به‌منظور ایجاد نظم و ثبات پیش روی بازیگران مختلف وجود ندارد. آتش‌بس دو ماهه در یمن عملاً نتیجه‌ی توافق نانوشته‌ی ایران و عربستان است. از این رو، یک توافق درازمدت بین ایران و عربستان برای عبور یمن از جنگ و خونریزی و استقرار صلح و ثباتی عادلانه در آنجا کاملاً ضروری است.

همین ضرورت تهران و ریاض را به پای میز مذاکره در بغداد کشانده است. همین ضرورت احتمالاً زمینه‌ساز بهبود روابط دو کشور می‌شود. وقتی که رابطه‌ی بین جمهوری اسلامی و پادشاهی عربستان عادی و گرم شود، معنایش فاصله‌گرفتن جمهوری اسلامی از سیاست خارجی تقابلی جویانه در دیگر زمینه‌ها و احیای تشنج‌زدایی است.

اساس برنامه‌ی مدون و درازمدتی در پیش گرفته شده است، محل تردید جدی است اما ظاهراً شرایط داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی، چاره‌ای جز این هم باقی نگذاشته است.

پس از بهار عربی و بخصوص ظهور داعش در کشورهای سوریه و عراق، شرایطی برای حضور مستقیم و گسترده‌ی ایران در بخش‌هایی از خاورمیانه پدید آمد که برخی مقام‌های جمهوری اسلامی از آن به‌عنوان «بسط سیطره‌ی جمهوری اسلامی تا دریای مدیترانه» یاد کردند. با سلطه‌ی حوثی‌های یمن بر بخش بزرگی از خاک آن کشور، بحث کنترل جمهوری اسلامی بر آبراه‌های اصلی منطقه از تنگه‌ی هرمز تا باب‌المندب هم پیش کشیده شد. این نوع بحث‌ها به همان اندازه که در داخل ایران طیفی از نهادهای رسمی و نیروهای پشتیبان آن‌ها را هیجان می‌کشد، در خارج از ایران سبب نگرانی عمیق بسیاری از دولت‌ها می‌شد.

نفوذ و دخالت و حضور در ورای مرزها، معمولاً برای کشورها هزینه‌های اقتصادی سنگینی به دنبال دارد. حتی یک قدرت بلامنازع اگر قادر به تثبیت درازمدت نفوذ خود در یک منطقه و استفاده‌ی اقتصادی لازم از آن نفوذ نباشد، به تدریج در زیر بار مخارج آن زانو خواهد زد و در رقابت اقتصادی‌اش با دیگر قدرت‌های رقیب بازنده خواهد شد. در واقع عموم امپراتوری‌های جهانی با همین مکانیسم دچار افول یا سقوط شده‌اند.

واقعیت این است که جمهوری اسلامی امکان تثبیت حضور خود در مناطق فرامرزی و ایجاد نظم دلخواه در آنجا را پیدا نکرده است. در حقیقت در همه‌ی کشورها و مناطقی که ایران به طریقی در آنجا صاحب نفوذ شده است، اثری از استقرار نظم و ثبات به چشم نمی‌خورد. سوریه همچنان از تشمت و ناامنی و عدم حاکمیت بر بسیاری از سرزمین‌هایش رنج می‌برد. عراق دچار چندپارگی سیاسی شده و منازعات داخلی مانع تشکیل دولت در آن کشور است. لبنان درگیر فروپاشی اقتصادی شده و چشم‌اندازی نیز برای خروج از آن دیده نمی‌شود. نوار غزه علاوه بر محاصره‌ی کامل، درگیر منازعه‌ای پایان‌ناپذیر با اسرائیل است. یمن نیز گرفتار جنگی چنان مخرب و بی‌آینده و همراه با بن‌بست شده بود که طرف‌های متخاصم راهی جز آتش‌بس پیش روی خود ندیدند.

روشن است که جمهوری اسلامی بخصوص پس از خالی شدن خزانه‌اش بر اثر تحریم‌های ترامپ، امکان

پنجمین دور مذاکرات مقام‌های امنیتی ایران و عربستان در بغداد ظاهراً با پیشرفت‌هایی در جهت تشنج‌زدایی بین دو کشور همراه بوده است.

افراد نزدیک به مذاکرات، فضای حاکم بر گفت‌وگوها را گرم و مثبت ارزیابی کرده و از احتمال دیدار وزیران خارجه‌ی دو کشور و ازسرگیری روابط دوجانبه در آینده‌ای نه‌چندان دور خبر داده‌اند.

در حقیقت، پس از انقلاب سال ۵۷ نوع روابط جمهوری اسلامی با عربستان معمولاً تابعی از سیاست کلان منطقه‌ای تهران و از این رو یکی از شاخص‌های عمده برای تشخیص جهت‌گیری سیاست خارجی نیروهای حاکم بر ایران بوده است.

هرگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی به سمت تقابل شدید با آمریکا و متحدان جهانی‌اش پیش رفته، علائم آن مشخصاً در روابط تهران با ریاض خود را نشان داده است و هرگاه نوعی ملائمت و تشنج‌زدایی در دستور کار جمهوری اسلامی قرار گرفته، نخستین نشانه‌های آن باز هم در نوع رابطه با سعودی‌ها بروز و ظهور یافته است.

این قاعده طبعاً در دوره‌هایی از ریاست‌جمهوری سید محمد خاتمی و حسن روحانی که نوعی «حاکمیت دوگانه» بر جمهوری اسلامی مسلط بوده، کارکرد متفاوتی داشته است؛ بدین صورت که در آن دوره‌های خاص، قوای مجریه و یا مقننه در جهت تشنج‌زدایی با ایالات متحده و به تبع آن بهبود رابطه با عربستان تلاش می‌کردند، اما سایر نیروهای ذی‌نفوذ، به دلیل مخالفت با سیاست آن‌ها، به تخریب روابط و خرابکاری در روند بهبود آن می‌پرداختند و نهایتاً هم ابتکار عمل را در این مورد از دست دولت‌ها می‌گرفتند.

در شرایط یک‌دستی قدرت اما قاعده‌ی فوق، طبق روال عادی خود پیش رفته و جنبه‌ی سمبلیک و نمادینی نیز به خود گرفته است.

واقعیت این است که دولت سید ابراهیم رئیسی به‌رغم آنکه از دادن شعارهایی مانند تنش‌زدایی در روابط خارجی پرهیز می‌کند اما در مقام عمل به سوی این نوع سیاست حرکت می‌کند. ادامه‌ی مذاکرات وین برای احیای برجام و در کنار آن تداوم مذاکرات بغداد به‌منظور غلبه بر موانع بهبود رابطه‌ی تهران - ریاض، خود گواه روشنی از این جهت‌گیری است؛ هر چند که برخی لفاظی‌های افراد ذی‌نفوذ ادعاهای مغایر با آن را به نمایش بگذارد.

اینکه این جهت‌گیری تا چه اندازه خودآگاهانه و بر



یادی از محمد صالحه و دیگر نخبه‌های کشته‌شده در هواپیمای اوکراینی

بین دانشجویان ایرانی به وجود می‌آید. بسیاری از دانشجویان ایرانی در همان سال اول و دوم دوره کارشناسی، به فکر تحصیل در خارج از کشور هستند. ما به طور مرتب، ایمیل‌هایی از دانشجویان ایرانی داریم که دنبال اطلاعات و مشاوره درباره تحصیل در کانادا هستند. در این بین، تحصیل در دانشگاه تورنتو در بین بسیاری از دانشجویان نخبه ایرانی، محبوبیت زیادی دارد. البته بخشی از این محبوبیت هم به این دلیل است که جمعیت قابل توجهی از ایرانیان در تورنتو زندگی می‌کنند.» ندا مقبوله، استادیار ایرانی‌تبار جامعه‌شناسی در دانشگاه تورنتو هم می‌گوید: «دانشگاه صنعتی شریف در داخل ایران، وجهه‌ای شبیه دانشگاه تورنتو در کانادا یا دانشگاه MIT در آمریکا دارد. تحصیل در این دانشگاه ایرانی، یک سکوی پرتاب برای دانشجویان باهوشی است که تحصیل در کانادا را انتخاب کرده‌اند. در این بین، با توجه به محدودیت تحصیل دانشجویان ایرانی در آمریکا، کانادا به‌خوبی توانسته است استعدادها را علمی ایران را جذب کند. البته که قطع روابط دیپلماتیک بین کانادا و ایران، فرصت‌های تبادل علمی بین دانشگاهیان دو کشور را کم‌رنگ کرده است.» منبع: وبسایت شبکه خبری دانشگاه تورنتو

مرتضوی که او هم در دانشگاه تورنتو درس خوانده است، می‌گوید: «محمد ابتدا می‌خواست دوره دکتری را در ایران بگذراند، اما ما معتقد بودیم که او به دلیل استعداد بالایی که دارد، در محیط علمی کانادا می‌تواند بیشتر شکوفا شود. بالاخره محمد، تحصیل در کانادا را برگزید. در مدت ۱۶ ماه اقامت او در کانادا، مدتی با شرکت سامسونگ همکاری داشت و در همان زمان کوتاه، چند مقاله علمی منتشر کرد.» «جوزف فرنوبک»، استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه تورنتو هم استاد یکی از دانشجویان ایرانی‌تبار این دانشگاه به اسم محمدامین جبلی، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم بهداشتی بود که این دانشجوی ایرانی هم در ماجرای شلیک به هواپیمای اوکراینی کشته شد.

جوزف می‌گوید: «با رفتن محمدامین، ما یک پزشک بالقوه و کارآفرین، فردی باهوش و مهربان را از دست دادیم.»

محبوبیت تحصیل در دانشگاه تورنتو در بین دانشجویان ایرانی

همچنین مرتضوی درباره میزان استقبال دانشجویان ایرانی از دانشگاه‌های کانادا نیز می‌گوید: «رؤیای تحصیل در کانادا، خیلی زود در

در این نوشتار که در سایت خبری دانشگاه تورنتو منتشر شده است، ابتدا گریزی به برخی از دانشجویان کشته شده در هواپیمای اوکراینی زده شده و در ادامه به این پرسش پرداخته شده است که چرا تحصیل در دانشگاه‌های کانادا برای دانشجویان ایرانی تا این حد جذاب است؟

ساقط شدن هواپیمای اوکراینی، ضربه علمی بزرگی به برخی موسسات آموزشی در کانادا وارد کرد. تخمین زده می‌شود که ۴۶ دانشجو، استاد و محقق از ۱۹ موسسه علمی و آموزشی در کانادا، در هواپیمای اوکراینی کشته شدند.

محمد صالحه، دانشجوی دانشگاه تورنتو یکی از همین قربانیان بود. از او به‌عنوان یکی از بااستعدادترین برنامه‌نویسان ایران یاد می‌شد که در جریان شلیک موشک‌های سپاه پاسداران جمهوری اسلامی به هواپیمای اوکراینی کشته شد. محمد، یکی از شش دانشجوی دانشگاه تورنتو بود که در هواپیمای اوکراینی کشته شدند. محمد، دانش‌آموخته دانشگاه صنعتی شریف بود.

مرتضوی، دوست و هم‌کلاسی محمد بود که هم در دبیرستان و راهنمایی و هم در دانشگاه، با محمد صالحه، رفیق بودند. مرگ محمد برای مرتضوی، بسیار دردناک و غیرقابل‌هضم بود.



موی طفرایی



اردلان احمد



علی موثق

سربازان خدمت کرده در سپاه پاسداران؛ رسانه‌های کانادا چه می‌گویند؟



شورا حسین زاده دهکردی

در آوریل ۲۰۱۹، دونالد ترامپ، رئیس جمهور وقت آمریکا، سپاه پاسداران جمهوری اسلامی را یک سازمان تروریستی خارجی معرفی کرد. یک سال بعد، شاهد سرنگونی پرواز اوکراینی توسط سپاه بودیم که تمام ۱۷۶ سرنشین آن کشته شدند. ۱۳۸ نفر از کشته شدگان به نوعی با کانادا ارتباط داشتند و ۵۵ نفر از آنها نیز شهروند کانادا بودند. بعد از این حمله به هواپیمای مسافبری، یک قاضی دادگاه عالی انتاریو، این اقدام سپاه را یک اقدام تروریستی عمدی اعلام کرد.

«توماس جونو»، تحلیلگر سابق وزارت دفاع کانادا و دانشیار دانشکده روابط بین‌الملل دانشگاه اتاوا می‌گوید: «صدها هزار ایرانی در سپاه خدمت اجباری انجام داده‌اند. عده‌ای از آنها فقط آشپز، منشی و راننده بودند. مجازات کردن آنها عادلانه نیست.»

توماس معتقد است اگر قرار است تحریم‌ها و مجازات‌ها دقیق باشد، باید افرادی مثل اعضای خانواده مقامات ارشد جمهوری اسلامی که در شهرهای بزرگ آمریکای شمالی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، هدف تحریم باشند. به اعتقاد او، این اقدام می‌تواند اهداف امنیتی آمریکادر باره تحریم سپاه پاسداران را بیشتر محقق کند.

همچنین سخنگوی وزارت مهاجرت کانادا هم در واکنش به این ممنوعیت‌های ورود ایرانیان کانادایی به آمریکا اعلام کرده است: «کانادا به حق ایالات متحده برای تعیین صلاحیت افراد متقاضی ورود به آمریکا و روش‌های غربالگری برای ورود اتباع خارجی که انتخاب می‌کنند، احترام می‌گذارد. اما کانادا هیچ نقشی در تعیین این فرآیند ندارد، اما در عین حال دولت کانادا متعهد است که اعتبار و احترام دارندگان پاسپورت کانادایی حفظ شود.»

منبع: وبسایت شبکه خبری گلوبال نیوز

خدمت سربازی خود را تمام کردم. در آن مدت، هیچ فعالیت نظامی نداشتم. تنها کاری که من دو هفته در ماه انجام می‌دادم، ویزیت بیماران و سربازان سپاه بود. من حتی اجازه نداشتم با پرسنل رسمی سپاه در ارتباط باشم. من آن زمان هیچ چاره و انتخابی نداشتم. اگر حق انتخاب داشتم، ترجیح می‌دادم که در یک شاخه نظامی دیگری، دوران سربازی‌ام را بگذرانم.»

موی طفرایی، ایرانی دیگری است که او هم سرنوشتی مشابه اردلان داشته و از ورود به آمریکا منع شده است. خودش می‌گوید: «بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۱ مجبور به ترجمه مقالاتی درباره آب و فاضلاب برای سپاه بودم، اما ویزای کارم در آمریکا را به همین دلیل لغو کردند و گفتند که اگر می‌خواهی دوباره به آمریکا برگردی و کار کنی، باید وکیل بگیری.»

شورا حسین زاده دهکردی، مهندس برق هم می‌گوید که در دوران خدمت سربازی اجباری بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۷ به مدت ۲۰ ماه، تعمیرکار تجهیزات الکتریکی در سپاه بوده است، اما حالا ماموران مرزی آمریکا، کارت‌های ورود Nexus خودش و خانواده‌اش را به آمریکا باطل کرده‌اند.

مجازات سپاه نباید شامل سربازان اجباری باشد

منع ورود به آمریکا برای ایرانیانی که در سپاه خدمت کرده‌اند، موجب شده است که عده‌ای از این ایرانیان، شغل خود را از دست بدهند و کارت‌های Nexus آنها برای ورود به آمریکا باطل شود. حتی همسر، فرزندان و در یک مورد هم یک مادر و دوست دختر فردی که در سپاه خدمت کرده بود، در لیست سپاه ورود به آمریکا قرار گرفت.

این روزها سفر به آمریکا برای اغلب ایرانیانی که در سپاه پاسداران جمهوری اسلامی، خدمت اجباری سربازی را گذرانده‌اند، غیرممکن شده است. در این بین، حتی ایرانیانی که ملیت کانادایی هم دارند و در سپاه خدمت کرده‌اند، امکان مسافرت به آمریکا را ندارند. رسانه کانادایی گلوبال نیوز در گزارش اخیر خود به این موضوع پرداخته و با چند تن از ایرانیان مقیم کانادا که دچار همین مشکل هستند، گفت‌وگو کرده است.

علی موثق، یکی از همین ایرانی کانادایی‌هایی است که در سپاه پاسداران جمهوری اسلامی خدمت کرده است. خانواده علی در آمریکا زندگی می‌کردند، اما او موفق نشد حتی در روزهای آخر عمر پدرش، او را در آمریکا ببیند.

علی در نرم‌افزار فیس‌تایم، آخرین بار پدر ۷۹ ساله‌اش را روی تخت بیمارستانی در کالیفرنیا دید. علی می‌گوید: «نتوانستم در روزهای آخر زندگی پدرم، او را در آغوش بگیرم و این موضوع را هرگز فراموش نمی‌کنم.»

حتی برای اینکه علی بتواند پدرش را ببیند، پزشک پدرش به سرکنسولگری ایالات متحده نامه نوشت و وضعیت جسمی پدر را شرح داد، اما علی نتوانست در نهایت ویزای ورود به آمریکا را بگیرد.

علی موثق، ساکن ونکوور و متولد ایران است که از سال ۲۰۱۰ به عنوان یک شهروند کانادایی شناخته می‌شود. او در ژوئن سال گذشته وقتی می‌خواست پدر بیمارش را در آمریکا ببیند، درخواستش مورد پذیرش آمریکا قرار نگرفت.

همچنین دکتر اردلان احمد، متخصص اورولوژی در تورنتو هم یکی از همین گروه ایرانیان مقیم کانادا است که در سپاه خدمت کرده و از ورود به آمریکا منع شده است. خودش می‌گوید: «بیش از ۱۵ سال پیش دوره



آیا دریافتی‌های مربوط به کووید مشمول مالیات هستند؟

مردم در دوران بحران کرونا پرداخت شد، مشمول مالیات هستند. با این تفاوت که در مورد کمک هزینه CRB ده درصد از آن به صورت کسورات مالیات از منبع کم می‌شود. اما اگر درآمد فرد در همان سال از مرز ۳۸ هزار دلار عبور کند به ازای هر دلار بیشتر باید ۵۰ سنت مالیات پرداخت کند. اداره مالیات کانادا همچنین ممکن است از برخی از دریافت کنندگان این مزایا درخواست کند تا آن مبالغ را به حساب دولت بازگردانند.

آیا دورکاری مزایای مالیاتی دارد؟

بسته به نوع کاری که انجام می‌دهید می‌توانید از مزایای مالیاتی متفاوتی برای دورکاری بهره‌مند شوید. اگر در خلال سال گذشته از خانه کار کرده‌اید می‌توانید از کسر مالیاتی یا tax deduction معادل با ۵۰۰ دلار بهره‌مند شوید. این در صورتی است که حداقل ۲۵۰ روز از سال گذشته را در

در اظهار مالیات طبیعتاً سؤال‌های گوناگونی مطرح می‌شود و در این مطلب کوتاه سعی خواهیم کرد تا جایی که امکان دارد پاسخ برخی از آنان را به اشتراک بگذاریم.

آیا دریافتی‌های مربوط به کووید مشمول مالیات هستند؟

برخی از مردم در خلال دوران کووید از مزایای Canada Recovery Benefit (CRB) یا Canada Emergency Response Benefit (CERB) بهره‌مند شده‌اند و ممکن است تصور کنند این مزایا معاف از مالیات هستند که این ادعا چندان دقیق نیست و در برخی موارد پاسخ این سوال مثبت است. میزان دریافتی سالانه افراد در دوران کووید به صورت فرمی با نام T4A از طرف اداره مالیات کانادا به هر فرد، از طریق پست یا آنلاین اعلام می‌شود. این دو نوع مزایا که توسط دولت و برای حمایت از

بار دیگر زمان اظهار مالیات فرا رسیده و این بار نیز مالیات را مانند سال‌های گذشته در سایه کرونا اظهار خواهیم کرد؛ بنابراین، با توجه به اینکه هنوز در دوران کرونا به سر می‌بریم بهتر است بیشتر از قوانین مالیاتی مطلع باشیم تا بهتر مزایا، معافیت‌ها و قوانین خاص مربوط به برخی از مشاغل خاص بهره‌مند شویم.

امسال بر اساس اعلامیه اداره مالیات (درآمد) کانادا CRA، مهلت اظهار مالیات تا پایان ۳۰ آوریل در نظر گرفته شده است اما چون این تاریخ مصادف با شنبه است بنابراین، می‌توان تا ۲ می نیز این اظهارنامه را به دولت ارسال کرد و نباید اظهارنامه‌های مالیاتی پس از این تاریخ به دست اداره مالیات برسد. اگر یکی از اعضای خانواده به صورت self-employed یا خوداشتغال فعالیت دارد تمام افراد آن خانواده می‌توانند تا تاریخ ۱۵ ژوئن امسال اظهارنامه‌ها را ارسال یا اصطلاحاً فایل کنند.

سعی کنید حتماً از تاریخ مشخص شده برای اظهار مالیات عبور نکنید. حتی برای چند روز تخطی از این تاریخ ممکن است با جریمه مواجه شوید. سعی کنید مدارک و شواهد مربوط به اظهارنامه‌های مالیاتی را تا شش سال نگه دارید چرا که دولت حق دارد در آینده و برای بررسی‌های بیشتر آن‌ها را از شما درخواست کند. همچنین خوب است فرم‌های مربوط به حقوق یا T4، فرم‌های مربوط به کمک‌هزینه‌های فرزندان، فاکتورهای مربوط به مهدکودک، فاکتورهای مربوط به خدمات درمانی و دارویی و همین‌طور رسید مربوط به واریز پول به حساب بازنشستگی RRSP را نگه دارید.

به یاد داشته باشید برخی از مخارج مانند هزینه مهدکودک، نگهداری سالمندان، فعالیت‌های جسمانی کودکان، حمل‌ونقل عمومی، تأمین وسایل کار برای افراد خود اشتغال، هزینه اثاث‌کشی منزل، هزینه‌های مربوط به خرید اولین مسکن و همچنین بخشی از مالیاتی که برای خرید اجناس پرداخت می‌شود می‌توانند در اظهارنامه مالیاتی ذکر شوند و بسته به تشخیص و مدارک لازم، اعتبار مالیاتی یا بازگشت مالیاتی برای درخواست‌کننده به همراه داشته باشد. همچنین با وجود اینکه بیمه استانی افراد را برای بسیاری از خدمات درمانی بیمه کرده است ولی برخی از مخارج درمانی که تحت پوشش این بیمه نیستند (مانند عینک، فیزیوتراپی، و مانند آن) شامل معافیت مالیاتی یا deduction می‌شوند.

حتی اگر تمام برگه‌های مربوط به درآمد یا هزینه را تا قبل از موعد مقرر پیدا نمی‌کنید میزان درآمد یا هزینه مشمول تخفیف مالیاتی را محاسبه نموده، حدس بزنید و برای دولت بفرستید. برای محاسبه و تکمیل اظهارنامه مالیاتی لزوماً نیاز به یک حسابدار ندارید. اگر شرایط شما خاص نیست یا حس می‌کنید پیچیدگی خاصی در محاسبه مالیات شما وجود ندارد می‌توانید با استفاده از برنامه‌های تکمیل اظهارنامه مالیاتی مانند Turbo-impôt یا ImpôtExpert این کار را با سرعت و بدون هزینه انجام دهید.

منابع: وبسایت شبکه‌های خبری، گلوبال نیوز و lac-tualite

سال پوشش دهند. افرادی که در برخی از مناطق شمالی کانادا زندگی می‌کنند نیز می‌توانند بسته به محل زندگی و هزینه‌های آن، تا سقف یازده دلار در روز مشمول کسر مالیاتی شوند.

اشتباهاتی که باید در زمان اظهار مالیاتی از آن‌ها پرهیز کرد.

به یاد داشته باشید در هنگام تغییر محل زندگی حتماً نشانی خود را با اداره مالیات به‌روزرسانی کنید. چرا که ممکن است آن دسته از افراد که هنوز از اداره مالیات چک دریافت می‌کنند با مشکل مواجه شده و کلا چک به دستشان نرسد. همین‌طور اگر حساب بانکی یا بانک خود را تغییر می‌دهید اداره مالیات را از آن مطلع کنید.

فردی که مالیات شما را اظهار می‌کند را به‌دقت انتخاب کنید. قبل از این کار به چند نکته توجه کنید. اول اینکه آن فرد مورد اعتماد باشد چرا که شما اطلاعات حساس و محرمانه حساب‌هایتان را در اختیارش قرار خواهید داد. دوم اینکه فرد مذکور از دانش کافی برای پرکردن فرم‌ها داشته باشد. اگر فرد پرکننده اظهارنامه اطلاعات لازم در این زمینه را نداشته باشد و فرم‌ها به‌درستی پر نشوند ممکن است پرونده برای بررسی مجدد به مراجع مالیاتی منتقل شود و شما بی‌دلیل تا چند سال زیر ذره‌بین دولت قرار بگیرید. اگر تکمیل‌کننده فرم‌ها خود شما هستید بهتر است با بررسی وبسایت دولت فدرال و استانی در این زمینه اطلاعات لازم را کسب کنید. اگر به داشتن این اطلاعات به‌صورت دقیق و جزئی علاقه‌مند هستید به وبسایت مربوط به «مرکز آموزش‌های مالیاتی کبک» یا Centre québécois de formation en fiscalité مراجعه کنید.

در هر شرایطی که هستید، حتی اگر دانش‌آموز هستید و درآمدی ندارید باید حتماً اظهارنامه مالیاتی را برای دولت پر کنید زیرا به‌احتمال زیاد ممکن است مشمول اعتبار مالیاتی یا crédits d'impôt شوید. همچنین درآمد و کمک‌هزینه‌های مربوط به کودکان خردسال را نیز باید اظهار کرد چرا که در انتها به میزان درآمد خانواده مرتبط خواهند شد.

منزل کارکرده باشید و به ازای هر روز مبلغ ۲ دلار کسر مالیاتی دریافت خواهید کرد. برای اظهار این موضوع نیاز به هیچ فرم یا تأیید کارفرما نیست. این مبلغ در اظهارنامه مالیاتی سال گذشته ۴۰۰ دلار بود که امسال صد دلار افزایش یافته است. برای محاسبه این میزان دو روش وجود دارد. یکی محاسبه سریع و بی‌دردسر کسر مالیات تا سقف ۵۰۰ دلار است که در بالا اشاره شد. دیگری روش محاسبه دقیق ساعات و هزینه‌ها و مخارج خانه در زمانی که فرد در آن مشغول به کار بوده است. در این روش دریافت فرم T۲۲۰۰ از طرف کارفرما الزامی است. حال باید دید شما کدام روش را ترجیح می‌دهید. در روش دوم که روش مفصل‌تر و با جزئیات است، افرادی که در منزل اجاره‌ای زندگی می‌کنند احتمالاً مخارج بیشتری نسبت به کسی که صاحب ملک است پرداخت می‌کند؛ بنابراین ممکن است به دلیل بالا بودن نرخ اجاره‌بها، نسبت به فرد دیگری که صاحب‌خانه است مشمول کسر مالیاتی بیشتری شود.

تغییرات در مورد تخفیف مالیاتی برای آلاینده‌ها carbon tax

ممکن است برخی از اظهارکنندگان مبلغ بازگشت مالیات tax return مربوط به آلاینده‌ها و تغییرات اقلیمی امسال را کمتر از سال‌های گذشته ببینند. این مبلغ، تخفیفی از طرف دولت با عنوان مشوق بهبود تغییرات اقلیمی بود که با پرکردن بخش موردنظر در فرم مالیات، مبلغ موردنظر به فرد بازگردانده می‌شد. هم‌اکنون تنها در استان‌های آلبرتا، ساسکاچوان، مانیتوبا و اونتاریو قابل دریافت است و امسال سایر استان‌ها شامل این تخفیف نمی‌شوند.

میزان این تخفیف مالیاتی در سال‌های گذشته به‌صورت یکجا به مالیات‌دهنده واریز می‌شد. در حالی که امسال دولت تصمیم گرفته مبلغ مشوق مذکور که با عنوان CAI نیز مشهور است را به صورت سه‌ماهه به مردم پرداخت کند.

موارد متفرقه

معلمانی که مایحتاج تحصیلی خود را خریداری می‌کنند می‌توانند هزینه‌های مربوط به تشکیل کلاس را تا ۲۵ درصد و تا سقف ۱۰۰۰ دلار در



میانگین قیمت یک خانه در کانادا در ماه ژانویه امسال به ۷۴۸ هزار و ۴۵۰ دلار رسید.



تیف ماکلم، رئیس بانک مرکزی کانادا پیش‌بینی کرده است که نرخ تورم در کشور در نیمه اول سال ۲۰۲۲ به ۶ درصد برسد.

تورم و افزایش نرخ بهره پایه چه تأثیری بر زندگی کانادایی‌ها خواهد گذاشت؟

نشان می‌دهد. برای دولتمردان مقابله با تورم و در عین حال حفظ محبوبیت در جامعه کاری دشوار است چرا که تلاش برای کاهش یا ثابت نگه‌داشتن نرخ تورم به سخت‌تر شدن شرایط خانواده‌ها و کسب و کارها منجر می‌شود به همین علت است که غالباً سیاستمدارانی که قرار است دوباره انتخاب شوند، از چنین مأموریتی پرهیز می‌کنند.

افزایش هزینه‌های تغذیه

کانادایی‌ها بدانند که فشارهای تورمی قرار نیست به این زودی کاهش یابند. سیلون شارلوبوا استاد توزیع و سیاستگذاری صنایع غذایی در دانشگاه دالهوسی پیش‌بینی می‌کند که قیمت مواد غذایی در سال آینده برای شهر وندان به یک‌دغدغه مهم تبدیل شود. این کارشناس می‌گوید از دیرباز نرخ تورم مواد غذایی در کانادا که فوریه امسال به ۷.۴ درصد ارزیابی شد، همواره به نرخ تورم غذایی در آمریکا که در حال حاضر ۸.۸ درصد است، خواهد رسید؛ بنابراین از همین حالا می‌توان پیش‌بینی کرد که شرایط سخت و سخت‌تر خواهد شد. انتظار می‌رود نرخ تورم مواد غذایی در کشور در ماه‌های آینده حتی از ۹ درصد نیز فراتر برود و تحمل این وضعیت برای خانواده‌هایی که لزوماً امکانات کافی و مناسب برای مدیریت افزایش قیمت‌ها ندارند، دشوار خواهد بود.

جنگ بین روسیه و اوکراین نیز که غول‌های بزرگ صادرکننده غلات در جهان محسوب می‌شوند، آثار بدی بر روی قیمت مواد غذایی گذاشته است. این دو کشور همسایه درگیر جنگ جزو پنج صادرکننده بزرگ گندم و ذرت جهان هستند و به اتفاق ۳۰ درصد گندم و ۲۰ درصد ذرت مصرفی جهان را تأمین می‌کنند.

آقای شارلوبوا برای درک بهتر شرایط، آلمان را مثال می‌زند. این کشور اروپایی به شدت به محصولات غذایی اوکراین وابسته است. خرده‌فروشان محصولات غذایی در آلمان هشدار داده‌اند که به علت پیامدهای جنگ در اوکراین، قیمت‌های خود را تا پایان تابستان امسال بین ۲۰ تا ۵۰ درصد افزایش خواهند داد.

این کارشناس همچنین نگران تصمیمی است که اخیراً دولت آمریکا برای کاهش قیمت بنزین گرفت. پرزیدنت بایدن هفته پیش از تعدیل برخی محدودیت‌ها برای فروش سوخت حاوی ۱۵ درصد اتانول (E۱۵) خبر داد.

به گفته شارلوبوا، همچنان ذرت بیشتری از بخش کشاورزی و صنایع غذایی به بخش انرژی اختصاص خواهد یافت و در واقع در این زمینه، صنعت غذایی قربانی صنعت انرژی خواهد شد. این مسئله به کاهش مقدار ذرت در بازارها خواهد انجامید و متعاقب آن قیمت محصولات غذایی در ماه‌های آینده باز هم افزایش خواهد یافت.

منبع: وبسایت شبکه خبری رادبو کانادا

همان‌طور که از مدت‌ها پیش انتظار می‌رفت، بانک مرکزی کانادا این هفته نرخ اصلی خود را افزایش داد و از ۰.۵ درصد به ۱ درصد رساند. تحلیلگران اقتصادی می‌گویند که در بیش از دوده گذشته این اولین بار است که بانک مرکزی نرخ بهره پایه خود را یک‌بار به این قدر بالا برده است و البته با توجه به نرخ تورم موجود، کانادایی‌ها باید زندگی خود را با شرایط جدید وفق دهند و حتی خود را برای افزایش‌های بعدی نرخ بهره آماده کنند.

تیف ماکلم، رئیس بانک مرکزی کانادا، از همین حالا به طور غیرمستقیم از شهروندان خواسته است خود را برای چنین چیزی آماده کنند. او تأکید کرده است که اقتصاد کانادا می‌تواند نرخ‌های بهره بالاتر را تحمل کند و البته به چنین چیزی هم نیاز دارد. عالی‌ترین مسئول سیاست‌گذاری پولی کانادا نگران گسترش فشار بر روی هزینه‌ها و قیمت‌ها در کشور است که این روزها تحت تأثیر پیامدهای جنگ اوکراین شدت بیشتری پیدا کرده است. آقای ماکلم نیز به این مسئله اذعان دارد که قدرت خرید کانادایی‌ها به شدت تحت تأثیر نرخ تورم قرار گرفته و پائین آمده است. نرخ تورم سالانه در کانادا فوریه امسال به ۵.۷ درصد رسید. در همین حال قیمت سبد غذایی به تنهایی ۷.۴ درصد افزایش یافته و قیمت بنزین نیز طی یک سال ۴۸ درصد رشد داشته است.

افزایش هزینه‌های مسکن

در چنین شرایطی باید علت افزایش نرخ بهره پایه و افزایش‌های احتمالی بعدی را درک کرد چرا که بانک مرکزی کانادا قصد دارد نرخ تورم را در سطح ۲ درصد حفظ کند. بانک مرکزی با افزایش نرخ پایه اصلی خود، پیام روشنی به مؤسسات مالی ارسال کرده است مبنی بر این که باید نرخ بهره خود را افزایش دهند، اتفاقی که به نوبه خود می‌تواند در بحث استقراض و هزینه‌های نقشه‌های مهارکننده داشته باشد.

سرژ کولومب، استاد اقتصاد دانشگاه اتاوا و مهمان برنامه «ابتدا واقعیات» می‌گوید فرض کنید یک وام مسکن ۲۵ ساله با نرخ ثابت ۵۰۰ هزار دلاری گرفته‌اید. افزایش پنجاه واحدی نرخ بهره به معنای افزایش ماهانه ۱۲۵ دلاری پرداخت وام مسکن است. اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود چرا که باید آماده باشیم که روند صعودی نرخ بهره باز هم ادامه داشته باشد و افزایش ماهانه پرداخت وام‌های رهنی به ۵۰۰ دلار برسد. به گفته آقای کولومب، رشد هزینه‌های وام مسکن بر بودجه خانوارهایی که اخیراً برای خرید خانه وام گرفته‌اند، سنگینی خواهد کرد. شایان ذکر است که اکثر وام‌های رهنی که خریداران اولین خانه در کانادا می‌گیرند حداقل ۵۰۰ هزار دلار است در حالی که میانگین قیمت یک خانه در کانادا به مراتب بالاتر از این است.

استاد اقتصاد دانشگاه اتاوا افزود این مثال به خوبی مشکلات مقابله با فشارهای تورمی را



اتوسرویس شمیران

تعمیر و خدمات انواع خودرو

• فروش انواع لاستیک تا ۸۰ دلار تخفیف

• جلوگیری از زنگ زدگی Rust Proofing

• تعمیرات ترمز و جلوبندی

سرویس و خدمات
در کوتاه‌ترین زمان
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب



514-487-6262

5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1
www.autoshemiran.com



Panneton & Panneton Moving & Storage

تخفیف ویژه برای
هموطنان عزیز
در نظر گرفته
شده است.

خدمات انبارداری پنتون و الیمپیا

- ✓ بیش از ۵۰۰ فضای انبار در اندازه‌های مختلف
- ✓ تمیز و ایمن با دوربین‌های نظارتی
- ✓ سیستم‌های اعلام خطر و کنترل دما
- ✓ ۷ روز هفته قابل دسترسی



514 939 0099
8660 Jeanne Mance,
Montreal, QC H2P 2S6

info@pannetonpanneton.com

رکسان صمیم

RE/MAX Platine
Agence Immobilière

Cell: 438-397-3212

مشاور املاک مسکونی

با آشنایی کامل به مونترال و حومه
خدمات کامل را برای خریداران
مسلط به زبان فرانسه و انگلیسی
همراهی در تمامی مراحل خرید و فروش



Roxanne Sameem

Residential Real Estate Broker

Remax Platine
1850 Av. Panama #110
Brossard, QC J4W 3C6

Rokhan.sameem@remax-quebec.com
www.rsameem.com

Pharmacie Golnasim Riahi

داروخانه دکتر گل نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا

www.riahipharma.com

Tel: (514) 519-3060



ارسال رایگان
در کبک و اونتاریو

1111 Boulevard Dr. Frederik-Philips, Suite 600
Montreal, Quebec H4M 2X6

514 519 3060 438 603 3691

www.riahipharma.com info@riahipharma.com

- نوشتن نسخه
در دسترس داروهای خاص و نادر
- واکسیناسیون
- تست‌های پزشکی
- مشاوره درمانی
- دریافت نسخه
از طریق اینترنت (فقط در کبک)
- دسترسی آنلاین
به پرونده پزشکی و داروهای شما
- انستال پرونده
بازی و تست داروهای شما

سلامتی

حقوق

دانش





خشونت، معضلی روبه رشد در مونترال

آمار و ارقامی که اداره پلیس شهر مونترال منتشر کرده است نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر و مشخصاً از سال ۲۰۱۴ میزان جرم و جنایت علیه اشخاص در این شهر روندی صعودی داشته و در سال ۲۰۱۹ به اوج رسیده است.

طبق گزارش اولیه‌ای که اداره پلیس مونترال منتشر کرده است در سه‌ماهه ابتدایی سال ۲۰۲۲ بیش از ۳۴۰۰ فقره خشونت و جرم علیه افراد در این شهر ثبت شده است. در سال‌های اخیر این یکی از بالاترین آمار خشونت علیه افراد در مونترال محسوب می‌شود. در واقع ارتکاب خشونت و دیگر اشکال جرم و جنایت علیه افراد در شهر مونترال در سال‌های اخیر همواره یکی از مشکلات جدی این شهر بوده است اما این معضل در سال ۲۰۱۹ به اوج خود رسید.

داده‌های اولیه منتشر شده توسط پلیس مونترال نشان می‌دهد که از اول سال ۲۰۲۲ تا کنون ۳۲۷۴ فقره خشونت و ۱۵۱۰ فقره جرم علیه افراد در مونترال اتفاق افتاده است. نرخ خشونت در سه‌ماهه اول امسال با مدت مشابه سال قبل افزایش زیادی نداشته است با این حال در هشت سال اخیر یکی از بالاترین نرخ‌های خشونت در شهر را نشان می‌دهد. کارولین لابل، مسئول روابط عمومی اداره پلیس شهر مونترال اعلام کرد خشونت علیه افراد که پلیس ثبت کرده است، شامل حمله فیزیکی با یا بدون سلاح می‌شود. از دیگر اشکال جرایم ارتكابی علیه افراد در مونترال می‌توان به زورگیری، مزاحمت، آزار و اذیت‌های جنایی، سوء استفاده‌های جنسی و ارتباطات ناشایست اشاره کرد.

اما مشکل خشونت فقط به مونترال محدود نمی‌شود و کل استان کبک از این معضل رنج می‌برد. وزارت امنیت عمومی در تازه‌ترین گزارش

خود اعلام کرد از سال ۲۰۱۴ به این طرف نرخ خشونت و جرایم علیه افراد پیوسته افزایش یافته است و در سال ۲۰۱۹ با ثبت ۱۰۳۱ فقره جرم در ازای هر یکصد هزار نفر به اوج رسید.

دکتر سسیل روسو، استاد دانشگاه مک گیل متخصص روانپزشکی بین فرهنگی، می‌گوید اگر سری به اینترنت بزنید امثال الکساندر بیزونت و مارک لپین کم نخواهید یافت. خشونت چنان ابعاد گسترده‌ای پیدا کرده که به نظر می‌رسد یک فرهنگ تمجید و تشویق پشت آن قرار دارد. گفتنی است بیزونت عامل حمله خونین به مسجد کبک و لپین عامل کشتار مدرسه پلی‌تکنیک مونترال بود.

سوم آوریل امسال بود که یک زوج حدود شصت‌ساله در تقاطع خیابان کوویه و اوشلگا در حال بحث بودند که ناگهان بدون هیچ دلیل مشخصی هدف یک فرد ناشناس قرار گرفتند. خانمی که در این حمله هدف قرار گرفت، در گفت‌وگو با لاپرس گفت نزدیک بود چشمش را از دست بدهد.

اخبار حملات متعدد از این دست در مونترال در هفته‌های اخیر در رسانه‌ها پخش شده است. یک دختر ۱۰ ساله اواسط ماه مارس در منطقه Pointe-aux-Trembles در شرق مونترال مورد حمله قرار گرفت. دو هفته بعد نیز ژان روسل، نماینده لیبرال، در دفترش مورد ضرب و جرح قرار گرفت.

دکتر سسیل روسو می‌گوید با یک دیدگاه کاملاً آخرالزمانی از جهان روبرو هستیم که شیفتگی شرارت و خشونت را با خود به همراه دارد. در این دیدگاه، وقتی من از نظر دیگران کسی نیستم، هیچ قدرتی ندارم و برای خودم آینده‌ای در این جهان متصور نیستم، تلاش می‌کنم با تبدیل شدن به یک

نابغه شیطانی، آینده‌ای برای خود دست‌وپا کنم. این ایدئولوژی قاتلان است.

پروفیسور ویوک ونکاتش، دارنده کرسی تحقیقاتی در زمینه پیشگیری از تندرویی و افراط‌گرایی منجر به خشونت در دانشگاه کنکوردیا، می‌گوید برای بررسی این پدیده نباید از مشکلات و اختلالات سلامت روان که طی دو سال اخیر تحت تأثیر پیامدهای همه‌گیری کووید ۱۹ افزایش یافته است، غافل بمانیم. این کارشناس بدون اینکه بخواهد به طور مشخص در مورد اقدامات و رفتارهای خشونت‌بار بی‌دلیل اظهار نظر کند، خاطر نشان کرد مشکلات سلامت روان اعضای گروه‌ها و جوامع نژادی را که با رفتارهای تبعیض‌آمیز روبرو هستند، به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

دکتر روسو می‌گوید در بررسی‌ها و تحقیقات خود درباره خشونت، به یک گفتمان جدید مشروعیت‌بخشی زور و خشونت به‌ویژه در فضای آنلاین برخورد کرده است. بین آن چه در رسانه‌های اجتماعی می‌گذرد و خشونت‌هایی که در خیابان‌ها اتفاق می‌افتد، یک ارتباط انکارناپذیر وجود دارد.

خانم روسو می‌افزاید پاندمی کرونا و محدودیت‌های آن به‌ویژه قرنطینه نیز به معضل ترویج خشونت دامن زد. پاندمی موجب شد جوانان به‌جای این که با کاهش وابستگی‌ها، افق دید خود را گسترش دهند، بخش عمده شبانه‌روز خود را در اتاق‌های خود با موبایل‌ها یا کامپیوترهای خود سپری کنند. قطعاً معضل خشونت پیش از کرونا نیز وجود داشت و پس از آن نیز ادامه خواهد یافت اما نمی‌توان انکار کرد که بحران بهداشتی برای این معضل مثل اثر نفت روی آتش بود.

منبع: وبسایت شبکه خبری لاپرس



دولت انتاریو با معضل دیرینهی کمبود پرستار چه خواهد کرد؟

ساعت کار چندان منعطف نیست و از آن جا که بیشتر پرستاران زن هستند و بسیاری از زنان نیز بچه دارند، بنابراین همیشه کمبود در این رسته‌ی شغلی وجود دارد، چراکه بیشتر افراد ترجیح می‌دهند به صورت پاره‌وقت کار کنند تا به دیگر کارهایشان برسند.

در این میان، کمبود پرستار در انتاریو به دلیل استرس ناشی از بیماری همه‌گیر در کار بیشتر هم شده است.

بر اساس نظرسنجی رَنو، از ۲۱۰۰ پرستار ثبت شده در انتاریو از ۳۱ مارس، بیش از ۹۵ درصد از پاسخ‌دهندگان گفتند که همه‌گیری بر کار آنها تأثیر گذاشته و سطح استرس در میان پرستاران را بسیار بالا برده است.

علاوه بر این، حداقل ۱۳ درصد از پرستاران

ثبت‌شده کمتر از دیگر بخش‌های کانادا بر اساس سرانه داشت.

پیش از این، داده‌ها همچنین نشانگر آن بودند که پرستارهای ثبت‌شده در انتاریو از اوایل سال ۲۰۱۵ به‌طور پیوسته کارشان را ترک کرده‌اند، تا جایی که تا اواسط سال ۲۰۲۱ تعداد مشاغل خالی به ۹۰۰۰ نفر رسید.

این کمبود برای چندین دهه ادامه داشته و این امر ناشی از سیاست‌های نادرست دولت و نیز کارفرمایان بوده است.

این کمبود در طول همه‌گیری بدتر هم شد، تا آن جا که در دوران کرونا به علت کمبود پرستار برخی از سالمندان در خانه‌های مراقبت طولانی‌مدت جان خود را از دست دادند.

به گفته‌ی کارشناسان، در شغل پرستاری

در اواسط ژانویه، زمانی که موج تازه‌ی کرونا بر اثر سویه‌ی اومیکرون انتاریو را درنوردید، ۴۷۷ بیمار کرونایی در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شدند.

کریستین الیوت، وزیر بهداشت، در آن زمان به خبرنگاران گفت که تقریباً ۶۰۰ تخت آی‌سی‌یو در سراسر انتاریو در دسترس است و خاطرنشان کرد که در صورت نیاز می‌توان نزدیک به ۵۰۰ تخت دیگر هم اضافه کرد.

اما یکی از پرستاران آی‌سی‌یو می‌گوید که بدون کارکنان واجد شرایط این تخت‌ها به اندازه «تخت‌هایی که در خانه داریم» مفیدند!

این استان در شرایطی رویاروی بیماری همه‌گیر جهانی رفت که طبق اعلام انجمن پرستاران ثبت‌شده، این استان تقریباً ۲۲ هزار پرستار

او می‌گوید که احساس می‌کنم حرفه و زندگی‌ام در دست اداره‌ی مهاجرت است و فقط منتظر به‌روزرسانی‌ها هستم!

دیدن اینکه بیمارستان‌های انتاریو چقدر به پرستاران بیشتری نیاز دارد، دوکوسین را ناامیدتر کرده است، چراکه روند جذب پرستاران تازه مهاجر به سیستم بهداشت - درمان انتاریو بسیار دشوار است و سیستم از یک سو به کسانی که قبلاً در این زمینه آموزش دیده‌اند و در کشورهای خودشان تجربه‌ی کاری دارند سخت می‌گیرد و از سوی دیگر با کمبود شدید پرستار مواجه است.

دوکوسین می‌گوید: «دوستانی در بیمارستان‌ها دارم و آنها خسته شده‌اند. آنها سوخته‌اند. برخی از آنها به دلیل اینکه ۱۶ ساعت [روزانه] کار می‌کنند، می‌خواهند کارشان را ول کنند و این مرا ناراحت می‌کند، زیرا می‌دانم که می‌توانستیم کمک کنیم.»

دنت پورچپونچلا هم دارای مجوز پرستاری در انتاریو است، اما دارای مجوز کار بسته است و نمی‌تواند در مراقبت‌های بهداشتی استخدام شود. او در حال حاضر پس از ماه‌ها بی‌خوابی شب‌ها به عنوان مراقب کار می‌کند و مجوز پرستاری خود را برای کمک به بیماری همه‌گیر گرفته است.

او می‌گوید: «تمام وقت کار می‌کردم، و [همچنین] درخواست‌های خود را برای اقامت دائم، مجوز کار آزاد و تمدید مجوز کار انجام می‌دادم، فقط برای این که اینجا وضعیت معتبری داشته باشم. در همین گیرودار، روند طولانی و پرهزینه‌ی دریافت مجوز را هم طی کردم.»

دوریس گرینزپان، مدیر عامل انجمن پرستاران ثبت شده انتاریو، در این باره گفته است که ۱۵ هزار پرستار که در خارج از کشور تحصیل کرده‌اند، در انتظار رسیدگی به پرونده‌هایشان هستند و این به معنای زمان انتظار طولانی‌تر و شکاف در مراقبت از بیماران است.

از آن جایی که این پرستاران هنوز نیاز به نظارت و آموزش دارند، آنجلا پرثوکائین، نایب‌رئیس اول انجمن پرستاران انتاریو، می‌گوید که این موضوع روند را دشوارتر کرده است.

منبع: وبسایت شبکه‌های خبری سی‌تی‌وی، سی‌بی‌سی و دورسیتی

هستند که گواهی از کالج پرستاران انتاریو ندارند، اما می‌توانند از تجربه کاری که در بیمارستان‌های استان به دست می‌آورند برای تکمیل مدارک خود استفاده کنند.

کارلا دوکوسین، پرستاری از فیلیپین، از شنیدن اینکه برخی از همکاران تحصیل کرده بین‌المللی او می‌توانند به زودی مشغول کار شوند، بسیار

بر اساس نظرسنجی رَنو، از ۲۱۰۰ پرستار ثبت شده در انتاریو از ۳۱ مارس، بیش از ۹۵ درصد از پاسخ‌دهندگان گفتند که همه‌گیری بر کار آنها تأثیر گذاشته و سطح استرس در میان پرستاران را بسیار بالا برده است.

دوکوسین می‌گوید: «دوستانی

در بیمارستان‌ها دارم و آنها خسته شده‌اند. آنها سوخته‌اند. برخی از آنها به دلیل اینکه ۱۶ ساعت [روزانه] کار می‌کنند، می‌خواهند کارشان را ول کنند و این مرا ناراحت می‌کند، زیرا می‌دانم که می‌توانستیم کمک کنیم.»

هیجان زده است. اما به‌عنوان تازه‌وارد که مجوز کار آزاد یا اقامت دائم ندارد، پس از انتظار برای رسیدگی به درخواستش برای اداره مهاجرت، پناهندگان و شهروندی کانادا در سال گذشته متوجه شد که از شیوه‌نامه‌های جدید کنار گذاشته می‌شود.

ثبت‌شده‌ی بین ۲۶ تا ۳۵ سال گفتند که به احتمال بسیار زیاد این حرفه را پس از همه‌گیری ترک می‌کنند.

کارشناسان گفته‌اند که دولت می‌تواند کارهای بیشتری برای رسیدگی به این موضوع انجام دهد. برای نمونه، موافقت شود که لایحه ۱۲۴ را که در سال ۲۰۱۹ دولت فورد ارائه کرد و بر اساس آن افزایش دستمزد کارگران بخش دولتی را محدود به یک درصد در سال کرد، لغو کند.

داده‌های فدرال نشان می‌دهد که متوسط نرخ ساعتی یک پرستار ثبت‌شده در انتاریو ۳۹ دلار است، به این معنی که طبق لایحه ۱۲۴، یک پرستار ثبت‌شده می‌تواند انتظار داشته باشد که دستمزدش در یک سال به ۳۹.۳۹ دلار افزایش یابد.

کارشناسان می‌گویند که با لغو این قانون نه تنها به حفظ پرستارانی که در حال حاضر در این زمینه کار می‌کنند کمک می‌شود، بلکه باعث می‌شود که این حرفه برای افرادی بیشتر جذاب شود.

وزارت بهداشت در بیانیه‌ای گفته است که انتاریو از زمان شروع همه‌گیری تا اواخر ژانویه‌ی امسال، بیش از ۶۷۰۰ کارمند مراقبت‌های بهداشتی را به سیستم اضافه کرده است.

دولت در نظر دارد طی پنج سال آینده ۳۴۲ میلیون دلار سرمایه‌گذاری کند تا بیش از ۱۳ هزار پرسنل را به سیستم مراقبت‌های بهداشتی - درمانی انتاریو اضافه کند که شامل بیش از ۵۰۰۰ پرستار جدید و ماهر و پرستار ثبت نام شده می‌شود.

هفت خان رستم پرستارهای مهاجر برای جذب در سیستم

هنگامی که دولت انتاریو اعلام کرد پرستاران آموزش‌دیده بین‌المللی در بیمارستان‌های سراسر استان مستقر خواهند شد، بسیاری از کارکنان مراقبت‌های بهداشتی نفس راحتی کشیدند؛ با این حال برخی اشاره کردند که این برای جبران کمبود پرستارانی که کارشان را ترک کرده‌اند کافی نخواهد بود.

آن‌ها می‌گویند این حرکت، که تقریباً دو سال پس از همه‌گیری انجام می‌شود، برای رفع کافی کمبود پرستاری که مدت‌ها قبل از کرونا احساس می‌شد، بسیار دیر انجام شده است.

تعداد ۱۲۰۰ پرستار بین‌المللی در انتاریو ساکن



سپرده داوطلبانه یا Voluntary deposit (۲)

سپرده داوطلبانه (۲)

در مقالات پیشین شماره‌های ۶۶۰، ۶۶۴، ۶۶۶ و ۶۶۸ و ۶۷۰ به توقیف اموال توسط طلبکار و فرایند و انواع آن به طور مفصل اشاره گردید. پس از آن به تعریف hypothec، اهداف و انواع آن که شامل قراردادی و حقوقی بود پرداخته شد و اشاره شد که هیپوتک حقوقی نیز انواعی دارد که برای اطلاعات بیشتر در این رابطه می‌توانید به مقالات هفته‌های پیشین در شماره‌های ۶۷۲ و ۶۷۴ رجوع کنید.

در آخرین مقاله شماره ۶۷۶، به مفهوم جدیدی تحت عنوان سپرده داوطلبانه یا اصطلاحاً Voluntary deposit پرداخته شد و بیان کردیم که سپرده داوطلبانه، رویه‌ای است که توسط دادگاه کبک اداره می‌شود و به بدهکار اجازه می‌دهد که بدهی‌های خود را بازپرداخت کند، از ورشکستگی جلوگیری کند و از اموال و حقوق خود در برابر توقیف احتمالی محافظت نماید و علاوه بر این، به حقوق و تعهدات بدهکار، حقوق و تعهدات طلبکار، جنبه‌های حقوقی سپرده داوطلبانه و مواردی دیگر اشاره گردید. در این مقاله به ادامه سپرده داوطلبانه می‌پردازیم.

به‌عنوان مدیون، تا زمانی که شما به تعهد خود عمل کنید، طلبکاران شما نمی‌توانند در اموال یا درآمد تصرف کنند یا از شما شکایت کنند. با این حال سپرده داوطلبانه شما را در برابر موارد زیر محافظت نمی‌کند:

۱. حبس (در صورت عدم پرداخت جریمه)

۲. تعلیق گواهینامه رانندگی

۳. هرگونه عواقبی در نتیجه عدم پرداخت بدهی‌هایتان. این سپرده داوطلبانه فقط در ایالت کبک اعمال می‌شود و دارای بدهکار در خارج از کبک محافظت نمی‌شود.

عموم مردم به فایل‌های سپرده‌های داوطلبانه دسترسی دارند. لیست بستانکاران توسط منشی به‌روز نگه داشته می‌شود و هر شخصی می‌تواند این

لیست را درخواست کند، خواه این شخص طلبکار باشد یا نباشد. هر شخصی می‌تواند در حضور منشی درخواست مراجعه به پرونده کند به‌استثنای اسناد یا اطلاعاتی که به دستور دادگاه مأمور به مهر شده است. همچنین فرد پس از پرداخت هزینه فتوکپی از مدارک موجود در پرونده می‌تواند کپی کند. اگر فایل حاوی اطلاعات شخصی باشد، هنگام مراجعه اشخاص ثالث به پرونده، بایستی اقدامات احتیاطی صورت پذیرد.

نه طلبکار و نه سازمان collection agency نمی‌توانند به هر دلیلی بدهکار را تهدید، آزار و اذیت کنند یا اقدام به ارباب نمایند. اگر بدهکار قبلاً اظهارنامه سپرده داوطلبانه خود را ثبت کرده باشد، بستانکار نمی‌تواند از خدمات collection agency استفاده نماید.

بهره‌مندی از روش سپرده داوطلبانه:

برای بهره‌مندی از روش سپرده داوطلبانه باید متعهد شوید:

(۱) پرداخت‌های منظم به دفتر دادگاه کبک داشته باشید؛

(۲) مبلغ پرداختی نمی‌تواند کمتر از بخش قابل ضبط درآمد شما باشد؛

(۳) هرگونه تغییر در وضعیت درآمد خود را به دادگاه اطلاع دهید؛

(۴) اطلاعات پرونده خود را به‌صورت سالانه به‌روز کنید

شما به‌عنوان بدهکار تنها فردی هستید که می‌توانید تصمیم بگیرید برای سپرده‌گذاری داوطلبانه اظهارنامه ارائه دهید و هیچ‌کس نمی‌تواند شما را مجبور به این کار بنماید.

درآمدی که قبلاً ضبط شده است:

اگر درآمد شما قبلاً ضبط شده باشد، همچنان می‌توانید از سپرده داوطلبانه بهره‌مند شوید اما بایستی به تعهد خود مبنی بر پرداخت بخش قابل ضبط از درآمدها احترام بگذارید.

اگر فقط ملک شما توقیف شده باشد می‌توانید برای سپرده‌گذاری داوطلبانه اقدام کنید اما این امر تأثیری در توقیف اموال شما نخواهد داشت.

مخالفت طلبکار با سپرده داوطلبانه:

یک طلبکار ممکن است با اظهارنامه سپرده داوطلبانه شما مخالفت کند. با این حال، منشی نمی‌تواند از ثبت اظهارنامه شما امتناع نماید حتی اگر معتقد باشد که شما واجد شرایط نیستید. به‌عنوان مثال یک طلبکار ممکن است واجد شرایط بودن شما برای سپرده‌گذاری داوطلبانه را به چالش بکشد اگر:

(۱) شما هرگز شغلی نداشته‌اید

(۲) شما خردسال هستید

(۳) مزایایی دریافت می‌کنید از جمله: برنامه کمک‌های اجتماعی یا تحت برنامه‌های بازنشستگی کبک و ... همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد، آگاهی کامل بدهکار و طلبکاران از تمامی جنبه‌های قانونی سپرده داوطلبانه برای جلوگیری از هرگونه اشتباه حایز اهمیت است؛ بنابراین، قبل از هرگونه اقدامی در این زمینه حتماً با وکیل یا مشاور حقوقی خود در این زمینه مشورت نمایید

توضیح: متن فوق، اطلاعات عمومی در خصوص موضوع مقاله است و در صورت بروز مشکل حقوقی، می‌توانید از وکیل خود، مشاوره حقوقی دریافت نمایید. نگارنده مقاله و مجله «هفته» هیچ مسؤلیتی در مورد ابعاد حقوقی این متن نخواهند داشت.

برای اطلاعات بیشتر یا برقراری ارتباط، می‌توانید به وبسایت دفتر حقوقی Riahi Legal مراجعه و سوالات خویش را از وکیل دادگستری کبک، خانم نیوشا ریاحی بپرسید.

Proxim

داروخانه پروکسیم شادی کبک



بیست سال تمام در خدمت جامعه ایرانی

در خیابان سن لوزان

PROXIM PHARMACIE CHADI KABAK



دلیوری رایگان به منزل شما

در سراسر منطقه مونترال بزرگ، لاول و ساوت شور



دسترسی شما به دارو همه روزه

و شبانه روزی توسط صندوق های هوشمند ما

Tel: (514) 288-4864

Fax: (514) 288-4682

94084 Saint-Laurent Blv, Montreal, Qc H2W 1Y8

kabakc@groupeproxim.org

استاد شیدا قره چه داغی

اهنگساز پیانیست

چند شاگرد پیشرفته پیانو می پذیرد
جهت آماده شدن برای امتحان های
دانشکده ها یا مدارس عالی
موسیقی و کنسرت



514 484 8748

sheida.g@hotmail.com

صابر جلیل زاده

آموزش سنتور

ابتدایی
مقدماتی
ردیف



saberjililzadeh@yahoo.ca

514-549-4697

گزارش

مقاله

آریانا





سیدمدثر احمد هاشمی، جوان پر تلاش مونتریاال: «هر یک از افغان‌ها سفیران کشور خوداند»

مهاجرت فامیلش دعوت‌نامه فامیلی فرستاد. خوشبختانه در سال ۲۰۱۶ با فامیل ویژه‌ی کانادا را گرفتیم.

اینکه چرا کانادا را انتخاب کردیم باید گفت که کانادا یکی از بهترین کشورهای دنیا برای زندگی است و در آن زمان شرایط خوبی را برای پذیرش مهاجرین داشت و از سوی دیگر کانادا دارای فرهنگ وسیع و پر از فرصت‌های زندگی است و اینکه چرا مونتریاال را انتخاب کردیم علتش این است که این شهر زیبا را بهترین مکان برای زندگی یافتیم و به نظر من مونتریاال یکی از بهترین شهرهای کانادا است که معیارهای خوبی برای زندگی بی‌دردسر دارد و همچنان شرایط تحصیل نسبت به دیگر جا بسیار خوب و مهیا است. به همین دلیل ما و پدرم کانادا را برای زندگی انتخاب کردیم.

بعد بزرگای فامیل ما به دره نور، ولسوالی ننگرهار مقیم شدند. پس از جنگ‌ها و مشکلات موجود در افغانستان یعنی مشکلات امنیتی فامیلیم به پاکستان هجرت کردند. من در شهر پیشاور پاکستان تولد و بزرگ شدم. تعلیمات ابتدایی و عالی را در پاکستان به پایان رساندم و از پوهنتون پیشاور در رشته اقتصاد تخصص‌ام را گرفتم. پس از آن برای کسب‌وکار به افغانستان برگشتم و در شهر کابل با سازمان‌ها و انجوهای مختلف ملی و بین‌المللی در افغانستان وظیفه اجرا کردم.

از چی زمانی وارد کانادا شدید و چطور و چگونه مونتریاال را برای محل زندگی انتخاب کردید؟

پدرم در سال ۲۰۱۰ به کانادا مهاجر شد و بعد از گذشت چند سال از طریق سفارت کانادا برای

با سید احمد هاشمی در محافلی که از طریق خانه افغان یا مفنک برگزار می‌شد آشنا شدم. او در این محافل با دیگر جوانان کار و فعالیت بی‌شایبه داشت و در برگزاری این محافل همکاری می‌نمود و حتی چندین بار از سوی خانه افغان برایش تقدیرنامه اهدا گردید. او جوانی است پرتلاش و آگاه و وطن‌پرست که برای معرفی فرهنگ افغان‌ها از هیچ‌گونه سعی و تلاش دریغ نمی‌نماید. در اینجا مصاحبه‌ای را با او انجام دادم که شما را بخوانش آن دعوت می‌کنم.

به هفته خوش آمدید. لطف نموده بگویید که سید احمد کیست و در کدام رشته تحصیل کرده.

با ابراز سپاس از شما و همکارانتان. اسمم سید مدثر احمد هاشمی فرزند سید حفیظ الله هاشمی است، اصلاً فامیلیم به (سیدهای) کتر تعلق دارند اما

آیا در اینجا خویش و قوم‌تان است و با جامعه افغان‌ها در ارتباط هستید و یا خیر؟

وقتی ویژه‌ی کانادا را گرفتیم و اراده سفر به کانادا را داشتیم، یک چیز در ذهن ما بود، اینکه ما در کانادا خویش و قوم نخواهیم داشت و زندگی بدون جامعه افغان‌ها بسیار دشوار خواهد بود. اما خوشبختانه وقتی به اینجا آمديم، ما جامعه‌ی بسیار خوبی از افغان‌ها را پیدا کردیم و از آن به بعد، همه ما مانند یک خانواده هستیم و احساس نمی‌کنیم که خویش و قوم ما در اینجا نیست.

در اینجا بیشتر در کدام عرصه‌ها کار کردید؟

در کانادا برعلاوه اینکه به درس ادامه دادم؛ بعد از فراغت از تحصیل هیچگاهی بیکار ننشستم و بیشتر توجه مرا به کارهایم مبذول داشتم و در اینجا نخست به صورت رضاکار در دواپر و مکاتب مختلف تدریس نمودم یعنی وظایفی چون: از کار داوطلبانه تا یک معلم، و یک ریسرچر تا یک ترجمان در جاهای مختلف کار کردم.

در معرفی‌تان گفتید که در پاکستان تولد شده و در همان جا درس خوانده‌اید. از مردم پاکستان چی خاطره دارید و آیا در مدتی که در پاکستان بودید گاهی هم مورد آزار لفظی آن‌ها قرار گرفته‌اید؟

اگر چه هیچ افغانی نیست که دور از وطن احساس بی‌وطنی نکند؛ ولی من چون در آنجا تولد شدم و در همان جا درس خواندم و تا سطح پوهنتون با مردم پاکستان بودم، این را درک کردم که مردم پاکستان با سیاستمداران‌شان کاملاً متفاوت هستند و با مردم افغانستان بی‌حد با مهربانی و خوش‌کلامی برخورد می‌کنند و بزرگ‌تر اینکه برای تحصیل افغان‌ها هیچ‌گونه ممانعتی وجود نداشت. یعنی هر افغان می‌توانست در مکاتب شخصی و حتی دولتی درس بخواند و در پوهنتون و کالج‌های پاکستان همچنان عین فیسی که از یک پاکستانی اخذ می‌شد به همان اندازه از یک افغان هم اخذ می‌گردید. این را نباید فراموش کنیم. اگر چه پولیس پاکستان مشکل خودش را داشت و مه فکر نکنم که هیچ افغانی یکی دو بار از آن‌ها خاطره نداشته باشد. در این اواخر اکثریت مردم ما با نداشتن اسناد قانونی مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند ولی در آن زمان که ما بودیم پاکستان و خصوصاً شهر پشاور که با مردم ما زبان نسبتاً مشترک داشتند را مانند خانه خود



می‌دانستند ولی با آن‌هم همه افغان‌ها به شمول من آرزوی این را داشتیم تا روزی بتوانیم به افغانستان بر گردیدم و به مردم خود کار و خدمت کنیم.

چقدر با جامعه افغان‌ها در تماس هستید؟ و آیا کرونا بالای روابط‌تان تأثیر کرده و یا خیر؟

شخصاً من زندگی تنها و بدون کلتور و فرهنگ افغانی را دوست ندارم و به این اساس هر وقت کوشش می‌کردم که میان جامعه خودم قرار گیرم. به همین دلیل روزی که کانادا رسیدم، اولین کاری که کردم جستجوی جامعه‌ی افغان‌ها بود و خوشبختانه که در بسیار وقت کم با افغان‌ها آشنایی حاصل نمودم و در شهرهای مختلف کانادا با افغان‌ها دوست شدم. گاهی افغان‌های ما برنامه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و کلتوری طرح می‌کردند، بخاطری که از این طریق آن‌ها می‌توانستند به فرهنگ خود و با جامعه خود نزدیک و به تماس باشند. متأسفانه که ویروس کرونا نه‌تنها برنامه‌های فرهنگی بلکه زندگی اجتماعی را هم تحت‌تأثیر قرار داده و همه برنامه‌ها را غیرمنظم کرده است ولی با آن‌هم گاهی از طریق فضای مجازی و گاهی هم در فضای سرباز در نشست‌ها و مظاهره‌ها همیشه اشتراک می‌کنیم و در موارد مختلف ابراز عقیده کرده‌ایم.

چون اکثریت نفوس کشور کانادا را مهاجرین از ملیت‌ها و اقسام مختلف با فرهنگ و کلتور مختلف تشکیل می‌دهد که یکی از این ملیت‌ها مردم ما و شماس، چون هر فرد نماینده‌ی فرهنگ خود است. پس بر این اساس ما افغان‌ها سفیران کشور خود هستیم. این کشور وطن دوم ماست پس باید به قوانین این کشور احترام بگذاریم و باید نماینده

افغان‌ها در قالب‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی باشیم؛ بنابراین برای آن ما باید در هر فعالیت اجتماعی متحد باشیم و تلاش کنیم تا مشارکت افغان‌ها را در این سرزمین نشان دهیم.

شما که نام خدا جوان پر تلاش هستید و در کارهای اجتماعی بیشتر سهم می‌گیرید. گفتنی‌تان به دیگر افغان‌ها و کسانی که با اجتماع و با مردم خود کمتر به تماس‌اند چی است؟

گفتنی‌ام به آن‌ها این است که شرایط زندگی روز بروز تغییر می‌یابد. اگر چه می‌دانیم که همه مصروف کار و بار زندگی هستیم چون هر افغان مسوول تکافوی فامیل خود را دارد و از سوی دیگر با شرایط بد در افغانستان و بیکار شدن اکثریت مردم؛ افغان‌های بیرون از کشور نیز آرام نیستند و تا جایی که با بیشتر افغان‌ها در تماس استم اکثریت‌شان برعلاوه خرج و مصارف زندگی خودشان در اینجا؛ مسوولیت فامیل‌های نزدیک‌شان را در افغانستان و حتی کسانی را که نمی‌شناسند را به عهده گرفته‌اند و مجبور هستند که حتی در بیشتر از یک جا کار کنند که این احساس و زحمتکشی‌شان را می‌ستایم. ولی در پهلوی این‌همه مصروفیت‌ها باید هیچگاه کلتور و فرهنگ و مراسم سنتی چون عید و نوروز و دیگر مراسم را فراموش نکنند چون خودشان هم به تفریح نیاز دارند و کوشش کنند که محیط زندگی کانادایی‌شان را به محیط زندگی افغانستان تا جای امکان شبیه بسازند. چون اطفال‌شان نیاز به درک فرهنگی افغانی دارند که باید تجربه کنند و در زندگی آینده‌شان از آن الگو بگیرند.

اگر در اخیر کدام گفتنی به مردم افغانستان دارید بفرمایید.

گفتنی‌ام به مردم بیچاره و مظلوم افغانستان این است که این روزها می‌گذرد قسمی که روزهای بدتر از این هم گذشت. آن‌ها ملت غیور و شجاع و مبارز هستند و همیشه در مقابل دشمن ایستادگی کرده‌اند و می‌کنند. آن‌ها با این‌همه مشکلات خود را نباخته و احساس تنهایی نکنند. آن‌ها این را بدانند که هر افغان کانادایی بر هر افغان افغانستان فکر می‌کند و در هر حالتی با ایشان است و هر افغان در کانادا و یا هر مملکت دیگر در تلاش این است که چطور یک مقدار پول را به آنجا بفرستد. یعنی به‌اصطلاح دست‌خوانش را نیم کند و با آن‌ها شریک سازد.

زنده‌باد افغانستان. تل ده وی زمونز هیواد.

با ابراز امتنان از سید مدثر احمد.

وعده‌ای دیدار به قیامت!

ما چی کرده می‌توانیم؟ مادر صنم با عجز می‌گفت:
- من خودم برده‌ای بیش نیستم، هر صبح و شام به گناهی ناقص‌العقل بودم توییخ و سرزنش می‌شوم. او به زنش گفته بود:

- از تو یک شکنجه بود و تکاندیش؛ دیگر اختیار نداری؟! حتی در شیرینی دادن خواهر صنم وی را سبز و کبودم ساخته بود. پس یک دست و پا شکسته‌ای بدتر از خودات را می‌بینی؛ چرا فریاد در گلو می‌خوابانی ... ؟ همه مردان قدیم همین طور بودند. صنم می‌گفتم:

- مادر! من توان ترا ندارم؛ احساسات من باریک‌تر، بی‌دوام‌تر و حساس‌تر است. حتی صنم شوخی‌آمیز به من می‌گفت:

- احمد! پوست من نازک‌تر و آسیب‌پذیرتر از توست. بعد با لبخند نمکینش می‌پرسید: می‌دانی چرا پوست گرگ کلفت است؟ گرگ به زور متوسل شده و کار خودش را می‌کند. بعد زبانش را گاز می‌گرفت، رویش را دور می‌داد و من در حفره‌ای رخسارش غرق شدم. بالاخره آن روز بر سرما آمد. برایش می‌گفتم:

- جانم! بگذار پنهان‌گریه کنم تا اشک‌هایم باعث طغیان آتش نمردی نشود. به تلخی تبسم نموده می‌گفت: نمردی که آتش به ابراهیم خلیل افروخت. اشک‌هایم را با دستان نازک و سفیدش می‌زدود. می‌گفت:

بلی می‌دانم. «اظهار عجز پیش ستم پیشه ابله‌یست. اشک کباب باعث طغیان آتش است» نوحه و زاری من برای آن‌ها تکراری، صدای عادی و جلوه‌ای مکرر یک زن است. آنگاه هر دوی ما در خود فرو می‌رفتیم که صدای ما به سنگی بخورد و سخت‌تر از سنگ شویم. صنم می‌گریست. سرم را در آغوشش

تکیه‌گاه و سر پناه ضرورت دارد، نه ساکن در یک مفاک ترسناک و تاریک، محیط لجنزار و متعفن و یا آغوش خاری که تا عمق روانش را جر بزند ... خود کریم خان همیشه با دندان‌های نضوار پر و خنده‌های احمقانه‌اش می‌گفت:

- آب از روی کاسه خورده می‌شود ... آری؛ پس صنم نوجوان چه ... ؟ بره گک کوچکی که به رمه چران همانند خودش نیاز داشت، نه گرگ سفاکی که مامور حفاظت وی شود. عیناً مانند گوشتی که نگهبانش پشک باشد. ای وای دل تنگم و زهره کفک ... صنم می‌گفت:

- خواندن دیباچه‌ای احساسات من و تو را برای اینها، آسان نیست. من به تلخی می‌گفتم: این را چرا به آن‌ها نمی‌گویی؟

- زمانی که همه درها به رخم بسته شد، فریادم بی‌صدا گردید، خانواده‌ای او خواستگاری‌ام را به مسخره گرفت و چشم پت دست رد به سینه‌ام زد؛ عاجزانه به مادرم گفتم:

- مادرجان! بگو دیگر چی کنم؟ هیچ می‌دانی تفاوت سن صنم و او مرد چند سال است؟ او شصت سال این دنیا را با عیش‌ونوش گزوپل نموده و صنم هنوز در دور هژدهم آن است. آه خدای من! آن گل غنچه‌ای نحیف و باریک اندام چقدر بدود، تا چند گاهی سرعت بگیرد تا به او نارسیده بمیرد و پر پر شود؟ مادرم به آه و افسوس می‌گفت:

- بلی ... رهروان رفتند و شما هم بروید ... ! آن گاه چشمانم دریای از آب می‌شد و زهرخندی زده می‌افزودم:

- من بدون او نمی‌توانم. مادرم می‌گفت:

- جان مادر! بابهای خدا ناترس‌اش او را فروخت،

این را همه درک می‌کردند که میان صنم من و آن مرد سفاک تفاوت از کجا تا به کجاست. مانند گل و خار، مانند سیاه و سفید و ... شاید هم از همین فرق بود که او دار و ندارش را در پای صنم بریزد، و او را تصاحب نماید. آری، او بی‌گدار بر آب زده و گل را کنار خار به زور جا زده است. ولی آن خنجری که بر دل افکار من و صنم ویرانی می‌کند بی‌صداست. مگر پدر صنم میان من و آن مرد ... ای وای از کی بنالیم ... ؟

مقایسه‌ای این به آن به هر دلیلی باشد؛ برای من آستن نابرابریست. ظالم و مظلوم، ظالم را پرخاشگر و غاصب و مظلوم را زیر دست و پذیرای ظلم ... همیشه فکر می‌کردم وقتی قرآن خدا یک‌سان نبودن داناوندان، کورویینا، روشنی‌وتاریکی، خوب‌بود، زشت‌وزیبا، سیاه‌وسفید را مطرح نموده تا خوبی‌وبدی را در میزان فهم انسان‌ها بی‌گنجانده؛ انعکاس آن در زندگی اجتماعی بارها دیده شده هرگاه، تفاوت میان دخترپسر، زن‌ومرد، پیر وجوان، داراوندادار را نیز در میزان مقایسه بسنجند. مقایسه‌ای گل غنچه‌ای تازه باز شده‌ای که سر از دل یک پُنیکی بیرون نماید، با خاری که صفت بد گل است. شدنی است؟ فرق رنگ‌وبو، شیپ‌وقواره، شادابی و تازگی، جذابیت‌وکشش گل با خار زمین تا آسمان است.

چقدر بی‌جاست که می‌گویند؛ خار در گل برای محافظت وی است؛ گل شگوفای شده، طراوت می‌آفریند و عمر سر می‌کند. ولی خار را هیچ چیز نمی‌شود. گل پر پر شده بقیه عمرش را به خار می‌دهد و خار جان می‌گیرد. صنم من این را خوب می‌دانست:

- درست است که در جامعه‌ای ما، یک دختر به

می‌فردم و نوازشش می‌دادم. دل بی‌قرار من بی‌تابی بیش از حد داشت و تاب نوازش وی را نداشتم فقط می‌گفت: مگر میخ در سنگ فرو می‌رود؟ بار دیگر می‌گفت:

- پدرم می‌گوید: «دختران باید همان قدر بیاموزند که خط خوانده بتوانند، بقیه کاهی بی‌دانه را باد کردن است.» منحیث یک مرد خجل می‌شدم. دلم برای وی می‌سوخت. و می‌دیدم که صنم تلاش داشت که توانش را بالانشان بدهد و تسلائی دل من شود. ولی طبیعت سرکشش غیر از آن می‌خواست؛ خلاف عقربهای ساعت، در مقابله با موج بزرگی از خودخواهی‌های پدر و مرد بزرگسالی که او را خریده بود. صنم نرد عشق به آموزش می‌باخت، کنار من می‌نشست و لکچر استاد را به عزم و جزم می‌شنید.

با اتکاء به حرفی؛ گره‌زار در بسته شود، دری باز می‌ماند؛ باور من می‌لنگید که قبول کنم صنم مال دیگری می‌شود. می‌گفتم:

- پس کجاست آن در باز ... ؟ آن گاهی که صنم سایه‌ای غم را در چشمان هم می‌دید، سر بر شانه‌ام می‌گذاشتیم و حسرت روزهای گذشته را می‌خورد. صنم با همان صلابت فطری که داشت می‌گفت:

- احمد جانم! نباید پیش از مردن یخن پاره کرد. بعد آه می‌کشید و می‌افزود:

- می‌دانی چطور چشمان دریده‌ای او مرد، با یک نگاه مرا برگزید و شیطان درونش سر بلند کرد که پدرم را اغفال کند؟ گفتم:

مگر برای او ارزش یک زن بیشتر از یک بازیچه نیست که با پول وزرق و برق، تغییر مکان، همدم و یارایده حالی برایش برگزیند؟ تصور او از زن داشتن کنیزانی همچو زنان حلقه به گوش دیگرش است. صنم خودش را در سینه‌ام بیشتر می‌فشرد و می‌گفت: ترسم را بیش نساز. می‌دیدم که روح سرکش صنم دربند بودن می‌میرد. با روحیه‌ای ساختگی و کذائی و به خاطر آرامش من حرکات غیرارادی نشان می‌داد. آه که بیشتر از پیش مفتونم می‌ساخت. صنم که ذهنم مرا می‌خواند، می‌گفت:

بلی، تنوع خواهی مردانه‌اش ... و رنه ... من چرا به درستی حس نمی‌نمایم که در کنار وی به چی خواهیم رسید؟ او فقط در دنگ‌اش خوش است که برخورد ببالد که زن جوان گرفته و جوانی‌اش را بر می‌گرداند. ولی من چی؟ منی که از یاد بودن با او تن

و بدنم یخ می‌زند و دندان‌هایم بهم می‌خورد، چطور می‌توانم یک عمر با وی زندگی کنم؟

- راست‌اش از یاد بوی بد دهنش تا بدن یخ زده و کرخت‌اش، شکم گنده و ورم کرده‌اش، سر طاس و پیکر غول‌ماننداش مو بر اندامم راست می‌شود، تنم چی که روانم را اذیت می‌نماید. با خودم می‌گفتم: آه خدا! زمانی که دست‌های زمخت و نفس‌های صدا دار وی را بالای بدن نحیف صنم تصور می‌نمایم، خون در رگ‌هایم می‌خشکد. تصور می‌کنم صنم در خندقی افتاده که نفس کشیده نمی‌تواند. شکم گنده‌اش به مثابه‌ای غیک جوک، خون وی را می‌مکد و ... صنم می‌گفت:

آری؛ ذهنم فریاد می‌کشد و به پدرم لعنت می‌گویم. از این حرف احساس خوبی ندارم. ولی قبل از اینکه کریم خان دشنامم داده و با قاش پیشانی پول گرفتن او را به رخم بکشد. باید خودم را به شکلی خالی بسازم. پدرم خود جوان نبود، مادرش به مرد پیر ازدواج نموده بود، برادرانم درد و غم مرا نداشتند. خیلی سخت است، با همچو مردی یک عمر سر کردن؛ دل شیر می‌خواهد و زور رستم ... دو خواهرم نادان‌تر از آن هستند که حالت مرا درکم کنند. درد بی‌درمان مرا بدانند، صفحه‌ای احساسات و خیالات جوانی مرا بخوانند و برایم نوحه سرایی کنند. صنم می‌گفت:

- تا آب جمع نشود، سنگ را نمی‌غلطانند و همان طور تا آب در جریان باشد و از تالابی سرازیر نشود کف نمی‌کند. این سلسله چنان در جریان سده‌های گذشته وطنم جاری بوده که احدی صدایش را کشیده نتوانسته است. به یک گل که بهار نمی‌شود. - همچو من و تو به کوت و خروار در چار اطراف ما استند که مانند گوشت در قصابی و یا در سیخ‌های کباب زیر و رو می‌شوند. همه‌ای آن‌ها را از کجا بیابیم تا دست بزرگی شویم و کوه‌های سر بسته‌ای کلچر نامتعارف خویش را بر داریم؟ از کجا یکجا شویم، سال‌ها تحمل و بارها تقبل، تا سنگ‌ها تراش بردارند و سنگ ریزه شوند. به خدا یک روزش سخت است. همه‌اش در تاریکی مطلق.

- شب عروسی برای هر دختری در جمع خاطرات خوب و به یاد ماندنی به حساب می‌رود. دروغ چرا! از صنم هم به یاد ماندنی خواهد بود. به یاد ماندنی‌ای که تا عمر دارد تکانش بدهد و خونش را به کف

دستش بیاورد. حتی تا دم مرگ، تا تجربه‌ای سنگ لحد و حتی رفتن به برزخ خدا، همراه با تهلهک و نفرت ...

- نمی‌دانم، چی کنم، عادت بگیرم یا سکوت نموده دم نزنیم؟ چطور، انزجارم را در همان تنوری بی‌اندازیم که میانش هستیم؟ حتماً وقتی زواله‌ای سوخته شدم، دیگر دردی حس نمی‌کنم.

وقتی از صنم جدا می‌شدم با خودم خلوت می‌کردم و می‌گفتم: آنکه خونش در رگ رگ بدن دخترش جاری است، امانش نداد و در بدل سنگینی جیفه‌ای ناچیز دنیا او را به دهن بلا سپرد، من کی باشم؟ صدایش در گوش‌هایم طنین می‌انداخت:

- احمدم! بگو، دلسوزتر از پدر در کدام سیاره‌ای دنیا است که بروم و به پاهایش بی‌افتم؟ هرگاه فرار نمایم در کجا نام نیک دریایم تا بری از طعن و لعن این و آن خودم را توجیه کنم؟

- به خانه‌ای امنی بروم که در امان باشم؟ نه، نمی‌شود. آنجا هم با مهر سیاه و قلم نافرمانی، بغاوت در مقابل شوهر که نقش نیمه‌خدایی دارد؛ از همه درها رانده می‌شوم و چشم سفیدم می‌شمارند.

آن گاهی که صدای موزیک محلی دل فضا را می‌شگافت و از دیوارهای گلی قریه‌ای ما عبور می‌کرد و من از دل تنگی و اندوه‌ای فراوان حتی طاقت دراز کشیدن در بسترم را نداشتم. پنهان از مادرم در کوچه‌های تنگ و تاریک قریه پرسه می‌زدم. آواز عالم شوقی؛ چون تیر از بدنم می‌گذشت و اذیت می‌کرد. پشت در بزرگ آهنی پدر صنم می‌ایستادم، صدای دهل و سرنا بدنم را تکان می‌داد، به سرعت خودم را عقب دیوار می‌کشیدم. موجی از گرد و خاک بلند بود و پشت عروس آمده بودند.

کریم خان بالای اسپ سفید سوار بود که شف لنگی‌اش او را قامت بلند نشان می‌داد. فریاد پدر صنم در میان دهل و سرنا محو می‌شد. که لنگی به دور گردنش تاب خورده بود. جسدی را که با روکش سفید پوشیده شده بود، بیرون می‌کردند. بدنم یخ کرد، زانویم قات شده و به زمین نشستم. صدای بم مانند کریم خان بر دهل و سرنا چربید:

- از برای خدا یک بوجی پیسه‌ام حرام شد. آخرین کلام و خداحافظی صنم از گوش‌هایم گذشت؛ احمدم وعده‌ای دیدار به قیامت.

SOROOR SADR

سرور صدر

خدمات حسابداری و دفترداری

- ◀ امور دفترداری و حسابداری
- ◀ تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی
- ◀ تأسیس و ثبت شرکتها

ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES
WITH APPOINTMENT
Gestion Financière Loyale
5263, boul Cavendish, Montreal, Quebec, H4V 2R6

514.777.3604 loyale.accounting@gmail.com

VANTAGE

آتوسا تنگستانی فر

همراه با شما در خرید آگاهانه

همگام با شما در فروش موفقیت آمیز



سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

514 995 3041

atosa.tfar@gmail.com

8250 boul. De'carie, Suite 150, Montreal, QC H4P 2P5



خاطره تحویل داری یکتا

مترجم رسمی کبک، آلبرتا و ایران
Commissioner for Oaths

در محدوده کبک و خارج از کبک

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها
گواهی امضاء برابر اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت
حتی در روزهای تعطیل

(438) 390-0694 (514) 675-0694

khaterehyekta@yahoo.ca



الهام گرامی

دکترای روانشناسی

از رشته روانشناسی



- مشاور در زمینه مشکلات فردی، کودک و نوجوان
- مشاوره خانواده و زوج
- مدرس مهارت‌های زندگی، مهارت‌های فرزند پروری
- مدرس مهارت‌های زناشویی

(514) 431 2826

Consultant & Life Coach

عضو انجمن مشاورین و روانشناسان کانادا
طیای مجوز رسمی از سازمان نظام روانشناسی ایران
(تعداد نظام روانشناسی ۳۳۳۷)

حسابداری و مالیات

XL-ON TAX SERVICES INC
SERVICE D'IMPÔT XL-ON INC

Income Tax Services For:

- Employees, Students
- Self-employed, Professionals
- Corporations
- Non-Residents
- Foreign Income
- Capital Gains
- Business Income / Rental Income
- Separation
- Deceased & more...

خدمات مالیات برای:

- کارکنان، دانشجویان، بازنشستگان
- افراد خود اشتغال، افراد حرفه ای
- شرکتها
- ساکنین خارجی (غیر مقیم)
- ساکنین کانادا با درآمد خارجی
- سود سرمایه
- درآمد تجاری، درآمد اجاره
- جدایی از همسر
- افراد مرحوم و ...



با مدیریت عباس شفیعی

لیسانس بازرگانی از دانشگاه مک گیل

(ارشد حسابداری و مالیات)

عضو سابق انجمن حسابداران قسم خورده کانادا

با بیش از ۲۶ سال تجربه حرفه ای در کانادا

2545 BOUL. CAVENDISH SUITE 134,
Montreal, QC, H4B2Y9
email: INFO@XLONTAX.COM

(514) 806 0060

هر روز هر روز

مونترال <> تورنتو <> مونترال

مسافر، بار و بسته با نرخهای باور نکردنی

Montreal: 514-887-0432

Toronto: 647-822-2529

Spa Illusion

ESTHETIQUE | ÉLECTROLYSE | LASER

514 694-3735

6600 Trans-Canada Hwy, Suite 511
Pointe-Claire, Qc H9R 4S2



سرگرمی

آشپزی

خانواده



5				7	2	9	
6		7		3			
		9		6	5	3	4
		8		5			3 2
	6		1	4		5	
7	5			9		8	
	8	5	4	7		6	
			5			9	8
	7	3	6				5

▲ نرمال

	1	8			9	6	2
			1				9
			4			8	
		1	2		4		8 9
6				8			1
2	8		9	5	3		
		3		7			
	6			1			
1		5	6			4	7

▲ متوسط

		9		7			
	7			9			8
1	2				6	7	
			2	5		3	
		1				9	
	4			3	8		
	8	6				9	3
5			7				8
			6			4	

▲ سخت

	2			4	3		
			5			6	
	8			2		9	
	5	2			1		9
7							4
	3		7			1	2
		9		4			8
		7			9		
		5	8				6

▲ خیلی سخت



آشپزی هفته

RECIPE OF THE WEEK

فاج بیسکویت و گردو



«فاج» یک نوع شیرینی نسبتاً نرم و سنگین است که اصالت آن به کشور فرانسه برمی‌گردد. فاج‌ها با انواع مغزها قابل تهیه هستند و یک میان‌وعده کامل به حساب می‌آیند که می‌توانید آن را برای مهمانی یا دورهمی‌های خود آماده و سرو کنید.



طرز تهیه:

بیسکویت را داخل غذاساز ریخته و پودر کنید. نیاز نیست که حتماً بیسکویت‌ها کاملاً پودر شوند، همین که نسبتاً ریز شوند کافی است. سپس پودر قند و پودر کاکائو را الک کرده و باقی مواد را نیز به آن اضافه کنید. مواد را با هم خوب مخلوط کنید تا خمیر نرمی به دست آید. مواد را روی سلفون و یا کاغذ روغنی ریخته و رول کنید. اجازه دهید تا خمیر حداقل دو ساعت در یخچال استراحت کند. خمیر را به اندازه یک بند انگشت برش دهید و در انتها با شکلات آب شده و پودر نارگیل (یا پودر مغزهای دیگر) تزئین کنید. نوش جان



مواد لازم:

۱. بیسکویت پتی‌بور
۲. پودر کاکائو
۳. پودر قند
۴. کره آب شده
۵. شیر
۶. گردو یا فندق خرد شده
۷. شکلات آب شده
۸. نارگیل

توضیح: خانه‌های جداول روبه‌رو را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

جدول سودوکو

SUDOKU TABLE

سخن ستارگان (برای تفنن و سرگرمی)

فال شما برای ۲۸ آوریل تا ۴ می / ۸ تا ۱۴ اردیبهشت

ترجمه:
خاطره تحویل‌داری یکتا



متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)

این هفته بر اهداف خود تمرکز داشته و دوست دارید نظرات خود را با دیگران در میان بگذارید. شاید به ارزیابی مجدد یکی از دوستان یا آشنایان که از شما بزرگ‌تر است بپردازید. ممکن است قدران پند و نصایح این فرد باشید. عموماً دوست ندارید به شما گفته شود چه کار باید بکنید. متولدین فروردین جنگجو هستند و می‌خواهند آزادی عمل داشته باشند. ماه کامل آخر هفته زمان خوبی برای تعیین اهداف است. این فرصت را از دست ندهید.



متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)

خورشید در بالای موقعیت شما بوده و باعث تعریف و تمجید دیگران، خصوصاً رؤسا، والدین، معلمان و حتی مأمورین پلیس، از شما می‌شود. حتی اگر کار خاصی انجام ندهید در نظر دیگران قابل‌ستایش خواهید بود. اکنون زمان آن است که هر چیزی را می‌خواهید درخواست کنید. ماه کامل آخر هفته بهترین زمان برای تعیین اهداف است و البته این هفته زمان خوبی برای پرداخت هرگونه بدهی و مالیات و یا دریافت پول از دولت خواهد بود!



متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)

به دلیل اینکه موقعیت حساسی را از نظر ذهنی می‌گذرانید، اکنون زمان خوبی برای جستجو و کشف خود است. بهتر است برای ماه کامل آخر هفته آماده شوید، زیرا که زمان خوبی برای تعیین اهداف آینده خواهد بود. در این زمان بلندپروازی شما بالا گرفته و می‌خواهید تلاش خود را برای آنچه که واقعاً لازم است انجام دهید. از انجام کارهای اضافه پرهیز کنید که انرژی‌تان به هدر می‌رود. این هفته زمان خوبی برای صحبت با دوستان است.



متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)

به تغییری نیاز دارید که نه تنها ترغیب‌کننده بلکه تقویت‌کننده نیز باشد. این هفته می‌توانید اهداف خود را تعیین کرده و حدود مرز انتظارات خود را از روابط با دیگران مشخص کنید. اگر می‌خواهید قوانین جدید یا راه‌های جدیدی برای انجام کارها پایه‌گذاری کنید، بهتر است در آخر هفته هنگام ماه کامل اقدام نمایید. علاوه بر فکر در مورد روابط نزدیک، می‌توانید برنامه‌های بلند مدتی برای آینده خود تدوین نمایید.



متولدین خرداد (۲۱ مه - ۲۱ ژوئن)

از صحبت‌های گرم با دیگران، خصوصاً جوان‌ترها لذت می‌برید. این هفته زمان خوبی برای تعیین اهداف آینده است. تمام هفته را وقت دارید که به فکر کردن در این خصوص بپردازید. ماه کامل روز جمعه زمان خوبی را برای تعهد به انجام کارها به روشی جدید جهت نیل به موفقیت به دنبال دارد. با حضور ژوپیتار در بالای موقعیت شما، در نظر دیگران عالی به نظر می‌رسید! این نعمتی است برای شما در طول سال. از آن بهترین استفاده را ببرید!



متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)

این هفته به دلیل بلندپروازی شما برای به دست آوردن آنچه می‌خواهید، زمان بسیار پرکار و شلوغی است. سخت مشغول تلاش هستید، حتی برای واگذاری کاری به دیگران. این هفته کمی هم سخت‌گیر خواهید بود و به همین دلیل به افرادی که از نظر شما استحقاق ندارند، محبت و همدردی نشان نمی‌دهید. بر اموال مشترک، مسائل مربوط به مالیات، بدهی و منابع مالی دیگران، مثل ارثیه، تمرکز بسیار دارید.



PhotoMahnaz



عکاسی عروسی، تولد، بارداری، کودک، خانواده و ... در آلتیه
مخصوص و یا محل مورد نظر شما با قیمت‌های ویژه و مناسب

www.PhotoMahnaz.com

PhotoMahnaz: ۰۸۲۶-۶۶۰-۵۱۴



متولدین دی (۲۲ دسامبر - ۱۹ ژانویه)



تمرکز شما بر خانه، خانواده و زندگی شخصی همچنان جدی است. بسیاری از شما بیش از همیشه درگیر یکی از والدین خواهید بود. با این وجود مسائل مالی در حال حاضر اهمیت بسیاری دارند. شاید از ایده‌های پول‌ساز خود استفاده کرده و یا هزینه هنگفتی بکنید. هر یک از این موارد که باشد، شما در این مقطع زمانی بسیار به جریان نقد می‌اندیشید. شاید هم تعیین اهداف شما مربوط به چگونگی رسیدگی به مسائل مالی باشد.

متولدین بهمن (۲۰ ژانویه - ۱۸ فوریه)



در حال حاضر مسائل بسیاری در زندگی شما در حال وقوع است و بنابراین بهتر است در مورد آن‌ها با دیگران صحبت کنید. می‌خواهید برخی موارد را با بعضی افراد در میان بگذارید تا ذهن خود را آرام‌تر کنید. گاهی اوقات احساس می‌کنید حتی با خودتان موافق نیستید. حسی در درونتان می‌گوید باید شرایط را دوباره ایجاد کرده و بیشتر در کنترل بگیرید. می‌خواهید برخی حد و مرزها را به گونه‌ای واقعی برای خود روشن کنید.

متولدین اسفند (۱۹ فوریه - ۲۰ مارس)



اکنون به نوعی زمان خاصی است. از موفقیت برخوردارید و به مسائل مالی، کسب درآمد، ایده‌های بازاریاب‌سند و کنترل دارایی اهمیت می‌دهید. علاوه بر آن در پشت صحنه هم اتفاقات بسیار دیگری می‌افتد. با خود مشغول صحبت و مذاکره هستید. برنامه‌ریزی می‌کنید، راه کارهای خود را آزموده و تصمیم می‌گیرید با چه کسی نزدیک‌تر بوده و از چه کسی فاصله بگیرید. مسئله فقط بقا است و وقتی صحبت از بقا به میان می‌آید، شما باید اولین نفر باشید.

متولدین مهر (۲۳ سپتامبر - ۲۲ اکتبر)



با حضور خورشید در مقابل موقعیت شما در حال حاضر، بیش از همیشه نیاز به استراحت دارید. تمرکز شما بر فرزندان بسیار زیاد است. در حقیقت بسیاری از شما مسئولیت خود را نسبت به بچه‌ها در این زمان بیشتر کرده‌اید. برخی دیگر هم تمرکز خود را بر فعالیت‌های ورزشی، تعطیلات و مسائل هنری متمرکز می‌کنید. برنامه‌هایی در سر دارید که مستلزم راهکار، تلاش و کار است. بهتر است بر بهبود ارتباطات و روابط خود بیشتر بیندیشید.

متولدین آبان (۲۳ اکتبر - ۲۱ نوامبر)



در ذهن خود می‌خواهید همه کارها را انجام دهید. از انگیزه و اشتیاق کافی برای آن هم برخوردار هستید. از راه درازی که در پیش روی شماست مطلع بوده و آماده طی کردن آن هستید. آماده هستید کارها را با کفایت انجام دهید و از خود انتظارات بالایی دارید. صحبت از تغییرات عمده است و نه فقط کارهای جزئی. بحث تعمیرات و تغییر دکوراسیون جدی مطرح است که البته ممکن است تنش‌هایی را هم در خانه ایجاد کند. بهتر است در این خصوص صبور باشید.

متولدین آذر (۲۲ نوامبر - ۲۱ دسامبر)



زمان برای شما زمان تفریح و شادی و نشاط است! شاید در مورد مسئله‌ای مربوط به بچه‌ها و شاید هم نسبت به برنامه‌های اجتماعی، هنری و یا تعطیلات هیجان بسیار نشان دهید. هر یک از این موارد که باشد، وجود شما سرشار از انرژی خواهد بود. این هفته زمان خوبی است برای مطالعه و تعیین اهداف و کشف ایده‌های جدید. اکنون زمان آن است که انتظارات خود را برای آینده مشخص کرده و تصمیم بگیرید برای رسیدن به آن‌ها از کجا باید شروع کنید.

نازک سلیمانپور
مشاور رسمی املاک مسکونی
در استان کبک

• همکاری با تیم حرفه‌ای جهت اخذ وام مسکن
• ارزیابی رایگان ملک برای فروشنده‌گان
• مشاوره رایگان برای خریداران

Nazak Soleimanpour
Courtier Immobilier Résidentiel
Residential Real Estate Broker

438.872.7373
soleimanpournazak@royallepage.ca

ROYAL LEPAGE
Du QUARTIER
AGENCE IMMOBILIERE

Office: 6971 St. Côte-de-Liesse, RC Montréal (St-Laurent), QC H4T 1Z3

FAMOUS ASTROLOGER, PSYCHIC, PALMIST AND FORTUNE TELLER
514 - 458 - 9599

فال گیری و کف پینی

PALM READING, FACE READING, HOROSCOPE MASTER: GURUNANDHA

ALL RELIGIONS WELCOME
If you have any problems, meet me once and get solutions permanent.

WALK-IN WELCOME
7 Days open
10am - 6pm

SOLUTIONS FOR:

- LOVE, MARRIAGE
- HUSBAND WIFE PROBLEMS
- DEPRESSION PROBLEMS
- ADOLESCENCE
- JOB, MONEY & ANY TYPE OF PERSONAL PROBLEMS

The Master is an expert in removing of Black Magic, Evil Spirits, Witchcraft, Bhut, Negative Energy, Obeyah & gives 100% lifetime Protection.

100% guarantee

PRIVATE & CONFIDENTIAL
I am Born to Serve People

4040 ST LAURENT BLVD, MONTREAL, QC H2W1Y8

حکایت هفته

حکایت ۱۷

حکایت ۱۰

شعر هفته

اندر فواید روزه‌داری

ماه رمضان آمد و شیطان به فلان رفت
 فریاد برآورده و با بانگ اذان رفت
 آنان که نبستند سحر بار شکم را
 دیدند که بدجور کلاهی سرشان رفت
 جان‌دار که جان داشت در این ماه سر ظهر
 با چشم خودش دید که یک مرتبه جان رفت
 چون خواب ثواب است در این ماه مبارک
 خوابیدم و بیدار شدم، نصف زمان رفت
 نصف دگرش پهن شدم در بر کولر
 دیگر چه بگویم که چنین رفت و چنان رفت
 هر روز خلاق همه خوردند و نخوردیم
 دائم ز لب و لوجه ما آب دهان رفت
 گفتند سفر کار درستی‌ست در این ماه
 مهسا به مهاباد و همایون همدان رفت
 تا عذر بیابند، مگر روزه نگیرند
 فرزند پی دکتر اعصاب و روان رفت
 ما تف به ریا روزه گرفتیم به هر شکل
 ابلیس از این همت ما زوزه کشان رفت
 هم قول بهشت از طرف عرش گرفتیم
 هم چربی دور شکم و پاچه و ران رفت
 تا پلک زدیم، آخر ماه غسل آمد
 خیزید و خز آرید که ماه رمضان رفت
 منبع: (بو قلمان، سعید طلایی. تهران: کتاب قاف، ۱۳۹۶). قسمتی از شعر «در تف به ریا و فواید روزه‌داری»

گفت مسکین موسپیدی این چه سود، نام ما شد
 چهره‌های ماندگار، نام نیکو پخش گردد ز آدمی،
 کو ز خود دارد سرای زرنگار
 حکیمی پسران را پند همی داد که «جانان پدر...»
 پسران گفتند: «اه... پدر باز شروع نکن‌ها.» حکیم
 ادامه داد: «اول اجازه دهید بگویم، بعد سر جوسازی
 بگیرید.» پسران گفتند: «جان مادرت برو و چند
 جفت گوش مفت تازه نفس بیاب که تمام نصایح
 دینی و عقبی را صدبار بر ما خوانده‌ای.» حکیم
 دل‌آزرده به افق خیره گشت و گفت: «منت خدای را
 که مرا نعمت فراوان عطا کرد و بهر من میراث‌خوار
 قرار داد، حال آنکه بدین کردار، من ایشان را از ارث
 محروم کنم.» پسر مهتر به برادر نگرست. گفت:
 «حال که نیک می‌اندیشم، درمی‌یابم نصیحت
 حکما چون سرکه است که چون کهنه گردد، قدر و
 قیمتش فزون شود.» ولی چه سود که رشته کلام
 از دست پدر رفته بود و به واسطه‌ی کهلوت سن،
 نسیان بر او مستولی گشته. حکایتی چند بخوانید تا
 او پند خویش به یاد آرد.
 «فرجام ره هنر بدانی، چون باقی این سخن
 بخوانی...»
 منبع: (نئوگستان، پدram ابراهیمی. تهران: نشر چرخ، ۱۳۹۳)

توانگرزاده‌ای را دیدم بر سر گور پدر نشسته و با
 درویش‌بچه‌ای مناظره در پیوسته که «پدرم طی
 مراسم خاصی فوت کرد و چوب تابوتش از لهستان
 آمد و سنگ مزار از ایتالیا و فرش از تبریز و خشت
 فیروزه از سیاهان. به گور پدرت چه ماند؟ عینهو
 هسته خرمالو در زمین کاشته و مشتی دو خاک
 بر او پاشیده.» درویش‌پسر این سخن را بشنید
 و تهدید به فرصت بدل کردی و فاز وارستگی و
 حکمت گرفت و گفت: «تا پدرت زیر آن سنگ‌های
 گران بر خود بجنبدیده باشد، پدر من به بهشت
 رسیده.» توانگرزاده درآمد که «از قضا پدر من
 دودۀبار به سفر حج رفتی و در هر روز ده گرسنه
 سیر بکردی و در هر ماه ده برهنه بیوشاندی و
 برادر بزرگ‌تر به وصیت او تمام نماز و روزه‌های
 قضایش را کفاره دادی و خریدی و بدین کیفیت، تا
 پدر تو در زیر خاک جوانه بزند، پدر من زیر سدره
 طوبی آرمیده باشد و بفرما.» پیر جهان‌دیده‌ای این
 حدیث بشنید و بگفت: «دو تن از بلخ به قصد خانه
 خدا عظیمت کردند، یکی منعم و سواره و دیگری
 مفلس و پیاده. تا پیاده مشهدی شود، سواره حاجی
 شد و برگشت.»

نکته هفته

من از تأمل بهار برمی‌گردم و احساسم با
 بوی شکوفه‌ها گره خورده‌ست؛ بهار فلسفه
 ساده‌ایست که بدانیم زمین عرصه کوچ است.

نقل قول هفته

محمدتقی بهار: هنگام فروردین که رساند ز
 ما درود؟ بر مرغزار دیلم و طرف سپیدرود...

ضرب‌المثل هفته

روسی: یک کلمه مهربانانه مانند یک روز
 بهاری است.

لطیفه‌های هفته

www.hafteh.ca

- ☺ فطریه ۷۰ هزار تومان ... یارانه ۴۵ هزار تومان ... آقای رئیسی داری یه ۲۵ تومان دستی بدی ماه بعد از یارانمون کم کنی؟ ... پای آبروی مؤمن در میونه!
- ☺ حیف نون گردن یکی از مسئولین اختلاس‌گر رو بوسید ... مسئول گفت: همه دست ما رو می‌بوسند تو چرا گردن ما رو می‌بوسی؟ ... حیف نون گفت: جای شمشیر امام زمان رو می‌بوسم!
- ☺ همیشه ماه رمضان دیر تموم میشه، تعطیلات نوروز زود ... خیلی دوست دارم ببینم سال بعد که همزمان هم عید نوروز هست و هم ماه رمضان چه اتفاقی می‌افته!
- ☺ مدرسه‌ها سوسولی شده که این بچه‌ها پرو شدن ... من سوم دبستان بودم یه روز دیر رفتم کلاس ... معلمون جوری کتکم زد که شبش هیتلر، چنگیز و ضحاک به خوابم اومدن، بغلم کردن و بهم دل‌داری دادن!
- ☺ اینکه قصه آدمیزاد از گندم یا سیب شروع شده خیلی مهم نیست ... مهم اینه خدا روی خوراکی‌هاش خیلی حساسه ... اصلاً واسه همین میگیره غذا نمی‌ده!

SHARIF EXCHANGE
صرافی شریف
 توجه: انتقال ارز به ایران و برعکس نداریم
 www.sharifexchange.ca
 Tel: (514)223-6408 261 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

ترجمه رسمی و دعوت نامه توسط شهریار بخشی
 514-624-5609 - 514-655-5609
 bakhshibakhshi@gmail.com

★★★★★
Five Star I.P.M Inc.
صرافی پنج ستاره
 متوجه تر با نهان

مشاوره: درمانی، تحصیلی و مهاجرت
 حسین ترکپور، مددکار اجتماعی
 www.psynaquebec.com 514-846-8872

تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و
 بالعکس با کمترین هزینه
514 585 2345 | 514 846 0221
 4010 Saint-Catherine St West, H3Z 1P2

آموزش محاوره با استاد فرانسوی زبان
 پیش نیاز: آشنایی پایه ای با زبان فرانسه
 هدف: بهبود مهارت محاوره، بویژه برای محیط کاری.
 با هزینه مناسب
 514-739-8844

Artistic Men Haircut
 by Sirous
 متخصص
 مدل های هنری
 برای آقایان
514-240 1493

جای آگهی شما

استخدام

کلیه خدمات عکاسی و
 فیلمبرداری حرفه ای در استودیو
 فقط با وقت قبلی
STUDIO PHOTOBOOK
 (514) 984-8944
 7352 Rue St. Hubert, Montreal H2R 2N3

کارخانه ذوب فلزات و تولیدکننده فروتیتانیوم
 به نیروی کار نیازمند است:
 ۱) اپراتور ساده جهت کار در خط تولید
 ۲) اپراتور کوره های ذوب (ترجیحا با سابقه کار
 ریخته گری)
 ۳) الکترومکانیک
 رزومه های خود را به ای میل زیر ارسال فرمایید:
 carriers@metalliage.ca

فروشگاه مواد پروتئینی سن لوران
 هر روز به جز دوشنبه ها مرغوب ترین گوشت و مرغ و ماهی،
 انواع برنج، چای، عرقسما، سبزی خشک و
(514) 369-3474 Marché de poisson et viande 5700 Steeles West, Montreal QC, H4A 1S1

Metalliage INC.
 5335 Rue Ramsay, Saint-Hubert, QC, J3Y 2S3

Deal Properties

شبنم نبی‌پور

مشاور املاک

مشاوره و ارزیابی و امکان به صورت تلفنی و حضوری
 خدمات ۲۴ ساعته برای خریداران تا پایان پروژه خرید
 اخذ وام بانکی با بهترین نرخ و کمترین پیش پرداخت حتی برای تازه واردان

613-709-9070

OFFICE: 613-366-1713
 WWW.SHABBYNABIPOUR.COM
 E-MAIL: SHABBY@IDEALPROPERTIESREALTY.COM

Shabby Nabipour
 Sales Representative

MEHDI FALLAHI
 REALTOR

تمام مشتریان من
 تبدیل به دوستان
 صمیمی من شده اند.

اجازه بدهید به شما
 نیز خدمت کنم.
 ۶۱۳-۸۸۹-۴۷۰۰

ROYAL LEPAGE
 MASTER SALES
 AWARD 2013

ROYAL LEPAGE
 Team Realty

yes@RealOttawa.ca

محل های پخش هفته در اتاوا

سوپرمارکت آریا
 ۶۱۳-۵۹۴-۳۶۳۶
508 Gladstone Ave

فروشگاه شیراز
 ۶۱۳-۵۶۳-۱۲۰۷
725 Somerset St W . K1R 6P7

فروشگاه کابل
 ۶۱۳-۸۹۷-۶۶۶۶
355 Montreal Rd, Vanier, ON K1L 6B1

رستوران دونرما
 ۶۱۳-۶۹۵-۲۲۲۱
129a Bank St. Ottawa, ON K1P 5N7

افغان کباب اکسپرس
 ۶۱۳-۵۹۳-۸۸۸۰
249 Bank St. Ottawa, ON K2P 1X2

محل جدید پخش هفته در اتاوا
 دفتر مهاجرتی روادید
310 Miwate private, Unit 311, Ottawa, K1R 0E2

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4
www.hafteh.ca info@hafteh.ca

www.ravamid.ca
info@ravamid.ca

موسسه مهاجرتی روادید:

استارت آپ ویزای کانادا با شرایط بسیار مناسب
 اخذ پذیرش و خدمات ویزای دانشجویی در کلیه مقاطع تحصیلی
 سرمایه گذاری و کار آفرینی
 خرید بیزینس و دریافت مجوز کار
 اکسپرس انتری
 ویزای توریستی
 تمدید مجوز تحصیل و مجوز کار در کانادا
 اسپانسرشیپ همسر والدین
 خدمات اسکان اولیه
 و...

تماس رایگان در آمریکای شمالی:
 Free Tell & fax:
 1-833-RAVADID (728-2343)

تماس در واتس آپ با هماهنگی قبلی
 +1(514) 797-6850 (Ottawa head office)
 +1(514) 638-8258 (Montreal office)

ALIREZA MANSOURI
RCIC, R533715

نیازمندی‌ها

با حداقل هزینه
نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

۸۴۲-۵۶۰۸	HPadar	۹۳۳-۶۸۰۰	فریدون هرنیدیان
مراکز مذهبی		رسانه های گروهی	
۸۴۹-۰۷۵۳	انجمن بهایی	۸۴۸-۹۵۹۹	بازار
۳۴۱-۲۲۳۵	موسسه خوبی	۵۷۵-۸۴۵۱	پوشه
۲۶۱-۶۸۸۶	کلیسای ایرانی	۷۸۷-۸۸۴۸	هفته
۹۹۹-۵۱۶۸	کلیسای فارسی-کشیش	۹۰۳-۴۷۲۶	پرنیان
مشاور املاک		پیوند	۹۹۶-۹۶۹۲
محمد اجزای		رستوران-پیتزا - کیتینگ	
۵۸۸-۰۶۰۹	مهدی انصاری	۲۷۰-۸۴۳۷	فاروس
۹۶۷-۵۷۳۳	مینو اسلامی	۴۸۲-۴۰۳۵	بناب کباب
۹۹۵-۳۰۴۱	آتوسا تنگستانی فر	۹۰۷-۸۷۸۸	ترنج
۹۶۹-۲۴۹۲	نادر خاکسار	پوشاپ (هندی)	۷۳۷-۴۵۲۷
۲۹۰-۲۲۱۰	شهره شهریان	آریا	۴۵۰-۸۱۲-۷۳۶۹
۶۲۵-۲۵۲۵	سحر صمدایی	کباب سرا	
۹۹۶-۱۰۶۵	هلیا عارفی دوست	755 Ave. Atwater / 514-933-0933	
۵۶۱-۳۵۶۱	آرزو گتمیری	ساخت و ساز Builders	
۹۷۱-۷۴۰۷	کاظم پروتهرانی	علی خاقانی	۵۷۴-۵۷۴۳
۷۳۰-۳۹۰۹	آرش شکور	سی.دی - ویدئو	
۸۲۷-۶۳۶۴	فیروز همتیان	تپش دیجیتال	۲۲۳-۳۳۳۶
۴۶۴-۸۲۲۰	شاهین سجادی	فروش و موکت	
بازرسی ساختمان		قالی شویی و رفو	۷۳۹-۴۸۸۸
۶۶۳-۷۲۱۵	علیرضا شریف زاده	عکاسی و فیلمبرداری	
۹۷۱-۱۳۵۹	محمودرضا اسکندری	استودیو فتوبوک	۹۸۴-۸۹۴۴
مشاور خانواده		فتو شاپ	۸۴۶-۰۲۲۱
۳۳۷-۹۷۴-۲۹۹۴	لاله رهبین	فروشگاه ها	
مشاور مهاجرت		المانه	۴۸۸-۸۳۸۳
۲۸۹-۹۰۴۴	معصومه علی محمدی	سن لوران	۳۶۹-۳۴۷۴
۹۰۳-۴۷۲۶	علی مختاری	بازار	۴۸۶-۱۶۱۷
۷۴۸-۰۹۴۹	سهیل ملااحمدی	EXO Fruits	۷۳۸-۱۳۸۴
www.GanjiCo.com	کنجی	فروشگاه ایرانی	
نان و شیرینی		A Plus Quality Nuts / 514-691-0002	
۸۳۶-۵۵۵۳	کندم	کامپیوتر و خدمات	
۶۳۴-۶۳۶۳	نان سنگک آذر	بیژن جلالی	۲۵۸-۸۱۸۶
نوسازی و تعمیرات ساختمان		EvoWeb	۵۱۴-۶۴۹-۹۳۶۶
۴۴۱-۴۲۹۵	شرکت بن	کتاب فروشی / کتابخانه	
۹۴۲-۹۹۶۹	شرکت آماج	کتابخانه نیما	۴۸۵-۳۶۵۲
۴۶۳-۳۰۱۴	لوله کشی پتانسیل	نوروزمین	۷۸۷-۸۸۴۰
۲۹۰-۲۹۵۹	لوله کشی پارس	طراحی و گرافیک	
وام مسکن		محضر رسمی	
۶۰۶-۵۶۲۶	بهروز باباخانی	مونا صالحی	۹۰۳-۸۵۶۰
۹۹۵-۳۰۴۱	آتوسا تنگستانی فر	مد و لباس	
۹۷۹-۹۸۰۹	شرین تیموری		
۸۳۴-۸۰۵۳	مهرداد مرادخانی		
مهد کودک			
۶۹۹-۸۳۷۳	سیما (دولتی)		
وکیل/مهاجرت			
۹۶۱-۸۷۴۶	دیوید برگر		

۹۹۳-۷۹۷۶	مریم طالبی	بیمه عمر و سرمایه گذاری
۲۹۶-۹۰۷۱	علی پاکنژاد	
۴۶۷-۸۴۹۱	عبدالله صفوی	
۵۵۳-۰۹۷۸	مهدی امانی	
پس انداز تحصیلی		
۷۷۸-۷۳۷۷	مروارید معماریان	
بیمه (خودرو و خانه و سفر)		
Allstate	مشاور فارسی زبان بیمه	
۶۵۲-۷۶۷۷	مهرداد ملکچمشیدی	
بیمه ویزیتوری و دانشجویی		
۹۹۳-۷۹۷۶	مریم طالبی	
۷۱۵-۲۴۹۴	فریده شرفی	
ترجمه و دعوتنامه رسمی		
۶۹۱-۴۳۸۳	رضا داودی	
۴۳۸-۹۲۰-۹۳۰۵	فیروزه مسیحا	
۶۲۴-۵۶۰۹	شهریار بخشی	
۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	خاطره تحویلدار یکتا	
۸۸۴-۱۰۱۶	سارا کیانی	
چاپ و کپی		
۴۸۸-۵۳۳۳	فتوکپی ان دی جی	
حسابداری		
۴۵۸-۷۵۹۹	اردشیر معین افشاری	
۲۴۲-۶۰۳۴	حسین خردبین	
۵۴۹-۱۳۴۴	حجت رستمی	
۷۷۷-۳۶۰۴	سرور صدر	
۸۸۶-۷۴۷۱	مهدیه سلیمی	
حمل و نقل		
۹۳۵-۳۳۰۰	المپیک	
۸۸۷-۰۴۳۲	قریان	
۲۳۴-۳۳۹۹	Loadex Transport	
خدمات ویزای توریستی		
خیاطی		
419-1039	Tailleur Bijan	
2121 Rue Crescent #102, H3G 2C1		
خدمات در ایران		
۶۹۱-۴۳۸۳	دارالترجمه فرهنگ	
دارو خانه		
۵۱۹-۳۰۶۰	گل نسیم ریاحی	
۴۵۰-۶۲۸-۸۱۰۰	فارماپری لاوال	
۴۵۰-۶۲۸-۴۰۰۷	فارماپری لاوال	
دندان پزشکی		
۶۳۴-۷۲۸۱	راضیه رضوی	
۷۳۱-۱۴۴۳	شریف نائینی	
۶۸۵-۶۲۲۲	علی شفیع	

۹۹۰-۲۵۰۰	Auto Highlander	اتومبیل (فروش)
www.autohighlander.com		
1080 Victoria Avenue, Saint-Lambert, QC J4R 1P7		
۵۷۵-۷۹۴۰	اتو کاسپین	
www.autocaspien.com		
اتومبیل (تعمیرگاه)		
اطلس		
۴۸۴-۴۴۸۱		
6000 saint jaque H4A 2E9		
۴۸۷-۶۲۶۲	شمیران	
آرایشگاه - زیبایی - اسپا		
۹۳۳-۰۷۶۳	آمنه	
3545 Côte-des-Neiges, H3H 1V1		
www.Amybeautysalon.com		
۸۱۳-۴۹۴۷	سوزان	
رویا	۹۳۴-۳۳۷۴	
فریبا	۴۸۷-۰۸۰۰	
آرزو		
۷۳۱۸-۸۳۹	آیادانا	
۴۳۸-۳۵۷-۷۰۰۰	پرسپولیس	
۸۴۶-۰۲۲۱	پنج ستاره	
۹۸۹-۲۲۲۹	صرافی الیت	
۲۲۳-۶۴۰۸	شریف	
۸۳۶-۷۰۹۰	صرافی رویال	
۲۸۹-۹۰۱۱	پاسیفیک	
۸۴۴-۴۴۹۲	ExpertFX	
الکترونیک - برق کار		
۳۵۲-۶۸۸۳	آراز الکترونیک	
آژانس های مسافرتی		
۴۸۴-۴۰۰۰	سلطان تراول	
۸۴۲-۸۰۰۰ EXT: ۲۹۶	فرناز معتمدی	
۹۴۰-۱۶۴۲/۴۳	مهری صدوقی	
۲۷۲-۹۹۹۹	سعید هاشمی	
آموزش		
۶۷۵-۴۴۰۵	پروین عبائی - فارسی	
۵۰۲-۴۳۷۸	مدرسه فردوسی	
۶۲۶-۵۵۲۰	مدرسه وست آیلند	
۲۵۸-۸۱۸۶	مدرسه دهخدا	
آموزشگاه (راندگی)		
آموزش (موسیقی)		
۹۹۶-۱۶۲۰	پیانو / فخریان	
۴۸۴-۸۷۴۸	استاد بیانست فرچه داغی	
آموزش (زبان)		
۸۳۹۴۴۴۴	آکادمی آریا	
۶۵۳-۳۰۵۰	دکتر رضا یاوریان	



Cover
NO.678

16. Histoire de couverture

Entretien exclusif avec Sashar Zarif, danseur et chorégraphe :
Chacune de nos actions actuelles est un « passé » émergent.

■ Khosro Shemiranie

43 Interview: Farangis Shakiba
Une entrevue avec Negin Ashouri, jeune inventeur et entrepreneur primé à Montréal :
Mon objectif est d'améliorer la qualité de vie des femmes

25 Immigration: M. Alimohammadi
Saviez-vous qu'il existe trois différents programmes d'immigration de parrainage de conjoint au Canada?

31 Littérature: Karim Zayyani
Définissez la compassion humaine pour moi !

36 Cinéma: Armin Aryanpour
Neuf étapes vers le bonheur à l'américaine ! Une critique de film

63 Afghanistan: Nargis Hashimi
Modaser Hashimi, jeune activiste afghan à Montréal :
Chacun de nous doit être un ambassadeur de sa culture



Publication: Journal Hafeh / 4479777 Canada Inc

Un magazine hebdomadaire pour la communauté Afghane/iranienne de Montréal

A weekly Magazine for the Afghan/Iranian Community in Montreal

28 avr 2022, numéro 678

(514) 834-7254
• www.hafteh.ca
• info@hafteh.ca
• news@hafteh.ca
• ad@hafteh.ca
• ISSN 1918-4379 Hafeh

Hafeh will not be published on the following dates during 2022:

January 6th March 24th
July 7th October 13th

Siège social:
1980 Rue sherbrooke O
Suite#: 900
Montreal H3H 1E8

Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie

Editeur en ligne : Arash Mohebi

Photographe: Mahnaz Zangirzani

Dessinateur: Siros Yahyaabadi

Littérature: Farangis Shakiba

Psychologie: Dr Elham Gerami

Economie: Armin Aryanpour

Immigration: Masoumeh Alimohammadi

Cinema: Aref Mohammadi

Medicine: Dr. Faegheh Ebrahimi

Droit: Me Niousha Riahi

Communauté afghane: Nargis Karimi Hashimi,

Actualité Communauté: Zahra Salehi



le prix: \$2.50

Les frais de l'abonnement annuel: 120 dollars

This project is funded in part by the Government of Canada.
Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.

Canada 



PERMONT

Entrepreneur généraliste - General contractors Inc.

تیم متدیرینی با بیش از ۲۰ سال سابقه اجرا در کانادا

سازنده سازه های شما با اعتماد و دوستی

طراحی و ساخت کلیه ساختمان های تجاری ، صنعتی و مسکونی
برآورد و مشاوره سرمایه گذاری در امور ساخت و ساز
استفاده بهینه از فناوری روز در طراحی و اجرای ساختمان



Tel: 514-738-0006 Fax: 514-738-0002 Info@permont.ca www.permont.ca
5575 boul. de la Verendrye, Montreal, H4E 3R6
RBQ # 5639-5874-01



آنچه رویای شماست، تلاش من خواهد بود

مشاور املاک مسکونی و تجاری

- خرید، فروش، پیش فروش و اجاره کلیه املاک مسکونی، تجاری و صنعتی
- خرید و فروش بیزنس ها
- کمک به اخذ وام مسکن با کمترین نرخ بهره
- همراهی در کلیه امور مربوط به محضر

GRUPE IMMOBILIER
LONDONO
REALTY GROUP INC

هلیا عارفنی دوست

(514) 996-1065

✉ helia@londonogroup.com

📷 helia_realtor_mtl

صرافی
بستی
مونترال



Montreal
BISTI
EXCHANGE

ارسال حواله



خرید و فروش ارز



خرید و فروش ارزهای دیجیتال



وسترن یونیون



Competitive rates - Fast transfers - FINTRAC-regulated



+1(514) 806 0020 | www.bisti.ca | bisti@bisti.ca | [instagram.com/bistifx](https://www.instagram.com/bistifx)

Auguste & Louis CONDOMINIUMS



پیش فروش هم‌اکنون - آماده تحویل به شما: در سال ۲۰۲۴

آپارتمان‌های استودیویی، ۱ و ۲ و ۳ خوابه
در قلب مرکز شهر مونترال
از ۱۴۰۰۰ فوت فضای مشترک سرسبز و دلپذیر لذت ببرید.
قیمت خرید: از ۲۹۲۵۰۰ دلار (بلاوه مالیات)



ناهید حسن‌علی
نماینده فروش

SALES REPRESENTATIVE
438 800 - 9563

همین امروز ثبت نام کنید!

AUGUSTEETLOUISCONDOS.COM





INSTITUT TECHNIQUE
AVIRON
TECHNICAL INSTITUTE
DE MONTRÉAL

80 années écoulées pour le bon service

• امکان دریافت وام و بورس
• مشاوره برای کارایی ارائه می‌شود

Service de Placement Disponible




روایهای خود را واقعیت بخشید

Les cours sont disponibles en français ou en anglais
Le cours de dessin industriel est offert en ligne ou en présentiel

Programmes D.E.P 1800 heures:

دوره های حضوری

- Soudage-montage
- جوشکاری و مونتاژ
- Mécanique automobile
- مکانیک اتومبیل
- Électricité
- برق کاری

دوره های آنلاین

- Dessin industriel
- طراحی صنعتی

امتحانات: حضوری، در دسترس آنلاین



5460 Royalmount, Ville Mont-Royal 📍 De La Savane www.avirontech.com 514-739-3010

مهندس مهدی انصاری

مشاور املاک

کارشناسی ارشد مهندسی عمران از دانشگاه کنکوردیا

- خرید و فروش تخصصی ملک، دسترسی ویژه به پیش خرید
- در سراسر مونترال
- دسترسی تضمینی به بهترین مبلغ وام با کمترین سود بانکی

بسته خرید ویژه، مخصوص پرستاران و پزشکان عزیز



Mahdi Ansari
Courtier immobilier résidentiel
Residential Real estate Broker

GROUP IMMOBILIER
LONDONO
REALTY GROUP INC

📞 **514-588-0609**
CANADA AWARDED BROKER 2020 - 2021

🌐 www.mahdiansari.com
📱 medi.ans.mtlbroker